

ضدیمه

کهونیست

بیاد رفیق هائوتسه دون

نشریه تئوریک - سیاسی
اتحادیه کمونیستهای ایران

دوره ۲، شماره ۱ بهمن ۱۳۵۵



روز ۱۸ شهریور ۱۳۵۵ ماهیت دن آموزگار بر جستجو چند کمیسیون و کارگری
جهانی، اند پشتند، سیاستدار و انقلابی هرولتاریائی شرق و سراسر جهان در بکن دیده
از جهان فرویست. مالویته دین سنتوان ادامه دهد، بیخود و فدای آموزگاران سرگ
پرولتاریائی جهانی، مارکس، انتلک، لئنین و استالین، نقش تاریخی بسیار مهم را در راه
پیشرفت و پیروزی آرمان کمیسیم، آرمان رهای طبقه کارگر و زحمتکشان چین و سراسر
جهان، اینها گردید.

مالویته دین با اثناک به تجارت غیر انتلاق چین و بررسی شرایط شیخ و مدنی
حیث کمیسیون و کارگری جهانی و در مبارزه می امانت بر عینه ایوان اسراعات خذ برده
لتری و خد مارکیستی در چین و جهان، کارهای شرکت مارکس، انتلک، لئنین و استالین
را در سال گذشت و به تجییز آید نیلوفریکی هرولتاریائی جهانی در سرمه های گمیش بساری
رساند. او مارکیسم - اسپیسیم را در رشته های فلسفه، تکامل حزب پیروزی، استراتژی
و تاکتیک مبارزی اخلاقی، سوسیالیسم علمی و مسائل مربوط به ساختمن سوسیالیسم
تعکیم دیکتاتوری هرولتاریائی کنکان داد و به پیکرشت سائل شخص جلوی پای چند کمیسیون
و کارگری جهانی پاسخ مارکیستی روشن داد.

رفیع مالویته دین در شاخص سیاسی سرگی که میان مارکیست لیبیست ها
در رویزیونیست های معاصر سرگردانی خواهد گرفت، اور انسان رویزیونیسم خوشبخت
و مبارزه سلطیه نقش خواهکار اهانت در نهضت جهانی کارگری و در نهضت های رهایی خیش
خلیل در آسیا، آفریقا، آمریکای لات، سفی سرچشته راشت و گمیست ها و کارگران آگاه
جهان سخن به او سنتوان مرجع آید نیلوفریکی سرگی خود میگردند و بر جنی را که او و
رفیع اخیر خوده در بر اسرار رویزیونیسم معاصر بود است، داشتند بر جم خود، بر جم کمیسیم
انقلابی، مید اشتبه.

سام و اثمار مالویته دین در عصر ما با دو رویداد تاریخی مهم در تاریخ چین
که دارای اهمیت بسیار مطلق هستند، معنی گشته است، این دو رویداد، یکی پیروزی
انقلاب کسر چین و تشکیل جمهوری چین چین و دیگری اینها شد انتلاق نیلوفریکی
هرولتاریائی در چین است.

رفیع مالویته سهار انتلاق کمیسیون استاد ائمه مارکیسم - اسپیسیم را سر
شراپط جاسنه و انتلاق چین انتبهای داد، آنرا با شرجه های ویژگی های حامی های نهمه ملدو-

دال و سید مستمراتی جمیں، مراحل گوئنکس نکامل انقلاب و تحولات اوضاع و احوال
سین اعلیٰ سطح و نکامل داد و بد جل مسائل و شیوه گیری های تحریکی بود احت گه
از پوششی و سرد تاریخی آنها از حد دید انقلاب چیز فراتر رفت. پیوری انقلاب گیمیز
چیز و آزاد شدن بت چهارم جمعیت کره زمین به تبا شاپ سوواها را در شرمن و پسر
سراسر جهان سمع شنیده های ره موتکراس، علیع ز رسوس، الیم سهم زد، بلکه به راه خبر می
رهایی هنوز حکم را رعو ستم از مفتر و متاب ماتگی، تردگی احتساب را امار، طی پیروی
افکد. میلیونها تن مردم کشته های مستمره و سیده مستمره در آسیا، آفریقا و آمریکای
لاش دیده است که چگونه سلو سرگی که در شرایط شامی با آشپزیسته با اتحاد ایام
به توانی دیپوری خود مستحکمه برداشت، مهیب داد، را از چنگ امیریالیم دگان
زیجیریش رها ساخت و در مدینی گوشه از جس مقبر، غلب ماد و غارت دند و پیشمن جمیں
نو، ما صایع و کشاورزی پیشرفت و میتوان بر معیارهای عالی من و علیع رفایع از ز بهره.
کش رستگری نه اهل او پشاورها، مانکان و سرمایه داران بوم و سین الطیبه به پنهان
آورد. اکن، این حمایة، مارکیستی، نیمیست، که "قدرت سیاسی از لونیع تشكیخ" سو-
ون میانه" و اصول استراتیجی و تاکتیکی حنگ تور مای که توسط مائویسته دوون تدویں رصد است
آپهار پیوری انقلاب چین و اسلام، باقی دیگری که مطلعه امیریالیم رعایت بر میشیش
در دامست تهدی دن شد دویه راههای افلوسیون و کوئینیستهای راستین همه کشسان ریس
ست زندگی شده است. آثار مالک شده دوون و تحریمات غنی افلاب چین، که توسط مائوی
محعمیتی شد داده، دیپوری در ایران ماکه جشنواری رهانی بخش ملن در ساقط متعدد
از جهان جریان راشته و سیده دستور کار سیاری از کشته های آسیا، آفریقا و آمریکای
لات میشد، ارزش والای خود را شان مید هند.

روید اور دیگر، یعنی انقلاب سرگ فرهنگی پرولٹ ریاضی در چین، که بابتکار د
رهیز مایر ده دوین آغاز گردید، هم سرای اد امکن پیوریست اینچ ایقلاب سرمایلیم و
د استان سرمایلیم در چین و هم برای آینده دن سرمایلیم نز جهان پکن این اثرها
ویضی داشت، اهیت این رویداد را هنگام میتران فیمید که در راقیمه اداره سنا ک
احدار سرماید داری در خستین کشیر سرمایلیستی جهان، اتحاد شیون، و پاره ای
دیگر از کشته های سرمایلیستی پیشین مگریست و در برادران امکان تکرار این حرکت فیغرا-
نم مطرساد در چین و پا در هر کشور دیگر که پرولٹاریا قدرت را بدست گرفته پا خواهد
گرفتے اند پشم، ریشن پیش ویع مالو شده دوون درست در این بود که به سخن ریسرو
دشون با این حرکت پیغماشی در اتحاد شیری و عد مای دیگر از کشته های سرمایلیستی
د سرمایس تاریخی ار این حرکت پور اخت، بابتکار به ترکهای مارکیست - نیمیم راجع به
دیوان گذار از جامیع سرمایه داری به جامیع کوئیستی به تجلیل د قیو ریاست خود.
بیدی و مناسبات طبقات در جامیع سرمایلیستی و شکهای پرولٹ سارهی طبقائی نه
دریا پیش - پکن ایگری پرولٹاریا احست گمانت و در شرایطی که میورهه تا دیگر های روزنه همرو
پیوری ای در چین سیر جنگی حدی فراهم آوردند مدفع شجده و راه مده شاه آن سورهه را

بیصریت اخلاق بسری و روحیتی پرورش تاریخی مطرح ساخت. پیام انسان اخلاق فرهنگی پرورد
تاریخی چیز را که اگر تو جهان ایم است: هرگز مبارزه عدالتی را فراموش نکنید،
هرگز نه سکوت نکنید پرورش تاریخی را فراموش نکنید. هرگز مبارزه عادلی را فراموش نکنید و غرمان
حقوق از این را که ندارد. هرگز پرورش تاریخی کهنه نگیرنده باشد.

سام و آثار مانو شده در سرای همیشه حابیاد والای خوب را در تاریخ حسنه
پیام انسان گذشتند و کارگری خواهد داشت. تمام کشورهای سنتها، کارگران آزاده جهان گسترش
سروان را دادند مارکس، اسکندر، سوس و استانی هستند خود را ایجاد کردند مانند این دو
سربران شترنبرگ می‌دانند که مالک مردانه و ارشادی بود. از این‌جا نه تنها کارگران بیمه‌ها
باشد بلکه سام مانو شده دری همچنانگی و مبارزی او بستانه بند اخلاقی و بیک رعمر گسترده بودند.
لشتن آنها گزیده بیشتر از اینکه مطالعه آثار حاربه ای رفیع مانو و سیرا گزیدی از آندریه میهانی ایز
برای پیشرفت امروزهای اینها کارگر و مردم اعراب رضیخان هر کارگر آزاده ایز ای ایز
بیمه‌ها را بازداشتند و میکنند شهادی از زندگی مانو و دادنی اخلاقی از راه را ایضاً میگردند.
رفتار در حد میزانی مور و مصروف مهمندیں آثار رفیع مانو را میگردند آنها در نکاح و ح

املاک باید پیش بروند ای ایز.

سازمانی تحقیقات

ماه مهه - در سرمه بیمهه ۱۴۲۶ در یک ایز هدایت چیز سام شانکر شاہ جهان
ایم و پر ایشان خوبان بدینها آمد. پدر مالک ایشان خذایل و قیروی بود که کم کم بیند و میله
میانه حال مرتبته می‌شود و نکار و سارخون و سریس بیرون شد. مانو از آنهاگی میگردند که
در میانه پدر کار گشت. وی در ۷ سالگی بد مکتب خادمه ته آرد داشت وی پدر رشی و را
زیادی از مکتب گرفت و در پاره ایز کارگزار.

در آن رمان صحیح احمدی ایشان چیز پیشیط خلبانی میگردند و متداد شریعت‌دان
و عقاید پژوهی شدند الیها ایراحت میافت و شنکلاده های ریزه‌سی ایشان بسرمه میگردند. سمه
پیه ای میگردند. و زید مان میبورها، که سرجین پادشاهی میگردند و ایا سنتوری و پایان میگردند
های ریز ایشان خود خبرت جمعی هر دم چیز را است. هرمه هر ایشان خسته بودند. ایشان
گزان یادداشت ایشان می‌شوند اند ایزی های هر دم را - چیز آثار گزیده -
و پادشاهی میبور نایاب ریزند و پیغور شماریه ای دزنه است آنها نه می‌شوند و می‌گذرد
حکام ساخته ایشان هر پیش سریان هر دم ره استگاه تغیریا مستقیم شریعتی دارد و حمل
مشته ای دزمه ریزند بعض میگردند. در میان آنها - ایشان جست و چند ایشان هر دم
در میگزدند، که نهایا شجاعشان سریان ره چهارشان ایراخت مار مانیهای، هر ایشان دزدند و همان
و گشتار هر دم بود. در سان ۱۴۲۹ (۱۹۰۰ میلادی) پیشتر میگردند هفتمی میگردند
بدیهای مشت ریان دزگزدند، که با نهایم شورهای میشتری ایشان، فراماده، آیمان، آیانیه،

بلویت، آمریکا، روسیه تزاری و زاین شدت سرگوب شد، و پس از آن نادینها لشگران خارجی در چین آزاده جولان می‌داند. هم‌اممکنه مائودوره سال‌بیور هنوز پادشاهیان بیگانه در شهرهای عده از جمله در شانگها، شهر برکزی چونان، وجود داشتند ولنج-های نظامی آمریکا و انگلیس در رویدخانه‌های چین مرکزی در رفت و آمد بودند.

استان چونان، جاییکه مائودوره‌ی کوکی و جوانی خود را در آن گذرانید، در اوخر سده نیزده و اوایل سده بیست میلادی بیک از مراکز اصلی غلبهای امپرا-شی عدویان مردم چین و از نقاط تلاقی مبارزین انتلسوون چین با سندان و حکام شدید الی بود. شانگها، شهر مرکزی چونان، بیک مرکز مهم نواحیش و فعالیت‌های روشترانه اقلیتون چین در آن زمان بحساب می‌شد. بین سالهای ۱۲۸۳-۱۲۸۵ (یا ۱۹۰۴-۱۹۰۵ میلادی)، قحطی بزرگ استان چونان و سیزده استان دیگر سام هویه را فرا گرفت، که به طفیان های گرسنگان و شوشاهی دهقانی سرطیه مالکان را من زد.

در همان زمان جنگ روسیه و زاین، که در آن روسیه تزاری داشت بد قدرت توخاستن آسیانی شکست خورد، سرای چینی های نیز مانند سامور مردم آسیا، که اینها بمسوان آسیا-شی های نسبت مانده تحفظ می‌شدند، این تاثیر را داشت که بر اعتماد به نفس آنها من-افزود. بعد از این میانه ۱۲۸۵ (یا ۱۲۸۶) هفت تهمام در سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۶)، فلایام چونان تحت رهبری سازمان انتلسوی هوار اراس سین پاتسون در آنها تبدیل وسیعی ازد گفتار، کارگران معاون و فشرهای ناراضی مردم را فرا گرفت، یعنی گوشت قیامگران سرای سخنگو شانگها شکست انجامید و درین آن‌کشتهار وسیعی از مردم برآه افتخار.

نهایی این وقایع گوایان چین زمان سردی هنر جوانان چین و از جمله مالوی جوان شانگ بیک است. علاوه بر اینها، مالویارها با موارد طغیان های دهه‌انی سرطیه مالکان و سه گوهر زاده هنرمان در راه زادگاهی خود و در راهات سیزده که آن ریسیزه شده بود، اینها عده‌دریل مالوی جوان، که از کوکی ساریچهای مرکزی و در محیطی خشن و آشناه از موارد بیک از گوهر بیرون شدند، غلیان سیا میکردند و مغز و روح از را می‌شودند. مالوی چه در مدت کوتاهی که در مکتب خانه بسر میزد و چه در مدت که ریسیزه رست بد رشکار میکرد بارها این ریشه شیرینی و حمالت سیزده از گوهر را بزیزد آمده بودند. از جمله وی یک شار سخاطر سوئیشی در سراور سلطنتی سه روزگشی مدرسه، که شدت در چن کهنه رواح می‌اشت، سه ریز از مکتب قریخت و متاری کوه ر صحرا شد.

مالوی از همان نو جوانی شیوه‌هایی رخواندن کتاب بود و دخنای از فدرت حافظی خویی برخود آرسید. وی با آنکه سمت به کلاسیک های پرسیه دع جنگی س-علقه بید سراحت آنها را از رس میکرد. کتابهای مزد علاقه از درسته است-۱۹۱۰-استانهای حمامی و فهرمانی چینی، حکایت‌های تاریخی که در آنها نیام های رهگاهی نصریه میشند و میضیات ساختاری ردمیشیک بود. در آن سالهای پیشی سال‌بیان ۱۲۸۷-۹۰ (۱۹۰۸-۱۹۱۰).

۱۹۰۸ میلادی) که روحیه شورش سین پاتسی سراسر جن را فرا گرفته بود .^۶ نسل نوینی با احساسهای خفت نشود الی و بیداری می بروزد همیند ، بیشتره های تکنوسیوی را داشته های خرافی کهنه همین همه میزد حله فرار میگرفتند . در این شرایط تعداد هرچه بیشتری از حوالان به طالعی آثار متون و سهره گنی از طوم و مکاتب جدید به دستش شان میه ارد و اصطلاح جویای حقیقت میبرند . مانو نیزه این نسل نوعلیم را داشت و در حستجوی حقیقت هرچه را بدست میبارد با یافع میخواه و در باره اشان اند . بشه میگرد . پکار برادر نزاع با پدر ، مانو برای خوشش ماء خانه را ترک گفته و نزد همکنی از دوستانش در شهر سیان نان ماند و شام این دشترا به طالعه گرداند . در فرض این فرضی شد که مانو با عده ای از ازاد یکالهای و ترقی خواهان در تعاس و ملاقات اتفاق اد . و با طبیعت اقلایی آشائی بیشتری بهم زند .

در سال ۱۹۰۹-۱۹۱۰ میلادی ، مانو تنه دین در باره پا بدرسه گذارد . او در آنجا در چنین خفت نشید الی و نه امیری بالیستی محصلین و داشجوبان فعالیت شرکت جسد . ولی در اوآخر تابستان (۱۹۱۱ میلادی) ، مانو درسه را ترک گفته باش بیان راهی شاگردی شهر مرکزی خوان شد .

در این زمان طالعه شده دین از لحاظ موضع سیاسی بث ، میگرات بیو و نزد روزن او بین از هر چیز حرسیز ای سرای استقلال می خورد . مانو خود بعد هادر راهی اندامه بید ؛ رهانی می ، ایماعنی به استقلال می ، همینه تحصیل گام در هر انقلاب آغاز شختن هیجان درین هر انقلاب است . اکنون مانو خوبانین تحصیل هیجان را نزد دل خود احساس میگرد و تحصیل گام را در راه انقلاب برمده است .

پکناء پس از رسیدن مالویه شهر شاگدا ، انقلاب (۱۹۱۰ بر اساس ۱۹۱۱) چین سرهنگ سین پاتسی در گوتوار و ده مان پادشاهی میگردند این سرتی بری سرافشار و اندام جمهوری شد . ه ریز سند ، مالویه وو هان رفت و در آنجا بختوان پیش سریاز ساره به ارشت حمه بی پیروست . شناس نزد پیش بازت گی کارگران و دهستانی در ارشت حمه بی ، که سرباز ای ساره را شنگل می ارد ، و آشائی ساره جیا و خنی و خودی آشها در مالوی جوان شغولا شریعی و احساس ناره را سهره آزید و جاگه مالوی بعد . بنا در باره خود نی گفت ، این شرایط در تحقیق و تکامل موضع اید بولزیکی او و بالا بش روحیات و عواطف از تسبیح خود همین ذاتی رایج در میان فشر تحصیلگری و معتبر افتاد . پس اندلاع ۱۹۱۰ سهیان سرتی که برخاسته فروشنده را عریکت که پیش بار ایستاد . حالت بیانشکنیکی را احسان ایکه اشگار پس از سرگونی سجوعها همه چیز خود را خود نرسد خواهد شد جای خود و هر رشگشته را گرفت ؛ حال آنکه انقلاب هنوز به سیارهای اساس نیزه های خود را باخ گلته بود ، نکود الیسم و هایگاههای شنیده امیری . همین ترجیه ، بینه بینه بیدند و حکام نزدیک الی و گردنگ کسان محلی هر چیز سانشگریاں که از همه میه اشتد می شاره و شاره جد اینهای سریز خود اراده میه ارد . در این اوضاع و احوال سید که مالوی ارشت حمه بی را ترک گفت (اسناد ۱۹۱۰)

برادر با مارس ۱۹۱۲) و پسند یاد گرفت حرفه و شمعی سرای نام خویی بداریم گذشتگی
سر زد . ملی ناگفتاب او از همین اینجا خود میخورد و خود آموزی را ارجح داشت و پسند
نهاد . ۴ ماه در کتابخانه ایشان خوبی را یافته در شهر شاگفت سرگرم مطالعه و خواندن
شد . پس از آن ، مانور در اشرافی تربیت مسلم نام داشت و از مسنات ۱۹۱۱ تا سپتامبر
۱۹۱۲ (۱۳۹۰-۱۳۹۱) مدیرکاری (مدیریت) سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲ داشت . در آنها بود که عذاب
سپاهیان مالکیان خداش شکل گرفت .

در طبع این حدث از ادعای جیس رستمیوش تحویلت تاریخی گفته بود . میتوان اینها را
رشیس جمهوری دلیل اتفاق خدیده اینجا نیز نگیر و نکن های ندر و میتواند دلیل رسمی باشد .
دان عاصم فدوی ایلی و مرتضیج کوچه درون قصر انتظام حربه . بودند این رسمی بسیار باشد .
(عمریه ۱۹۱۲) محرومیه استدعا شده و پیشی مدد جمی را تردید کرد . شادروی مصطفی
اصطفی سام بیول میگانی . که درستادی از هدید اینها . مراجعت راست میزدایی و اینجا .
لیستهای غرب از این سوابق تبیکر شده از روی کار آمد . چنان میگانی منواهان مهمنار یعنی
سراندگان از همین همین کمیسیون بود . نیائی های مددی وی سرای احیان سلطنت و اسلام خود
به بران پادشاه خدیده گفتند شیرازی گفتند شیرازی گفتند شیرازی گفتند شیرازی گفتند .
آذری مددی ۱۹۱۵ (۱۳۹۴-۱۳۹۵) و عدم استدلال بین استان خرسن احمدامیت .
پیمان میگانی در خود از ۱۹۱۵ (ژوئن ۱۹۱۶) مرد . لیکن نا آن زمان دیگر جیس
نمود و مخفی شد از این بحیرت نیز شد بود . در هر بخش انتظامی از سردار ایل میتوان اسی
که هر پیش میر دارد . حادث ایل یا آن سوری اینها بالبینی بودند . حکم میراشدند . داییان تشارکت
که در بخش خوبی بود که حسن اتفاق ایل سپه رشکمال صیانت و خوبی ایل مترقبی و خوبی ایل
میزدایی شده . درستاد خوبی را به پایانه قدرت بود شد بدل کرد و میتواند . در این پیمان
بین پادشاه بار دیگر به جمی بازگشت و در راهی حکومت انتظامی چوب شست . زدن رکاب
چو ستاد فرماندهی خود را تشکیل داد . بدینسان نایابگشت سیون پاتنس داشتند
فرماندهی داد و حکومت این رسرادر حم صفت آزادی کردند . ستاد انتظامی فرموده شد .
پاتنس و حزب او ، گومیانگ ، در جنوب و سیستان نهاد اسلام بسرگردانی اشترار شدند ایلی
حاشیه در شمال .

در این اولان ، که مصارف با سایهای حدث حبای از ایل است ، امیرپارسیانه سار
با این ارسنگری خود امیرپارسیانه ایل غربی سه حدث برپا شد . یکی پیش از اینها سره حشمتیه
سازار چیزی را از کارهای خود می ایشاندند . همچوں کارهای زیانی به بزرگشیک انتظامی
میگنند . در این زمان ، در همان رسانه ایل میان رخدان میان سردار ایل و هنگار مدد این سر
میگن سپرالاگر و همراه ایل میانهای از شفارکر شنکن . همچوشه سایه ایل میگنند . و پس از ۱۹۱۵ قاتم
که پیش پیافت ، بدینسان رفعی انصاری را ایشان سپیشی میگند ایل ایل خواسته شد . در
ذیمینه نا خشیدند . در میان قشراهای خوبی ایل و خوبی خوبی ایل و میراد این گروه ، شور
پیمانی کوچت و میرکه همچنان . دیگر ایل اشترامی . اشترامی میگن خواره . خوبی خود
آن سردار ایل خواره خواره . همچنان . همچنان خواره خواره . بدند . دیگر ایل ایل خواره خواره .

و این دستورالعمل های شرکت - اندیشه راه رانی خال نه سازمان از این این حسای
- اشخاص - کلاسها و درین شناسنگ کارگری، براوه اند اخن تظاهرات های میانی و
نهضتین مدارس خود را خواهند بعلیل . و دی شد و درین راه داشترانی که بسرمهده
به اینست میگرد . نهایا مدارس ریاضیات اجتماعی را میتوان سیر پرورد احتد و
محبت میبرد -

- و این پیش ۱۹۶۰ (۱۳۴۸) میلادی - مادر همراه نامنی از دنیا - تائش اینجنسی
سالم دهد میعنی مذکور شد - برین تشكیل - از که بسرمهده شد ، بفرار این گفوت خود در
ازین آن در خانه بود . بجهت شکلیم که . ۴۰ شیخو سیمی از اینها این اینسین بعد هایه
حرب گرفته است (چون پیشترش) ، سرین من المحسن - مادر و عمارت خود از تاکیل کلاسها بای
برین نهاده است سرانی کارگری اول ، خارج است از کارگارانها . بویش تقلیلات اینها را داد و آبورشی ،
درین بجهت این دعوهای از اینها ساخته شد - سیاسی علیه امپرالیسم را باز ریاست آنها - بیان
اجنس سرقته مذاقده اجتماعی اسلام حدث میگرد . و شد اصلاح چون رحیم " فراموشان " .
بسترده دالویل این سرو مادهها داده است که از درینها . هاد استانه مویان ، مذکونه
رضیع دیده اند از اینها آنها سربرند -

در سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۹) میلادی - مادر یار پیمانه دارد این پنجه از این بیشتر قدرتله
در حمام گردید و بجهت این میتوان رئیسی رئیسی دیوانی را گفت و رئیسی دیوانی نیز میگیرد -
و اخذ . - برین این سال که کنایه ار کشاخانه و اینهاده بکم استفاده اند و در
ایضا سریز که مادر مارکسیسم را کم خوب و مارکسیسم نهاد . کنایه ار کشاخانه ای دایانه
از مرار حسینی کسی سیمی در چیز که بد استقرار اند از اینهاده اینهاده انتشار اند -
پشیده در مارکسیسم و ترجیح آثار اینسین هسته اهانته . و زیر اینها رهان بد رهانی
سدیده سریز که اندلاع جون اساسی اند اند - دعا و سوت و آذاء غیر اینهاده داده اند و
بر اینکه ایان بد مارکسی اند اینی مسلطن تجیهی اند اندلاع جون بیانه . لی تا چنان
نهاده از پایانه که از این حرب گرفته است جون نهاده از سراجام علیه حریم کرد . تا زند اندلاع
سین بجهت کلیدی در سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۹) شنبه شارسید . مادر از خوبی او بود که
بد اینهاده اینین بزر اندست رییسا نهاده اینی جون خوار . که توسط لی تا چنان
خریزه آمد و سین اینهاده .

سال ۱۹۶۴ (۱۳۵۱) سال خوبیوس مذکونه اندلاع . و زند اندلاع . و در این
رهان رسانی از اندلاع . اکثر و پیزیز حزب - شکلیم سرمهده کمتر میگرد . شدت . حسین
چهیان ایون خوب سیاهی اینهاده داده ایان هسته امیرالملحق در دیوانی سرانی کشاخانه -
چهیان - سیاسی حرب گیره هسته سریز . از جمله تعلیم داده تا جون را سین .
میتوان خوب نهیم کند . مژده حبیب که سرمهده میتوان حرب را در خوبی مدد مدد سا
تمام صورت بد اینهاده برمیانست . پیش از شد این داشت خوبیان سود که یا بعوضی ای
که از دنیا نمایان ای . پیش - ناین ۱۹۶۴ (۱۳۵۱) شنبه شارسید . اندلاع -
دشمنی خوب . شکلیم به اینهاده از اینهاده دار میگرد . دار میگرد . و زند خوار

آنکه از خود ارد ماه (ژوئن) طبق فکارگر چین سا همچ عظمت خود قدم به پیش گذارد و اعتلای جنیش تود مای را موجب گشت. جنیش اعترافی باد شده که با پیشگایی رانش چوپان آغاز شد و بود سرعت اسعاد وسیع خود امیر بالستی و خود فرید الی بید اکرید رسرو خود تمام مظاہر فرید الیم و خرامات و سدن پرسیده چین کهش را، که بندی برد ستو پای مردم چین بید و چین را از همیزرفت و رسیدن به فاقعی نعد بشری بازمد است و به طبعی نایو ای در برابر استعمارگران غرب و زاین بدل میاخت، باد انتقام گرفت بعد از طبیعت مترقب و اقلالی سرعت افزایش یافت. نعمالیتهای ریشهگانه و محاصل سیاسی مترقب گوناگون از هر سو سر برآوردند و رفاقت و جدل میان مکاتب فلسفی، اجتماعی و سیاسی گوناگون در همه سواب و پیر گرفت. بدینسان جنیش خدا امیر بالستی و فد نیوب الی باد شده که از ارد پیشست ماه سال ۱۹۸ (آنوار گشت در زرین خود پیک تحول بزرگ فکری و فرهنگی را در جامدهی چین انتکاب داد، برای همین، مانعیدها از آن سعنوان نخستین انقلاب فرهنگی چین باد گردید است. در این شرایط و در این زمان بود که مارکسیسم - لیپسیم بعنوان یک روش ایدئولوژیک مینیان یاگرفت، ترجیحه و استشار آثار مارکسیستی گسترش پایام و سرزدهی گروههای طالعنه مارکسیستی در شهرهای چین و در میان داشجوبیان چینی در خارجه بدبادر گشتند. با پیوستن طبقه کارگر به جنیش اعترافی (۱۱ ارد پیشست) و گسترش اعتمادهای کارگری شرایط ساده برای بردن مارکسیسم - لیپسیم در میان کارگران، تشکیل صافی کارگری سرای آمیز ش مارکسیستی و پیوند روشنگران ملاح به ایدئولوژی تویا جنبش کارگری سرعت فراهم گشت.

مالو یکماه قبل از درگیریش جنیش (۱۹۱۹) میان اشجوبیان و جوانان (یعنی روزگریه) بن (آوریل ۱۹۱۹) از یک سه شاهنشا بازگشته بود و در آنجا فوراً به تبلیغات سیاسی برخاست. او در همان ماه نخستین گروهه طالعنه مارکسیستی در استان چونا را در شهر شانگها سیار گذاشت. از آن پس، مداخله میخود بینین از فیلیپ حاصمه طالعنه خلی سو، "جامدهی کار و مطالعه"، "جامدهی خیز سو" وغیره در آنها همه به طالعنه مارکسیسم - لیپسیم روی آوردند. خنا مالو سرای پیوند را در میان اشجوبیان داشجوبی در استان چونا با "اتحاد پیشی سراسری را اشجوبیان چین" انجام داشت چوپان متعد چونا را از خود ارد ماه ۱۹۹۸ (ژوئن ۱۹۱۹) سیار گذاشت. در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۸ هنته ناسیل روند سیاست بدست مالو استشار پایامد. اکنون مالو مردم را میتمامد بزرگی برای مازره و پیشرفت فرامیخواهد، که بنا به یوشنی اوسه این راهه از آسمان، به از ازواجه، به از مردان، به از سوی رکاهها، به از شناسیهای، به از سوی ایهاد از ایل، هیچ یک ناید ترسنه از یاریا" سرگشیز سور تبریزی اتحاد نود هنگام مردم است" دیگر نیویلی را "هیچ چیز بیتوار" متوف ساره" - چاکه ۵ سان سند پیویز اندزگز مردم چین سرهنگی مالو شده ری سر نگفت ناید بوری این سربی شترن راهی ندارد. در ارد پیشست ماه ۱۹۹۹ (ماه ۱۹۱۰) سا استخار عمل لی تا چنان جس

عویسی و خود مائورو با تشویل بین الطل کویست کفرانس بنظر برسی دستدار ک شکل حزب کویست در شانگهای شکل شد که مائورو تھما در آن شرکت داشت. در عی آن کفرانس نخستین هسته یا گروه کویستی با هدف سازمان ادن حزب در شانگهای برپا گردید. مائورو به شانگهای (خونان) بازگشته و هسته کویستی آنجا را سازه می‌داند. تاریخ دین سال ۱۳۰۰ (آوریل ۱۹۶۱)، بعد از این گونه هسته های کویستی نا ۱۰ عدد بالغ گشت که در این نقاط بودند: شانگهای، پکن، شانگهای، ووهان کوان جو، تسینان، پارسین، برلن، مسکو و زاین. سراجام در ۹ تیرماه ۱۳۰۰ (۱۹۶۱)، کمترین حزب با شرکت ۱۲ نمایند از گروههای کویستی که مائورو بکی از آن سود در شانگهای برگزار شد. حزب کویست چین، سازمان پیش‌فراب هرولتارهای چین، پایه عرصه هسته نهاد - بگفتار مائورو "رویداد دیوانسازی" در تاریخ چین!
از این تاریخ بعد، زندگی سیاسی رفیق مائورو، ون جزو ارزشگی حزب و انقلاب چین است، جزوی کل را نیز برپا شده و در خود می‌براند. از این‌رو برای ادامه شرح زندگی اخلاقی رفیق مائورو باید به شرح زندگی حزب و انقلاب چین بروز اخت.

مالهای نخستین حنگ استقلال داخلی

یا تأسیس حزب کویست چین مرحله‌ی نویس در انقلاب چین آغاز گردید، مره‌ی خنده‌ی کارگر چین از طریق حزب پیش‌فراب خود مستقلایا بیش‌گذارد وظیفه رهبری انقلاب خد امیریالیستی و فد نکود الی را بعده‌ی خود گرفت. مالهای سعد ها این مرحله را مسول مرحله اخذب دیگر ایت تو تعریف گرد. ولی حزب کویست چین برای پیومن و سایه ای رساید موقتاً این مرحله تاریخی و گاه‌گند از من به مرحله انقلاب سوسیالیستی و ساختن چین تو جاده صاب و یک سئ رادر سراسر خود ندادند. حزب پایه خود را در زمین طوفان می‌زینند شناختی و مدنی می‌دانند. حزب پایه خود را می‌شناخت و می‌توسها می‌لیون شده‌های مودم چین را می‌دانند شرکت و انقلابی خود شان می‌گاهند و آنرا در راه رهانیشان پیروزی‌داشته رهبری می‌گیر. حزب از جمله ندو تأسیس خود را می‌دانند ها و سیاستهای خد پرولتاری و اسحرانی متعددی داشت به گریبان نیز که مایه خود را از آنها عن پانید و سرای شان را در سارستن هریک از آنها غرباً های سیار می‌داند و آنده و دامانگشت. تاریخ حزب کویست، چین شناس به هد که این فدالیت انقلابی مائویسم را دارد - بشه ر آسیز او برد که سر حرکت پیروزی‌اش حزب را ریشن می‌گرد، و از این‌رو حزب پایه مائو را سر می‌شاخت.

در همان مختصات گستاخ حزب کویست چین، مش مارکیست - لینینیست

حرب ساز در حریم ایرانی و این ترتیب راست و "جبه" میخواسته بود، مطابق با کشوری که در سراسر تاریخ حزب کویتیست - ناکن حربی - داشته است. مذکور همچنان آغاز پیروز و اکتفا، همه من شن مارکیستی - کویتیستی حرب بود و باز اینجا از این ترتیب راست و "جبه" بد صاربه برخاسته این ترتیبیستها را استدرا کنگره اول امیرا مخالف شدگان حزب کویتیست بودند و ملکه عصیر کارگر جبه "خطو حرب" و "عدب ماد و زیارت" است و دلایل برای این مبارزه پیش افتاده بود این شاهزاده مبارزه کویتیست، آماگی شد از این دلایل وظیفه کوبن مارکیستها اینها باید بد شاهزاده مبارزه کویتیست بودند و تبعیج اصلاحات انتخابی است. راست ها رهبری این اقلاب را برگرفتند و بعده می خواستند جنوب میگردند - و مهندس بزرگترین را برگرفتند و بعده می خواستند از آن راه پیشگیری بین تاریخی سوزاری و سالندروزی از سری واری فرا می خواستند، خواه آنها از "جبه" در این کنفرانس آن بودند که میگذاشتند - پیشنهاد از میون دیگر این ترتیبیستها باید "جبه" در این کنفرانس آن بودند که میگذاشتند - شری بزرگترین را برگرفتند و سری اقلاب جنوب بودند و حرب جنوبی کوچک و مستعاری تبعیج باید بزرگترین را برگرفتند و دیگر این کنفرانس آن بودند که میگذاشتند از اینها می خواستند اینها بزرگترین را برگرفتند و شری اینها بودند و "جبه" ها سیون پاترس و حربش را قله اتفاقی خواسته بودند، خواه آنها بعنوان اشکانی مبارزی هم طنی را سرمهزد می خوردند - هم راست ها و هم "جبه" عالیه کنیتی اتفاقی و اتفاقی در اینها بزرگترین را برگرفتند جنوب آغازی - اینستند و ده قاتل را بزرگان می خوردند بن اصلی بزرگترین را برگرفتند و هر یک ده قاتل را بزرگان می خوردند، اینها بزرگ را برگرفتند اتفاقی جسوس و تعبیس سریست آن، که در این محضرت خواه کامن شنیدند و گزئی شرمنشی را داد، آزاد میگردند - .

الدی این کنفرانس شنیدگان حزب کویتیست جنوب را اعلام و در معنی پیش افتادگی سری مارکیستی - کویتیستی را اتخاذ کردند لیکن این ترتیبیستها باید "جبه" خواستند میباشدند که مقدمه همکاری سایر سریستها (کویتیستها) که بخش اتفاقی در آنها اینها میگردند، و با اصطلاح "حلو و حامی" مادران عصری حزب را به تحریک برخاسته - گفته اینها باید سنت مردانه ای بین در کنگره ای و زمین اصلی کویتیست میباشدند می خواستند اینها سی سو ضریعت اندیادند شد امیر بالیوس میان احزاب کویتیستها با احراب اتفاقی سرمهزد ایی سیوس، در این کنفرانس مادره سیاست ساز رئیس استاد جب را باشند یاد نداشند و آن مصاله انداد، خواه این کنفرانس حس دو سیوس ایکه از این اوضاع سیاسی خواهند این ترتیبیست را مشهدا را به اینگویی میگردند، سعادت ای از این کارهای مذکور شناخته و سپاهیس در میان رزمندگران مارکیستها آنها میباشند پیش از این میخواستند حرب سرمهزد ای

(۱) پس از پایان شرکت اول مالکیت حیوان مالکیت را برداشتند مردان ۱۴۰۰ (۱۹۲۱) تحسین اتحاد بینی صنفی کارگران را سیار بهاده در پیش آیین و اکثر مدارس - سرمهزد حرب را در حومه شد رسانند، ریاضت و مسیح اینست اینداد بد مردانه کارگران جنوب را برخیزیان شدند و گزئند.

سالیان ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ (۱۹۲۱-۱۹۲۵) سائبانی علایت اندیش و درگیری
و سیاست ملکی در جشن تأثیرگران است، او بین رهبری سازمانهای این جنبش نزد و راهنمایی
مالکی هنر اور میان کارگران مسدس آن بود. و رهبری انتقام آنها را همچنین می داشت.
از حدود ده سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) پایان دوره ساده ای رانیان میان کارگران، سکت
ترانیان، خود و فروشان و ناسه آنها آبیانند و در آنها با احوال خواسته و رفیقش، ایشانویسی
و روابط، تاریخ و چنگ افکار را در پیشنهاد مانند بفرموده سه ۲۰۲ (۱۹۲۳) نهاد
نمود. این دوره به تشریف مانند ماهنامه هارکسیستی سام غدر نو، انتشار داد که خود در آن
مقالات متعددی در درج بود مارکسیسم رسانیده حاصله و اندیشه چنین بود که در روزهای
سال ملکی مختسب اتحاد پیش کارگرانی، هفتمان را در بود و راقع در راستان خدمان میان میان
را داشت.

خلیل رحیم‌گام شکنگانی را زم حزب در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) بیان کرد و این
گردش شدنی حایی‌زاد سخنگذشتگان شرکت کرد. وی سال پیش از رکنگردی
سوم حزب شرکت جست. در این گونه بار میان اسرافی پیشین سخنی عبارت گذشتند.
جان گفتگوی مایه‌دهنده چه روزهای هیجان با تشکیل جمهوری پایان حرب گذشتند. این
پیشین مذاقت بجز بود. همان آنکه چنین توصیه مایه‌دهنده را درین مدتیانه از این
ایم‌لان حزب را تابدیل کرد که میتوانست این سیاست را بر اساس رساند که می‌دانستند
آن حزب ملکی را متفق باشد این اندیشه بجز از این میگرفتند که میتوانند را بر اساس اعتماد
گذشتند می‌دانند. پیش از این مدتیانه این نظریه میگردید که هر اندیشه میگذرد
از این مدتیانه، ملکی در این گذشتگان از سیاست تشکیل جمهوری واحد با خودی سیاست
بر حالت درین میان سنته شد که حرب که بجهت مایه‌دهنده هم مختاری و استفاده ایده ندو
لیزیک و سازمانی خود را چند کرد. و میتوانست بجز این اندیشه از این مدتیانه
رسید. خصاً ملکیه بجهت که میتوانست مرکزی حزب را داشته باشد.

در همین سال، سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۲)، تشکیل حزب‌پیش را میان حزب‌پیش
پیشین، گرمیستاگ و حزب که بجهت این اندیشه میگذشت و گذشتگانی میگذرد در عرصه حضور را
بلطفه سازمانی خود به خودی نگذشتند گرمیستاگ در آنست. مانند پیشین در نزد هم خضر حزب گرمیست
رهم عذر کرمیستاگ بود و در سازمانهای گرمیستاگ قدریتی داشت. در آن زمان سلطه
ایم‌لان در رسانی‌سازمان اندیشه این که حزب چنین زنایه‌آمیز بود و اینکه میگذشت
سیاست شناس و آزادگردانی این انسانهای شناسی از دست گذاشت. طبق میتوان این اندیشه
به رفسروی چشمی بود. گرمیستاگ هار چنین در این دسته رفیع مادری را در رسانی از این
اندیشه میتوانست حسنه‌های کارگران و هفتمان و هفتمانی چنین ایجاد کرد که در روزهای
تجدد پیش از این حرب، سیاست پیشین (گرمیستاگ) گوشیده باشد.

در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۲)، سیاست پیشین در اندیشه ساحر گرمیستاگ در حبس
اندیشه کارگران و هفتمان، چن شریش از تداعی شوده‌های شناسی گمیانه در همان مانگاه
ارضی، گاستور را که میتوانست اینها را بسیار بزرگ کرد. ساره را از آخر ۱۳۰۰ (اوای-

بل ۱۹۲۵) ، ارتش انقلابی طی که بر اساس همکاری حزب کومیتات و کومیتاتگ بوجود آمد^۳ بود ، از کانتوں سمت شرقی حزبک گردید و بایشیانی دهستان طی چند ساعت آن نواحی را از وجود اشرار فدید که پاک ساخت . بدینسان راه برای لشکرکشی سمت شمال هموار گردید . تا این زمان سوی پانز ، انقلابی کمیسیون ، که همارا ر همکاری با حزب کومیتات سود در گردش نداشت بود . رهبری گومیتاتگ بدست چیانکا پیچک و پانک او ، که بر انتلاقی از پیش از این های جدید و جناح راست بیرونی و از اینها میگرد و با امیر بالپیشتهای عرب زد و سه میه اشت ، اتفاقاً .

چیانکا پیچک در بابت ابتدا بنظر تحکم مؤقتی بانک خود در برآورد سه بند بهای ریگر رون گومیتاتگ و پانچن فرست از در انقلاب سخن میگفت و به اد امنی همکاری با حزب کومیتات ، طرفه اری از انقلاب کمروییه و پشتیانی از جنیش کارگران دهستان طاهراء رفاقت شان مهد آمد ، حال آنکه در زیربال و پر خود چک جوبان خند کومیتی و ضد انقلاب را تقویت میگرد و میبرداشد . وین در این زمان رهبری حزب که درست چن توسوی سود به این مسائل توجهی نمیداشت ، بر استقلال و استکار عمل گوییست در چار جزو همکاری ساکومیتاتگ پاششار و نیگرد و حزب رباری مقابله با خطرات احتمالی آید ، آماده نمیباشد . در گمرکی چهارم حزب (دیماه ۱۳۰۴- زانیه ۱۹۲۵) ماعول هشتاد را که ماباید از ایحاطه تشکلاتی در رون حزب کومیت جن و همچنین بر از مامهای نیمه آماده ناشیم . وی روی اهمیت مسئله دهستان رهبری کار حزب در میان دهستان تاکید کرد . ولی هیچیک از این اندیشهای مأمور عمل مورد توجه رهبری آذربایجان حزب فرار گرفت . رهبری آذربایجان حزب نه از حوصلت بیرونی طی چیزی در رون درستی نمیداشت و نه به نفس انقلابی شود من دهستان توجه نداشت . آنان سایر داشتند که دهستان متعدد اصلی برولتاریا بوده و برولتاریای چن تهاباکیه برخشن آنان قاره رهبری انقلاب نه مبارز زد سرسانیت بیرونی واری طی و مقابله با تلاش عده انقلابیان راست که هدهشان منفرد گردی حزب کومیتات و نایدی سروهای انقلابی سود ، میانده . حزب در سال ۱۹۲۵ (۱۹۱۶) سود که تاره پنځند هفای مربوط بخود راسازمان ندار . ضمامانویلر ایشان گنگره بعلت مخالفتشناسی ایزرتونیست راست چن توسویه غضوبیت که مرگی حمزه .

استعاب نشان

پس از این گنگره مأموریت هموار مملوک کار حزب در میان دهستان خواره به حوزه ای این سارگفت و در آشایه سازمان را در دهستان سرخاست . بزودی در زیر رهبری مایو ایتعار په های رهناوی متعددی که ۸۸٪ اعشار آبهار دهستان غیر شکل میزد از این سوی خود آمدند . ضمامانویه سریع و برونه غلی حزب را در اهالی ده برد اخت و نیز رمزدار (۱۳۰۴- زانیه ۱۹۲۵) نخستین سخن در هفای حزب را در جویان نهاد . پس از ۷ ماه کار رایین سطنه . مأموریت همراه پیگرد فوای مالکان محلی معرفت شده گاستون سود . وی در آخا د بوسخشن تلهایانی گومیتاتگ شد ، ضمامانویت نهاد دهستانی گومیتاتگ ر رگاستن رایعنه گردید و در آجایه تریست کار ره هفای ، آمده است .

سوار، سیاست و علم نظامی به دهقانان هفتگشایت، بنیاد منیر مجله ماهانه^۱ ای
سام ماهنامه دهقان سریون می‌باشد و مایکل در همن مطلع بود که مقاله‌های معروف خود بنام
"تحلیل طبقات جامعه چین" را در استاد (۱۹۶۰، فوریه ۱۳۰۴) اشتراک دارد. مقاله‌ی
نامبره ۶ سویزه برای این مقاله مادرسی عین مانو از وضع طبقات و کاربری دهقانان حوالی
تبه شده بود و مصالح اولیه آن برای درس دادن درستیار دهقانی کاشون کارگردانه بود.

اهمیت مقاله‌ی تحلیل طبقات جامعه چین در این بود که مانو به مثله در رحه
اول انقلاب چین، پعنی به مثله تعبین دوستان و دشمنان انقلاب چین پاسخ درست
مارکسیست دارد. وی خاطرنشان کرده که: "کلیه هندستان امپرالیسم و گذانهای نظامی
بجزوه‌کارانها، بجزوه‌واری کمپارادور و طبقه‌ی مالکان ارضی و بخش مرتع روشنگران و استهانه
آشنا دشمنان ماهستند". ازسوی دیگر بروولتاریای صنعتی شروعی رهبری کند هن انقلاب
ماست. تمام نیمه بروولتاریا و خود بجزوه‌واری نزد بکترس دوستان ماهستند. "اما" در میان
بجزوه‌واری متوسط متازلز، جناح راست آن مکن است بدشمال ماو جناح چپ آن مکن
است بدشمال مایدل گردد. "کنیش اساسی در این مطالعه این بود که مانو به دو روش
خلاصت دیگر بجزوه‌واری می‌نماید: مخالفت و درعین حال خدف آن در رسانسر
امپرالیسم و سیم آن از خیزش نوشه ها درست گردید و داد که این طفه در رشارط
شخص جامده چین را ای موافقیتی پایابد از در انقلاب بوده و نادره رهبری انقلاب
در میکراتیک و ملی بسته و ایکه متحده اصلی بروولتاریا به بجزوه‌واری، لکه نوشه های دنیسر
دهقانی ولایه پالیسی دهقانان میانه تشکیل می‌نماید. در آن‌نفع هوار ازان گراش
راست سرگردگی چین توپیو همچنان هم اشان متوجه همکاری با گومبئانگ و سیده‌واری بود
حال آنکه هوار ازان گراش چوب سرگردگی جان گوتانو فقط به جهش کارگوی توجه
داشت. بدینسان هردو درسته دهقانان را تواموش گردید و علاوه بر آن درست گردید
جاسه ای از بجزوه‌واری می‌چین دست میدارد. مطالعه مانویشه دوی درست متوجه ایں
دیگر ایش احرافی بود. بخلاف عمایدز اینجا بیش سی سی کرده که بجزوه‌واری می‌نمایند
اوچیوی انقلاب به درجات راسته و چوب تحریه شده، جناح راست آن به گراش برا
لیم غواهد بیوست، و هشدار از ایکه مایابد در رسانسر این طفه را اینا هشداره زراقت باشیم
ویگه اریم که در صوفی ماعنیت‌اشن سریاکند. "روید از های سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) ای ای ای ای
جس درست ایش بیش سی طبعی مانویشه دوی درست متوجه ایں

طی سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) گوبنائه سرگردگی چیانکاچند - رسیم آنکه سه
عواهرسی و سعادتی رامع به انقلاب اراده میدارد سیگیتند نایارسو. گوییستهایا کاشته و
آیا را از مقاماتی که در داخل گومبئانگ می‌اشتند برگزار ساره. یا نوچه های رفع مانع
سخت شیوه‌ایات گومبئانگ را ترتیب گفت و سرای دادن گوارش به دفترشها می‌حرمت و تندیساها
رمد. شستو سرای جرس کارگزارشند که از حصه های گوتانو و نوشتالوجی معرفت
که در آن‌سال بجزوه اشدار به سراسری کارگران چین را سدهسته میداشت. در آن شریکت

د است. وی تاکید کرد رهگان مطlesh ترین متحد از بولتاریا هستند و پاری رساله از حزب به جشن دهقان ضروری است. لیکن این حرفا با جذب آن شکن خوشبختان اسرا افشار نمرفته و چن توپوود اثنا صفت مالکی از رهانه فرع میگردید و بتوان سخن داده بود، چن توپوود محمدان سیاست دنیا روز ایگوستاگ پاسنه بود حال آنکه حار گوئانلوجما مکرو کوچکش ایجاد نا بجزواری ملی که وی آنرا آزاده شنی طبیعی اتفاق میید است، تاها بر این مخلع در بیان میانشد لیوشا لوچونی شرمن همان مشق چن عوسيارسان مکرود و مطرح اید اشت که کارگران محلی غصب نمایند و نه اجرآجوب روز تکه کاهه است. بشکرکوا بوئنیمیه دنی راست منزه شد بار ام زدن به خشتر بوده ای دزبیر هسری حرب سیزده اری سرسد.

در پنهان مرد ان ده ۱۴۰۷^{۱۴۰۷} ۱۴۰۵ شروع شد. هفتمی حرب بد صفت مائو رو بالستانه از کامرهان رسید و هفتمی کومبستانگ که ماندیده شریستهان پاری رساله بود در پنهان گههای رسیدند. بالبند جنگ آغاز شد رساله رهبری گشت و درستی در مردم آلمان سا رزیده ای دهان دی مژقه آکید و پرخود ایشود. پالنکه حزب در پیش سانهای ۱۴۰۵ نام ده ۱۴۰۵ رشراحت است از که آغاز لشکرگشی سوسی شمال از زنگون رسیده سیمین سرخن ارشد بود. از آنها کی ایده نیازدیک و تشکیلاتی لازم برای روز روپنی انجوان شرمنزه ارسیده و پیغام هدای سیمین ده ایاده مستقیم ایشود. بد اشت

۱۴۰۵ شرماد ۱۴۰۵ لشکرگشی به شمال، که در آن حزب کشوریست قعداً آله شد کشید اشت، آغازگردید و در این یورزمند ای پیشروع کرد. بود و پیغامی توو، های مرد و جن را مرافقت، ده قوانان رسیده کاره و آواره هکاری بالرین اتفاقی شد و به شاره شن مانگان محلی و مستاجات نظامی آتش باز خوردند. لیکن حیزی سگه شد که جنگا چشم که از از چنگی و چشم توو د ای و ملود حرب کوبید. هر اسیده بید و از هد تباشت نیزه شان هر صفت خیاست میگشت که دن اسلامی، حرم و اتفاق کرد و رکننگاری پیشته، بخون کنیمه چشم کارگری و سرکوب چشم ده قوانان بود، در همین اوان، ایازره و سرگر کسب قدرت در در اخل، رسته بند پهای کومبستانگ سوزانلاگرد، که به خن بکفرهجه چهانکایجت توپسط طرفه ایان و اسگ جنی و ای زرسکه دگان این رسیده بند پهای اوره یماده ۱۴۰۶^{۱۴۰۶} ۱۴۰۵ رشکل ستاد مردانه هشان - روزهان پیزشت، اراین سنه رهبری حربی بیارست تمام ایه شن متوجه ستاد فرماده هن کوسته ایان رسیده بند و رویهان، که ای ایلست و سنه و اسگ جنی. و ای آنرا سایه ای میگردند و خود ران بچه عن دیده ای از نفاذیهای "چها" و "آدلان" میشانندند شد، گرامش ایه کوتبیست چن توپسیه ۱۴۰۶ رساله دیگرتابدید بنت مسوی سشم طب اسندی راست نکامل پاشه بود.

در آن رساله حشر، هدایی ای از زانه های ای میشند و ایچ بکفرهجه و ده قوانان رسیده بخونه سنه و ده قوانان رسیده بند و ده قوانان میگردند. لیکن رهبری حزب سرکوب ای کی چن توپسیه ای ده ایگه شن و دار رهانه میشانندند.

ها و رهبری های متفاوت و مادرستن را پسند نهادند همان سیاست اداره میرزا کوهد و انتسابت
به "امسطلاح" را بار و باری بخواهی "حسن توپت" به نهادند همان سیاست امیری از میکشیدند و
پایان نهادند این را در زمان راه دور است زدن به انقلاب ارضی و تارو مارکردند شود آنها سند داشتند.
در این زمان مایویتیه دوون که در جوانان فعالیت می داشتند برای همه مادرستن ها
و رهبری های مطریان رهبری حزب به تهیه گزارش را می خواهند و می خواهند تهیه این را در جوانان
برای ارائه به گیلیک مرکزی حزب همت گماشتند و برای تهیه آن ۱۶ هفته از ۱۴ اردیبهشت
بهمن ۱۳۰۵ به سرسری و بیرونی خبری شدند همان حوزه های رهبری و میانی راه های آن
برداشتند. اندور راهی گزارش گردید روزگار عوان را گزارش دادند و می خواهند تهیه این را در گذشته
آنرا اینجا پروردند است. مرضیه بیطرات مادرست و رهبری های حمله واقع درین گذشته
مرکزی حزب شدند اینها اینها را می خواهند و پیشنهاد از خبری انقلاب رهفان و اینها
می آیند اگر تا میلیون خواهاره هفاظت در جوانان عذریت از راهی اشند رهبری و
محرمانه می چندند را در رجیستر هفاظت خواهند شدند.

هم آنکه اندور راهی گزارش به نقش گیلیکی در هفاظان را برآورد. جیش اشاره کرد و
صراحتا اعلام داشت: "بیرونی و هفاظان فقر، همچو اینها می خواهند" از خاطر شدند
باشند. که اینقلاب می مسلتم و گرگویی سرگی در بررسیات" و اینها را در بررسی و
خبری هفاظان نیاز نداشتم باشند کرد و آنرا رهبری کرد. اما جیش توسعه از سریعی و سریع
پیغامی گزارش مادرست رکبیکشید و گوکون جنگیگری کرد. جیش توسعه در هوار اران او که از هر گونه
ارتدادی اندرون گریبانشگاه هر ایستاد. همچو اینها خود را به پیروزی و حجاج باصطلاح خواهند
که میتوانند هستند، هرات بیکردند از خیزش انقلاب رهفاظان را فاعل گشند. آنها
بدینسان پیروزی از مطعن تری متحده اند خود بخواهند از تقدیر، خواهند
ساخته. غلق کارگر حزب گوییست را آنهم در شرایطی خواهند داشت. خاطریان سال ده
تاریخ (۱۳۰۲) سو پیش و پیاوه گذاشتند. وئن رویداد این روزیت تاییج هلاکتیار
پیاسد نسلم هنلاین می خواهند از اینها آزادی گشته و بعد از اینها
چیز تقسی کوییتائیگر را روهان زد از دست گرفتند و آنکه جیش اندور بگزینی شد اینها
و خلو حیات گردید با اینکه سرای مخدوش فمعاً حزب و غافشتر گردید گوییستهای جیش و سر
پلبه نیووهای انقلابی حنگ گشته و خوبی را از اینها و گفتارهای بیانی می
گردند.

در روزهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ جهادگان شاکن رافتند و پایانش خود گردیدند و آتشان
نهادند. اینها نشسته بودند. سیک در دست اشها کارگوار سر برخی را پیش چوی لازم بودند. سیک
گردید و روزهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ (۲۰ و ۲۱ مارس) قیام کرد و بودند شمربرانی شده هفتاد کارهای
سر برخی سیح گزیری گردید و در اینکه جهادگان را می خواهند شیخ پاکستانی شدند بودند و در
امداده سر برخای سیح گزیری گردید و آن را سر برخی سر برخی در مردم را با یادگاری سایه ای
نمودند. سیح سارشکار این جن توسعه از خود چهار کارهای داشت: ۱- ترویج (یا آغاز) اول
بجهود شده برگشته از مردم ایخت، سرگوب اسلام و گفتار انقلابی، رهبری های ایختند.

چیا کاچیک، بکریز پیشتر، ۱۴ فروردین (۱۲ آوریل) در ناسکن حکومت تشکیل داده بود که فیرا توسط قدرتمند امیرپهلوی عرب بعنوان یکانه حکومت فائونی چنین به رسمیت شناخته شد. اکنون دو حکومت وجود داشت: حکومت ناسکن سرکردگی چیا کاچیک و حکومت روهان سرکردگی وانگ چن - وا. در ۷ اردیبهشت (۲۲ آوریل) به عین کثیری حزب کمونیست چن برگزارشد. در این کنگره چن توسو و گروه هوار اران او، که همچو دیگر از روی دستگوی از روی داده نبوده و از جرخش خصمانه چیا کاچیک بعوشت افتاده بوده، مشی تسلیم طلباند راست خود را پیش می‌زند. در گرگه شمار وحدت سالاتر از همه پیز - یعنی وحدت با حکومت روهان - غله ر است. مانو بخطاطر زیاده روپهای ره هفتمان جوان و یافشاری سرخوبیت حرکت مستقل و حیرانی حزب و سیم و تسلیح ره هفتمان میر استفاده نماید فرار گرفته و از حق رای محروم گشت. خسما رفیق جوش لای نیز بخاطر آنکه بد رستی کارگران را خلع سلاح کرده و سرمه اپرتویستها را استواره‌تر نیام سلطانی کارگران شاگهای کود ناجیان ناسکن را به کشانی که بعد از روزی را در تحریک کرد، ساد استفاده گرفته مید. ایساهاهه حق کشی نمود وس. ولی روبه اد هاسرت درس دیگری را داد. گروه وانگ چن - وا و روهان سر زیدی راه سازی با چیا کاچیک را در پیش از تیرماه همان سال (ژوئیه ۱۹۶۲) رسانا از اتحاد با حزب کمونیست رسیده و به کشانی آثار گرد. ضد انقلاب سایه شیوم خود را مرسر ارجمند نگشتراد. در این رمان مانو تحت پیکر دید و پنهان شد.

سالنهای ریومنین حیث اسلامی را خنی

با شکست انقلاب چن در سال ۱۳۰۶ و از جگری تعریف صد اخلاق، مشی تسلیم طلائی راست چن توسو و مشی هوار اراس سطح بک احفلان علی کامل نکامل باشد اپرتویستها راست که واردگی کامل و دستی راجع به سرویش اتفاقات انقلاب چن دچار شده بودند در پس تراهای ازنداعی و خوشبختی سرگرفته و سعی نماید که خوبیاری چن نهاده بکارهای اخلاقی ۱۳۰۶ به پیوری کامل سرسوده‌هان شود ای و اسریانیم نان آشده و اکنون صفت خود را مرحلی ثبت گردیده است. نظام عالی سرحد امده سرمایه اد را می‌سر که راگردارد مرجعی شکامل علی امرخود شده وند انقلاب سرمهاد میگرایند و میگرایند که راگردارد مرجعی شکامل علی امرخود شده وند انقلاب سرمهاد میگرایند و میگرایند رسمیده و اکنون برویانیاری چن ساید را سلطانیار مین شرابت انقلاب سوسایسنس شسته راست از مازیعی انقلاب شرید و سعای آن سه سالنهای فاویی که شماره‌ی ای اتفاهم اخواشن "گرگه علی" است مشغول شد. گروه چن توسو از آن پس باهر حرکت انقلابی سعادت سرخاسته سازی از اتفاقات ملحوظه ای راکه خوب سر زیدی سازمان نداده کیمیده آنها با ترویجیتیها چن همه دست نمده و سعیت بک گروه تعریف ایکن صد خیز را آمدند. در همین ایام اینصریت راکشی در راس این پیشرونی ضد اشغال و سپاه است گشتلار کومیستاگ فیاها متعذر خلی در باغات گوآگوی حسی دیگر گرفت. حزب کمونیست حسن علیرغم شاراپیویستها و احفلان علی راست گمیشی و بوه ای ران بزیره‌تری رسید

جوش لای سام کمیته جبهه شکل داد و تصمیم به قیام مسلحه در شهر بد گرفت، از
جهله رفیق مالو سدول سازمان داده قیام مسلحه در میان دهستان حوبان شد، و
دهم مرداد ۱۳۰۶ (یکم اوت ۱۹۲۷) حدید هزار تن از سربازان گومبناگ در شهر نان
جان که ساکن اقلاب هرازی سیکوت شست فریاد گفتند چون لای قیام گردید و سپس راه
حوبان را در پیش گرفته درین راه ۱۰۰ کارگر معدن نیزه آشنا پیوستند. قیام نان جان
سرآغاز تشكیل ارتش سرخ شد، اینکه در تاریخ انقلاب چنین نام دارد (یکم اوت ۱۳۰۶)
یعنوان روز از روز ارتش راهی سخش خلق چنین نام داشت، ۶ روز بعد در
شانزدهم مرداد، با پیشگایی چوبیو پای کمیته مرکزی حزب کمونیست چنین کفرانس
 فوق العاده ای رایگزار و چن توپیرو از مقام رهبری خلع گرد و سپس نیز او و هوارد ارانت
از حزب اخراج شدند. کفرانس فوق العاده مشی تسلیم طلبانه و اپراتوریست را است
چن توپیرو را درست طرد و مشی سارمه مسلحه را تصرف گرد. چوبیو پای دسیر
کل کمیته مرکزی حزب شد، ولی کفرانس فوق العاده اگرچه گام مشتی در تاریخ انقلاب
چنین بود، اگری که جنسی عده‌ی کفرانس سارمه را از تشكیل می‌داند، توانست از انجام
سیاست اقدامات ناکنکن عقب نشینی و حمله مغایل مناسن سانه اوضاع و احوال مداخله
مشطف تعیین کند و به ماجراجویی راه داد، درین حال انتخاب سارمه سارمه درین
جزی سالانه را بدست گذاشت، به اهیت مشاهد کارگری کار راه رهبری سارمه را صرف نظر
گردید از ملاحظات ریگر بهانی شد از انداده راه داد و در رابرودی دیگرانی افزایشی در دنیا
حزب گشود. شرایط اوجگیری ضد انقلاب و فشار اپراتوریست تسلیم طلبانه را درست هیجان
ختم آگین و واکنش چیز روانه ای را در روسی حزب سارمکیت شد که خود ازین صریعه انقلاب
خرده بیرونی از شش میگشت و البته آن نا آشنا موضع سیاست قتل عام چیانکا بیک و
تسلیم طلس اپراتوریستها باید و مقاومت مسلحه ای راطلب میگردید راست و ستایش اشپز
بود. اگون این واکنش به یک احراف اچبه نکامل بیاود که این توپیرو خود را رشنده
و سیع رهبران حزب در آیا (۱۳۰۶؛ ۱۹۲۷) ناحد پلک مشی چیز روانه عطیه
ماجرای جویا به که بر حیات حزب کاملاً غلبه یافت اینکه بید اگرد.

ولی تلاش های حزب برای سارمه داد قیامی مسلح در شهرها مانع
برای تصرفی شهرها بعلت قوت خد استقلاب بکی پس از گزیری شه شکست انجامید و
عقب نشینی سروهای مسلح حزب راه العاده محصوره سروهای دشمن می افکد. در این
ریاض ملکیته دوی که جمیت سارمه داد قیام مسلحه دهستان و ایجاد شرها ای
کارگران و دهستانی به مطنه‌ی حوالی شانگان را استان حوبان اعرا می‌نمد، ارتشی
کارگری - دهستانی از میان کارگران آزاده میان، سارمه انتظامی که از کمیته‌ی سرمه د
بودند و دهستانی معموت شکل داد. ارتش اندلسی کارگران و دهستان رهبری مالو در
۱۷ شهریور ۱۳۰۶ (۸ سپتامبر ۱۹۲۷) نهست قیام زد. این قیام جو سه‌گان آغاز کار
بر رو و در فعل بالزیر مختار گرفته است سام قیام زد و پسری پسری در تاریخ انقلاب چنین سوی
نمی‌رسیده است، فیاضان پس از دنی حسک سپاهیان گومبناگ و مانگان مخلص سما

و در حادیثک تعدد از سفراتشان نایاب است. هر کاهش پائده بود به پیشگار و تحفه فرماده‌شی
ماشی راه رپیری را در پیش‌گرفته و در مهرماه ۱۳۰۶ (آکتبر ۱۹۲۷) سروی شنیده بیهای بر ت
افتخار داشت. همچنان واقع در سلطنت مرزی خوبان - جیان می‌رفتند و آذار آن سلطنت سلطنتی
پایگاهی سرخ شد تا کردند. پس از این قیام فستیانی ازواده‌های دیگران را تشخیص بدهند
فرماده هی رسم جنونه سرازارانه. هنگ شنیده قلی صرف قدر کرد و سه قیامکوان جن. گان
بیوستند. سپاهی محتشم مسلط قیام پایگاهی سرخ روزه بود. مانو این‌داد و آن اخلاق
جمن سوزراه بیویز خود را در سرمه‌سلحانه با نکیه برده‌های ایجاد ساطع پایگاهی و
ساده‌صره شهربهدا از طریق رومتاها و سرانجام فتح شهرها را پاوت.

در سلطنت پایگاهی سرخ در روز عرب‌هری مانو آتش این‌داد و آن ایجاد شد. لند
در گرد بد، حکمده سلاح کارگری و دفعای تشکیل شد، ارتشار سرخ ملعوب خود را انتشرش
داد و دستخات پاسه از این سرخ مرای خداخت از ساطع پایگاهی در سطح دهستان و
ده‌ها بخش شهربهداها را بیرون بخورد آمدند. نظام دیگر ایجاد شد و در زمین عزوفه‌وون عزوف
ارتشار برقرارگردید که درگل سرازاری با افسران از سقوف و شراب‌پوشان گل سرازی برخورد
دارندند. ارتشار همچ رز از ای مرد و شوش، دهستان شده بود. دهستان در فصل ایستاده‌ای
تولیده شان پایی مرساند و خود برای تامین خوارساز و سازماندهی پهان افتخار داشتند. پس از
تولیدی میزد احت. ارتشار در روز فرماده هی مانو شهنشاهی و ایشان هیئت هیئت هیئت هیئت
بلکه بد کارروش‌گری و سارمانه هی در میان دهستان و بسط سارمانه‌های جنس شهرباری مرسلا
ولی رهبری حرب را این‌رام به اهمیت ایجاد ساطع پایگاهی سرخ در اخلاق
جمن و افت سیود و سایح فیام سریع پیشیزی را معمکن کرد و حقی مانو جایگاه خود را در
کمیت مرکزی (ضعیت ملی اسلام) داشت. پاسی حرب را در چیزی دیگری داشت ایالتش خوبان از
دست داد. در این میان خود حسین پایی رهبر حزب و هم‌اید شان وی از پیش مشی چه
رواند سراه اند ایشان
مردم بیرونی میگردید. این‌بطی این‌سال ۱۳۰۷ این‌سنیا ماجرا اخوبی که گداشتند
نمایش ترویجیستی چه روزه مرسیده ایشان سیاری‌اد و کنی در اوائل سپاه ۱۳۰۷ می‌دریج
به کاهش سهاد. اند ایشان مشی خود ججو. پایی معرفه به تحسین مشی "چیز" بخواه
بسیان خیر اخلاقی درخواست داشتند. این‌سال ۱۳۰۷ تاره روزی وی کنی خود را میگردید. این‌سال ۱۳۰۷
سال ۱۳۰۷ تاره روزی وی کنی خود را میگردید. این‌سال ۱۳۰۷ تاره روزی وی کنی خود را میگردید.
بیکرانی و سوسایلیستی خدا اهل روحی تعمیره اند و سیزی‌ایست جیه رواهه ای را در
بسیان اصلاحات ارضی که تعاون میان مانکان و دهستان مردمه و میان اشراهای مختلف
بیکهی ارضی بگذراند خود شنیده حکم اراده را کارهای خود پایگاهی هنر سرخ از
اصل سیاستیان ایشان
رساند. رزی‌یعنی اصلاحات ارضی دشواری‌هایی سارمه‌ایدند و همان مهد اند که ارتشار
سرخ روز فرماده هی مانو مذهبی پایگاهی هنر را درگرداند. همچو روزه ای شکنجه شهر.

معمول می‌باشد.

ملح شها با پیش‌گرفتن راه ایجاد مناطق پایگاهی روستا شه، معاصره شهرها از جانب روستاهای و سرانجام گذاردن شهرها امکان بدهی است و نه با پیش‌گرفتن راه پیروزی قیام در شهرها و سپس پیشروی آمیزی روستاهای کشور، آنطور که در کشورهای سرما به این معنی نهاده.

مانو طی نامه‌های متعددی (از جمله نامه‌ای ستاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۰۸) به رهبری حزب نظرات و رهبری‌های انتقام آمیز و جبارانه‌ی موجود در آن دنیه را معرفی نمودند. این اقدام از تواند اداره و خدمت با تکیه بر تحریمات حاکمیت ارشد سرخ در گوهستان حین-گان و مناطق اطراف آن که زیره‌ی هری مانع صورت می‌گرفت، اصول اساسی ناکنیکهای جنگی چونیکی را تشخیص دادند. خطوط اساسی شدبیان نظامی مانع شده‌اند، که بعد از در کلاسیکهای نظامی معروف مانو بود رازآ شریح و سطح و نکامل پائمه داره‌اند. که بعد از کوهستان جنگ گان و مناطق پایگاهی آن بدست آمدند.

در این دنیه مانو به رهبری جنگ شده‌اند ای در مناطق پایگاهی و مازره سرطبه حملات ارتقابی نشید البهای محلی و قوای چیانکایچک پرداخته از جنگ گان راه گسترش مناطق پایگاهی را از طریق سازه سلحنه دهند. در پیش‌گرفت و در سال ۱۳۰۸ ارشد سرخ زیر نیز فرمانت می‌ماند و چونه به جنوب استان جیان می‌و غرب استان فوجیان پیش‌روی کردند منطقه‌ی پایگاهی مرکزی را، که زدی جنگ دانع در استان جیان می‌مرکز آن دید، این‌جا کرد. ناسال ۱۳۱۰ ارشد سرخ با تکیه بر استراتژی و ناکنیکهای نظامی مانعه حمله کرد. سیاهیان چیانکایچک سرطبه ملتفت سایه‌ی پایگاهی مرکزی سام علیات معاصره و سرکوب را در هم شکست و مناطق پایگاهی انتقامی و ایستادند. ازیزی را گیر ماند و در این زمان مدد اینه استفاده و سازه دزدی حزب بجهة سرطبه خط می‌شوند و سیاست‌های جبارانه می‌موجودند. پرداخته و به آموزش سیاسی و ایدئولوژیکی کادرهای حزب در سازمانهای حزبی دو تصحیح اشتراکهای سیاسی در هری امور و مناطق پایگاهی، پیش‌روی اصلاحات ارمنی و ارشد سرخ و تشكیل گفراشها ای مطفه ای سرای سریس تحریمات سازه‌ی حزب و ارشد و تصحیح اشتراکهای سیاسی در هری امور و مناطق پایگاهی، پیش‌روی اصلاحات ارمنی و سریس و تعبییر ناکنیکهای علیمات جنگی ارشد سرخ سازه‌ی حزب و ارشد اصلاحات ارمنی و پادشاهی در قلی باید مقلاه شد رسانه اصلاح نظرات ناداریست در حزب (آذر دی ۱۳۰۸) و ازیزی حزبی سرمهیزد (دی ۱۳۰۸) را ایزادرود. مطالعه سخنایه مریسی و تصحیح نظرات اشتراکهای امور دزدی حزب و ارشد پرداخته و بجهة ساخته ارشد سرخ را در سیادی مارکسیست - لینینیست فرامیده هد. مطالعه دوم که سلطنه ای انتظامات دستینه نه ایکندر آشونع در حزب پد اند و بود "نوشه نند" را کنون معلوم شده که این مقاله مشتمله ای سه لیم بیان شود. باره‌ی یک مغار اساسی نکمال سازی علیه اتفاقی در چن را در پرتو از زیاس و اتفاق بیانه ای از اوضاع و احوال موجود تشریح می‌کند. مانند راجه مقاله در ایجاد از خطاهای جبارانه ناشی از دین می‌موجودد در میان رهبری و سرخ کار رهانی حزب تصریح می‌کند که نکمال انتلاق در چن نیمه مستقره، که می‌زد رفاقت چند کشور امبریا لیست است، به طور میزبان که طی ناموزن صورت می‌گزند، ای این نظره که سیوار

ابتداءً نهود سیاسی حزب از طریق عملیات متمرکز پارشوان تولد ها فراپندازد از و سپس با جلب شدن تولد هادر رسانر کشیده است بست اسلام رسانی و استقرار شهرت سیاسی سوزن نادرست است. بالمقابل ایجاد و رشد سازمانی سلخانه و سارمانی آن (ارتش، واحد های پارشوان شکل سازنده دفعه) و ایجاد و گسترش ماطقی پایگاهی سرخ در چین به ستمه عالیترین شکل سازنده دفعه است بست این عمل در تحریم یید بر رشد سازنده دفعه ایجاد کشیده ستمه است بست این عمل در تحریم اوحگیری انقلاب در رسانر کشیده مخصوص میگردد. این به صرف اعمال متمرکز پارشوان بلکه ایجاد ماطقی پایگاهی و استقرار عی دفعه و گسترش منع آسای قدرت سیاسی و نسرونه های مسلح آن و ایجاد انقلاب ارغن است که قادر به جلب تولد هادر رسانر کشیده شکام بسوزنند اندی انقلاب میباشد.

لیکن چندی تکمیلت که مرکب است حزب برتری لی سان گه بسته بسته نسبت به ایجاد اعمال متمرکز پارشوان و پراکنده کاری روی آزاده بوده سازمانی کجایه از تشدید تضاد های درون اردیگاه مرتضعین چنین یید گرفت حسک میان دارود شه های حکام ملود الی در سال ۱۹۰۹، که تکین اوضاع راسخ انقلاب بوده میداد، سرانه سراپا جب روانه و خطرناکی را می سراسر باشد دادن فقری فیام و تصرف قدری شهرهای عصده غرضه داشتند. مشی چبار داشتند لی سان معروف نهاد و می متنی ابرنویستی "جهة" که ایضاً از این هبجان زدگی و خوشبینی کیوگاهه راجع به تحولات پادشاه سائش میگشت در پی شمارانه تولد ها ظالب غشایشان را آنقدر به اعمال کوچکت" تاریخ سیاسی و سارمانی لازم سرای انقلاب، خعلت ساموریون و طولانی انقلاب چین و ضرورت احتمان پایگاههای روسیانی و تکیه بر آنها برای گسترش انقلاب در رومانها و سراسر اجام فتح شهر هارا اسکار میگرد. بعلاوه هردار ارال این مشی با ایجاد رشد ساموریون انقلاب جهانی خوش خیالانه مطرح میگشتند که شعله پیشدن آتش انقلاب در چین بطور احتساب ساید برقی به شعله پیشدن آتش انقلاب جهانی محرک شد و این بیرونی خود پیروزی انقلاب چین را پیشخواهه ساخت. این سرانه چبار وانه در گفواران حزب در حرزو اند - تحویل ۱۳۰۴ به لای خضر ماقوشه دادن و جوئه تصوری شد. وی احراری سرانه اعمل جب روانه نی لی سان و هردار ارال وی چهارمراه شکیب که با تونیپ خسارات فراوان سرای حزب، سارمانهای تولد ای و ارتش سرخ ریاستی خود را انتقام داد و درستی خط شی دیسانهای آرموده شد می مانوسته دادن را ساره یگر مه اثبات رساند.

لیکن در همین زمان در حالیکه حزب به ریشهای خط مشی جب روانه پیشین گماشیش را خفت شده سرمه اتفاقیه برشه عای ابه دیزیگن آن نیازش سیستمی را در ارم می داشت، هدیم تاره ای سار ارمست "جب" آمارهای بد. جب روانه حد پیش که در اس آسما شخصی نام داد می بوارد ایستاده ای ای ریشگاران حام اند بخواه خشکه بینیویس بروند که دیگهار بر رچین و سارهای انقلابی گرسنگیهای چنین در اتجاه شوری مانند در آنها شخصیل مارکسیسم و ایترکردس شکریهای آن برو ایخته و سیاد آنکه اکنون به سهی سار

از جذب شده و انداد - چیز تا احتی خوبی بدست آورده و با خود رسانیده می‌رسد
علی تو ده هار مردم تربیت و پرورش اخلاقی گیرند، با هزار اراده و سخنی که در همسوی
در محمد طلبان شان میتوان سواع گفت کارزار سیگ را در عین خط مشی ماشی و معتقد است
که حزب کویستی چیز خود را بسیار آن یکسانه برآورد نمایند، آنان خود را باشون یکسان
رو آشنا می‌بینند اشتبه حال آنکه هیچ‌گاه نه پیش، نه پس از عصب رهبری حزب دستی سر
آشنا اخلاق را در دست و شخص وان می‌بین حق زمانیکه رهبری حزب را عصب کرد من هیچ‌
دلیل موافقی سیوف از چیز شست و از این رو نه در این اندیشه از اوضاع و نفس امروز سی و
گرد و مد تها بگزارشیده ای در یون تحمل کردیسته بوده ام.

هوار ایان مثل جب روانهد ران می: «عروف نه سویی شنی ایونیستی» چه؟

شنی چیز روانهد لئن ایان را بعنوان پنهانی می‌راند راهه و سارشکارانه قصد داد گردید
نمیخواهد اشتبه که اسرار افراسته در حالت حاضر همچنان خطر عده ده حزب می‌باشد، آنان
در ریاست این حزب نه رجیل، نه سرمایه داری درین مسامعه گوشی بزد اختن وجود طبقات سیاسی
رالشکر تکریده و سروی سازاره سلطنتی حیزویاری و دهستان مرتفع تاکیده نشاند اراده میگردند
وار اهمیت "نظام اخلاق سوسیالیستی" در این ادب چیز دم میزدند، در زمینه تعیین
وظایف علی حزب خط مشی آنان اد امنی همان خط مشی سانی یعنی گرافه گوشی راجع
به "حیات اخلاقی" و تعریک را در سیوهای ارتشی را می‌گیرند، آنان احبت پایه ایاد
عده و اعلام اختصار شوی ده همسن مطابق نیز سلطنتی دشمن بود، آنان می‌گردند
های روسانگی را در رک نمی‌گردند و تا گنگیهای پارسیان را می‌گیرند، سیلاده گزده ران
می‌دانند رسانیده در روح حیل از بیهوده سپاه است باصطلاح "کوپیدن بیرونیه" و گزده سازی ده ر
د اهل حرب پیروی گردیده دستیار و اشیاط حزب را همچ گزده و هم را چه و راست
میگردیدند، در همین اوان، در پیشبرد ۱۴۲۱ (سبتی امر ۱۹۳۱)، امیرالیام زاین ارشمال
سداهه چیز تعاون میگردند و بدینسان تهدیه های میان چیزی و زبان ندیت میگیرند،
گزده ران می‌دانند و توجه ده وضعیت سویی و نگران پیش خواه است صریع در میان طبقات
بسیاری چیز برآیده میگردد و مشارکت در سراسر زاین بوده در گزده مطرح میدانند که زاین
سیوهای میزد که خاص به نظام است در این زاین بوده در گزده مطرح میدانند که زاین
و سایر شرکهای امیری میس مشرکه شیوه رحمه مراهه کرد، چنین تمام قدر تهاد
میزد، ایستاده در اردوسته های ارتدادی و حقیق سیوهای سیاسی در جنس سلطنتی سیوهای
نه، چیز مشرکه که حرازد، حسنه و ایکه خیل را گزدیز و شمن اخلاق چیز همیز
سیوهای سیاسی اند.

گزده ران می‌دانند خود راشن چیز روانه خوده ده حزب در دیده ۱۴۲۱

روزیه ۱۴۲۱) چیز گوشیده ده نهضه جیران را صنی آزاد شد و نهضه گشته خود را دشتر
سیاسی خود را آورد، در همکارها تحد په نظر گردید و سویزده از مقدور مانع شدند و بکاهد
شده احراری شن ماحرا ایجاد شده و ایزدیانیستی (آن می‌دانند که حزب و ارتش سرچ

د پریچ و خم انقلاب چین، یعنی اگر جنگ با شجاعیزین زاپنی در شمال بود.

سالهای جنگ مقاومت خد زاپنی

برابر عدد نشدند تعداد میان شجاعیزکاران زاپنی و ملت چین تحولات جدیدی در آغاز طبقاتی حامیان چین بوجود آمد. نیواده‌های وسیع مردم چین و نیز بیرونیان ملی چن خواستار مقاومت در برادر شجاعیزکاران زاپنی می‌شدند و مسئله تشکیل یک جبهه متحد می‌خود بخود در دستور کارسای قرار می‌گرفت. در این زمان، در یاه ۱۹۲۴، مائو تونه دین گزارش می‌نماید رسانی و ضمیمه توین و خبریت تشکیل جبهه متحد می‌بندد و دفتر سیاسی حزب ارائه داد که زیرا "امیریاره" ناکنیکهای مارکسی علیه امیریالیسم زاپنی "نجاواره" است. مائو در این گزارش سیاست کوتاه نظریه ای دارد: "راکه رهای بسته" راکه مخالف تشکیل جبهه واحد باشیروواری می‌بود استفاده کرد و غصناً بالشاره به درسها تاریخی شکست انقلاب ۱۹۲۷ (۱۹۰۶) که امیریالیسم راست چن توپیو یا غنی استقلال و استکار عمل حزب در جبهه واحد سب آن بود، حزب را از ظهیر خطرناکی در رکوشش خدیده شد برای تشکیل جبهه واحد خد امیریالیستی سرحد زد اشت. نکته میم در این گزارش هماناً برسی کرد: از و رفتار و جایگاه بیرونیواری می‌در انقلاب چین است.

در این زمان هنوز طرح حزب گنویست چین برای تشکیل جبهه متحد می‌شود - همانی از طبقات اجتماعی فکود ال و بیرونیواری هنریک کهرادیرو و در راس آن باند جیاکایجنه را در رسانی می‌گیرد، زیرا جیاکایجنه و دارودسته ای او سطمال شرقی چین را به زاپنیها فروخته که هیچ برسر فروش شمال چین نیواده استه جای میزدند و پیش از هر چیز خواستار جنگ سا نیواده‌های انقلابی چین و نایواده‌ی حزب گنویست بودند. از اینرو افشاء خیانت این دارودسته ضریحت میداشت. البته مائو در همان موقع سلطنت مشربه که باشد بدین تضاده‌های میان امیریالیسم زاپنی و امیریالیستهای آمریکائی و ایشی میان توکران و دارودسته‌ها جبریه حوار آشنا نیز شکاف افت و پخش مقاومت در برادر شجاعیزکاران زاپنی شناش خواهند داد. و فایع سندی که سپاه همکاری و صالحیت میان حرب گنویست چین و گومبئا شرای مقاومت در سازیزاین و گماره جوئی از حد نداختن داخلی احساس سختی ای رسایس را شان دار. البته جیاکایجنه خانی ناشد شهبا حاضر به دست کشیدن از جنگ داخلی و مصالحه با حزب گنویست سید و شهبا در آذر ۱۹۲۱، پس از آنکه خد ای از افغانستان کوئه میتواند که خواهان اتحاد با حزب گنویست و مقاومت در برادر شجاعیزکاران بودند وی را در سر و زند ای کردند، سید که حاضر به چین گاری شد.

- رطی سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۷، مائو گویی مهمنترین آثار طبیعی خود "سائل استراتژی" در جنگ انقلابی چین، "سائل استراتژی" در جنگ پارتبزای خد زاپنی و "در برادره خنگ طولانی" را که اکنون دیگر جزء کلاسیکهای سطایی مارکسیم - لنسنیم - حساب می‌آید، بدویت، آموزشی سطایی مائو در این کتابها، که نوانسی حاکم بر جنگ و مسائل مریوط به استراتژی و ناکنیک جنگ انقلابی را در شرایط چن گذشت و تشریح میکند، سویه سر جسته ای

از کاربرد ماتریالیسم در پاکستان در روسی ملکه جنگ و شاخت فواضن حاکم بر جنگ اسلامی است. این آموزشها چنانکه اگرتو در جنگ‌های اسلامی سراسر جهان دیده‌می‌شود از این شیوه‌یک شان بیچ رویه انتقام چین صد و دشنه راهنمای مهندسی در روسی نکامل و هدایت جنگ اسلامی در سیاست از کشورها می‌باشد. اثارتخطی مالو آن پیشوای شیوه‌یک در تدوین منی طبای حزب کمونیست چین بود که هم بهوزی در جنگ متاوست خذ را پس و هم بهوزی خود را در جنگ رهاییخشن سلطنه قوای سرتجمیں داشت و چیز کاید سیر ساخت.

جنگ مقاومت خذ را پیش بر هری حزب کمونیست یک امر صرف نظرای نبود. جنگ مقاومت خذ را پیش قدر از هر چیز یک جنگ اسلامی نموده های مردم بود که هدف مسیحی را ندقیق می‌گرد و آن به سراجام رسان انتقام خذ امیرالبیت و خصمه بیود الی چین شدت رهی بریلتاریا و ساختمان چین نبود. از ایندو، هم سیکی و دینی‌نمای جنگ و هم شیوه اداره و هدایت حملی که حزب کمونیست و مالو رهبری می‌گردید با جنگ‌های مدنی سیک‌واری که کاهه برای دفع ارمدهن سراء میان ازد نقاوت اساسی داشت. در مناطق آسیا نشیه حزب کمونیست چین حکومت خذ می‌گردید حسبی نیروهای خلقی وجود داشت که اساس آموال اتحاد را مکثکان شهپری و سنا-کارگران و دهستان-شکنیل میداد. نموده های مردم چین در این مساحتی برای خذ سار آزاد پیهای نمود که ایند وسیعی بر جنگ ارشد و خود را در اراده ارضی حکومت و امیری‌سازی و انتقامی داشتند که شریک میدیدند.

سیاست اصلاحات ارضی یکی یابن حزب، که خادمی اموال ملی‌الهای و ملی‌بودی خود را بیان می‌گردید اشت. در این مرحله بمعاظر شرایط جنگ خذ را پیش و سلطیح حلب شورهای سیاسی دستوری داشت. در این مرحله معاومت و شکاف اند احتمت خذ معاومت و صریعه قتل‌های بیشین الى مومنا تغییر گرد و به سیاست تغییر، بهره مالکانه دستگیر شد اد رعنی حال فعالیت‌ها تغییردی و انتقامی و انتقام از فرهنگی و هنری و عیشه گسترش پاشند. و اینه سمت خذ من بمحیط مقاومت خذ را پیش می‌گردید. مالکیتیه درین بثایه فرماده عی حزب و اند از جنگ اد رعنی هدایت جنگ مقاومت سرهنگی می‌باشد. خذ ای د رهایی آزاد نموده، پیشمرد فعالیت‌های نویمه‌ی و انتقامی و نمیس سیاست‌های مریوط سایه، تیزی بر این‌مشق ارضی حرب اد شرایط جنگ مقاومت را پیش، بسیج و هدایت کارکنان امور فرهنگی و هنری در خدمت مردم پیشمرد خذ، آموزش سیاسی و آند شوریزیکی کادرها و انصاری حزب اد ر حزب و انتقام رهیمیں را احتمانی داد. رامعه بیشتری پیشمرد فعالیت‌های حزب اد سلطنه متعاریز و در ماضی شدت سلطنه کومنیستی و نشاید پیمانیت و پیوه بود احتمه همی اسکارهای اصرت پیش محبویت واحد و مرتبط بیش در رهم می‌آمدند. سان مالو محییه ای از کارکارها را سحر یا اد احتمه رهی می‌گرد که از بکورد رخد می‌پیشید اس بهوزی می‌آخی دخنه اندیشی مردم چین سلطنه متعاریز را پیشید و ای اسی سیک‌واریون پیش خذ و مردم چین سراجام رسان اندلاع سیاسی و انتقامی چین و ساختمان چین سو آماده می‌باخت. سیاسته های مالو در این دیره تمامی زمبه های پادشاه را داد

مالکو سرای مسلح کرد و کارهای حزب نهضت مارکسیسم و شیوه سرسی بجزوهش
ماگنیتیلیک، که صد و دو هزار و آنها درگاه شده بودند اینکه راهبرد و مارکسی آن را داشته
بودند که این راه برای داشتن داد و سار برای اینکه اینها امیر است و راه استی و راه حزب سوییه
دیگری آن موابع میتوانند راه برای اینکه اینها انتقام چون و مسائل مرتبط با استراتژی
و تکنیک اینها مبارزه اینهاست اینها را جیش فرانکنگر و جبهه ای دوستی، گمانیسته اند این مانند وان
امن و گیرد اوسا برای پیشنهاد مبارزه که عاری از هرگزگزند پایه سخون و نیمس راجع شدند
باید مسائل مشخص اینهاست چیزی بود را پیش از فراوانی سرای حزب و نیمس بیوزمد استی
انقلاب چیزی سار آنکه داشته باشد این اینکه میتوانند این راه را پیشنهاد و راه برای
جیگه مذکور، خود را پیش و سار برای آنها، اینها مبارزه سرای ریشه کی گردن چنانچه هیچی
درین گرانیسته ای و متشی های اینکه توپیستی مانند سوییه طرز طنز خواهد بود راه برای گفایستی
جد و بهبود متشی مانند راه هایی که میتوانند مردم را در ۱۳۱۶ در گفتار، میگویند سام و درباره سمل و
دیگری سام و درباره نقد و تقدیر اینکه کامیونیتی هایی و سیاسی مدد زایی های این را درگردید و در
نهادهای اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
آنهم سه نوع عمل مبارزه مخفیانی میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
دات اینکه میتوانند و دیگری میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
از فعل میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
نشریح نمودند و اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
روکود تای جیا کا پیچنگه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
شان مهد اند، حال آنکه اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
جهشیش واحد برعاید زایس میگردند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
قیمتاره و دیگریه نقد و اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
نهایی از آنها، پوشی که حرب پرولتاریا میتوانند و اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
طبیعتی و اجتماعی را گفتند که و سکارسته داده مارساره مرغیله طرز نیکه میگردند اینکه میتوانند
دیگریستی سوییه رگانیزم، ساره کی توضیح و حلقاته سیط و نکاره را داده شده اند.
پس با تشكیل حبشه واحد خدی زایس ساکریستیک که اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
دیگری رمید و دیگری رشد بید اکرد. هیاد ازان گرانیز سریز خواهان دره
آینده اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
دست گرفتند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
ذاره و اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
اینکه اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
نهایی طبیعتی و اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
نهایی جانش ای میگردند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند اینکه میتوانند
زایس سر از معرفت شاگردی ای و شاید سوال "خواهان مرسوده سه سپاه" خدید را دید حسنه

که بیویست حزب را طبع و سخنات تسلیم کشید این توپتسبای راست را مزدود داشت. مالک شاگرد کرد که "در حکم اقلال ملی صد زبان تسلیم خواهد شد فرانس سر رانع بیرونی خواهد شد تسلیم طلب می است و ریاست ترس گرایش است که نه از دنیا و نه حاج راست گفته بر ساده و حیچ را به نشکت میکندند". باز مالک در گزارش و سخنوار آن خواص ششمین شمشت گذشت که رفع مرکزی حزب در آبان ۱۳۱۷ شده بعنوان حزب که بیویست طبع و توهیات تسلیم خواهد را از قبیل اینکه حزب باید همه کارها را از طریق جمیعت واحد اسلام، دین و هرمانه هو گویند شانگ را بسیار شد تردد کرد (مذاه سیه شمشت آن خشن حزب که بیویست چیز در جمیع می اُست) مخفف استقلال و ایستگاری ملی در درون جنبه واحد و همجنی "سائل حیگ و استراتیجی" در این شمشت ماثو اگرچه فقط سورا امیراء اری از سیاست مارکیستی - لیبرالیستی خود در زمینه ای جمهوری دامنه برآمد و شدت و پنهان انتباها را می داشت زیرا ای که تا حد وسیع در اینست ای تشکیل حسنه و واحد سما که پیش از داده بود تسلیم شد. مالک در پایان سخن خود در این شمشت پیش از بگز شش سیاسی حزب که بیویست چیز را سایرجه سه وزیری های چیز سیه میتسد. در تصریح و تبیهات استراتیجیک رسید. خانی حزب را در موادرین گویاکش نکمل مبارزه می کند و تفصیل حزب توضیح دارد ("سائل حیگ و استراتیجی"). این سیه ریاست ایستگاری و دین و هرمانه دشنه دار را بجزی حزب و پرهیز از انتباها این توپتسبای شدنی در خطر خشن آغاز را بد کرده است.

درست بخاطر پیووزی حزب که بیویست چیز را ایستگار مالک در رسیدن کار را چار چرخ. جسمیت واحد می زاین و شیوه و شیوه که متأثر است بیرونی حیگ متأثر است بیرونی که سیه معرفت گردید کار را در داده که بیویست کوینتاش را، که وقتی و وقتی ماضی پایانی ای از دنیا و نهاده خود می بیند. در هم شکسته ساضر پایانی ای آزاد است و در زیور هشتری حزب را از دنیا گذشتند شرط داشت و هرمانی را ایستگاری سیه حزب ارا درم حمله حیگ دند و زاین تا پایان حفظ گش. در پایان کوینتاش سرگردانی چیز ایستگاریکیت در طول حیگ مذارت سخن خد شاکره ای ایشی داشت. بعد از آن سخن ایشان را تداری کاران زاین وارد حیگ شد و از یک سیاست مسلسل بگذر از رو در روشی با سیاهیان زاین پیروی کرد. چیز ایستگاری بیشتر در اند پیش آن بود که سیروهای خود را برای پیشگیری از حزب که بیویست چیز و مردم چیز - خود را آمد. مائیزه میشند ساختن اید لو لوییکی. سیاسی و سازمانی حزب احمد سیاست می داشت. در این میان تسلیم اید شیوه و شیوه کار رشای حزب و ایستگاری واحد است آن ای از تاریخ تحریسات و مسائل اعلاء حیگ حائز اهمیت. رجیل اول بود چیزگه ماثو در آبان ۱۳۱۷ اید رسیه سو خشن میهن که حزب باید نور رهمنی حیگ و مذارت حمبه زاین ایدا کند و در اشاره سه خطاهای این توپتسبای راست و "چیز" مت گشته و سیه سیروی عظیم مارکیسم - تبیه سیه درست در تسعو آن با عمل مشخص اقلال نعام گذشت. ها نهفت است. ولذا این ضرورتی حقائق سرای حزب و کوینتسبای چیز ایشان گذشت.

نکار بست شدی مارکسیم - تیمیم را در شرایط شخص چن سایوزد و از جرم آند -
پش ، الگورداری غیر نقاد اه از روی تحریفات خارجی و همینین از اشتباهاه امیری
سیز هم زند - در همینجا مانو شکر میشود که " پند حزب سیاسی که جنبش انقلابی
عطیی را راهی میکند ، بد ون سلط بر شدی انقلابی و بد ون علم به تاریخ و در کی عینی
از جنبش علی معال است که بتواند به پیروزی دست یابد " .

بهین منظیر در سال ۱۲۱۸ پک سلطنه درون حزب سام " گونیست " انتشار
یافت ، که مانع در مقدسی آن سلطنه ساختمان حزب گونیست چن با توجه به تحریفات
و تاریخ مازده حزب پرداخته ارتباط آنرا با دو ویژگی عده می انقلاب چن ، یعنی مارکس
سلحانه و ماساسات پیچیده هی برولتاریا با بیزیواری می چن ، باز میگاند - در این
یوشه مانو نیز ویژگی های انقلاب چن را در گذار از سه مرحله تعییل خود ، چنین
مرحله انقلاب سرگ سالهای ۱۳۰۶-۱۳۰۴-۱۳۰۳ (۱۹۲۲-۱۹۲۴) ، مرحله انقلاب
ارضی و حنگ را اخلي سالهای ۱۳۱۶-۱۳۰۶ (۱۹۲۴-۲۲) و مرحله چنگنمایوس است
نه رایش ابررس و جمیعی میگند و در برتو آن چگوئی نکامل و ساختمان حزب گونیست
یست را در هر یک از این مراحل توضیح میدهد ، و آنها شان می ده که رشد و نکامل
حزب گونیست تا در شرایط شخص انقلاب چن بطور عده با حل درست یا نادرست شده
سارزی سلحنه و سلطنه ای ماساسات پیچیده هی برولتاریا با بیزیواری می (شکل چا
عدم شکل جمیعی واحد سرخ گشتر ای ای مختلف) ارتباط نزد یک را در - بعلاوه ، در
همی زمان تهیه کتاب درس " انقلاب چن و حزب گونیست چن " که توط مانعوین پیر
یوشه شده و در آن بررس جامع و در عین حال خصتر و جمیعی واری از تاریخ
خلاص و تخلیل طبقاتی جامیع چن ، وظایف ، سروهای معوکه ، حصلت و دیونمای
انقلاب چن و وظایف حزب برولتاریا در این میان صورت گرفته است - بعض تربیت سیار
یزگی در حزب گونیست چن و خلی چن اینها کرده است - ترهای مانو تنه درون در
بارعی انقلاب ر موکرانیه ، دند امیر بالمشی چن و شدی ر موکراسی نوکه در این کتاب
طرح شده است در سال ۱۲۱۸ بطری جاسی در کتاب معرفی او در میرانی ر موکراسی
نویسن " ملاحی شده و سلط راده میشود ، در این اثر ، مانوریشن میگند که به جمه
دولیل ای ایلاس - چن که رای ای خصلش بیرونیا - د موکرانیک است یا انقلابات بیرونیا - د موکرانیک
کهیں در کشورهای اریانیه فری داشته و نیتواند و ساید سر و پر ایهای جامدی نیمه -
فلود الی و یمه ستمه ای چن د رویت د پکتاوی بیرونی را سروی کار آورد . مالو
در این اثر هم بطریپن شرمنگیست و چه روانی انقلاب تک مرحله ای را در شرایط
جامیعی نیمه ، قلود الی و یمه ستمه ای چن مزد و شامته و هم این نظریه را که
انقلاب چن ماید است ایه بیرونیا - د موکراسی نوع اریانی برسد و سیسرای تکیس نماید
بط انقلاب سوسیالیست منتظر نشید بعنوان ایمروزیسم راست میگرد . برخط طریه
مانو انقلاب بهین سا آنکه ار لحاظ اجتماعی د رای خصلت بیرونیا - د موکرانیک است از
پس از بیرونی حنگ همای اول و بیرونی انقلاب اکتر ، یعنی در شرایط که نصر انقلابات

پرولتاری در مقیاس جهانی گشوده شد، و پس از حزب مذکور استقلال‌خواه دموکراتیک شراره کبیس سوداگریکه به جزوی از انقلاب جهانی پرولتاریاتی و به تحد آن نهاده شده است. از این رو هدف این انقلاب به بیوپردازی دموکراسی یا که دولت دموکراتیک از سوی چند پیش است که در آن پرولتاریا با تکیه بر اتحاد خود با شوهر معاشر دهقان عصی سرکرد گشی را ایضاً میکند. این دولت طبقات خود امیرالجنت و صد فنود ال سرکرد گشی پرولتاریا است که اتحاد کارگران و دهقانان اساس آنرا تشکیل می‌دهد و بالمال ارسایت اقتصاد و فرهنگی منطبق با مسابع طبقات حاکمه خود و در درجه اول با صافع کارگران و توده دهقانان و از سمت که طبقه کارگر شان می‌دهد پرسوی میکند. این دولت سوسیالیستی نیست، ولی نظر سانکه سرکرد گشی در دست پرولتاریا و حزب آن میدارد و پس از اتحاد رحمتکشان شهر و روستا تکیه را در شرایط گذاریه انقلاب سوسیالیستی را در میان خود پرسویاند و آماده می‌سازد.

آخر گزاری دموکراسی نوین "ماکو از لحاظ نقش تاریخی خود در انقلاب چین" با این معرفت این سام "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" دارای ارزشی برای اینست و در واقع اطمینان خلای تزهای نسبت راجع به دیگنکنی دموکراتیک کارگران و دهقانان در رویشه سرشاریت شخصی حامی‌گشی چین است. از این اثرباره ماده اثر پاره شده لینین تها به یک کشی معین (در ایجا، چین) می‌دهد و دشنهای کات اساسی آن را از انقلاب در همکنی کشیده‌های مستمراتی و نیمه مستمراتی صدی میکند و تاکنون صحت آنها در اخلاصات متعددی پاشان درسته است.

در اوائل سالهای ۱۲۶۰، که جنگ مبار متفق و اپنی وارد موجده شد، اول استراتژیک خود شد، زمینه مادی برای راه اداخت بیش از اصلح شد کار جبهت ارمنیه سنج ابدی‌لولیزیکی حزب، تقویت سایی آمیزش مارکسیم - انسیم در پوشش گاری آن در عمل فراهم گردید. برای اداخت حسنه امیزشی شنها را در شریعت حساب سرپنهای دیگر است و امیریست و بیوپهه ما طیز شنکر دیگر استیش درین حزب که امکن زیادهای ریاضی سار آفریده بود، اخیراً داشت لئکه شرایط ابدی‌لولیزیک ناچر را برای حمایت از اشتباها گذشتند و روش سیاسی حزب را احتد از تکرار آنها نزد آیده، برای درک و قضم علن سریز این اشتباها بتوسط اصداد و کارهای حزب و در شریعه سرای ارمنیه و تحکیم وحدت حزب، سوزهد میارند. در این زمان، مائیکل گفتارها ذی روزنیان "آمیزش خود را ارسیزایم" (ازد-بنت ۱۲۶۰)، سکان کار حیوان را اصلاح کیم (۱۲۶۰) و "مارهه ظنه سکان کار ساری در حزب" (۱۲۶۰) می‌سین. در نشستهای از کارهای حزب عرضه میکند، که در آنها علن سرور شنی شان احرافی را در حزب از لحاظ ابدی‌لولیزیکی سارشکانه به سرس و انشاد سکان کارهای حزب، خوب و ایشان، رهیگیری، سکنای ساری، روشیهای غایس و الگو ساری در مارهه دیگری حزب، در نشستهای نشیخ، گارش، زیان و غمراه، که خسنه در زیر طایب مارکسیم - انسیم نزد روزنیان حزب اشایه باشند و همه به حد ایشانی ایرعمل، حد ایشانی حزب از نواده ها اجدالی

جهن خد و مژده ، سپهبد ازد ، در همین زیره ، از بیشترت و خود ام ۴۱ : مانندو
نه مسلسل هر دادسات و جگوگی هزار دادن آشنا در خدمت ساروزد اتفاقی سیز
پرمه احتمله بین مسلطه در محبرایی در برابر کارگاه هرسی و ادب میان افراد میگردید
و "محترمی در سطح ادبی و هرسی بیان") . حقیقت اصلاح سند کارگاهه امکنار و
سر زیر رهبری مأمور مرآه افزایاد به رخداد آید شنیدن یکی حربگوئیست جهن که همان‌گونه گفته
و صحبه از اراده را سروی سرمه میان رهنس و در حرب و جمعه‌ی دی جزب از آن
هزار امداده .

سرمه شایخ حزب و جمعه‌ی دی ساروزد میان دو مشق در حرب گذشتند
جهن در حربیان حمش اصلاح سند کار و سرمه از رستم ۱۳۲۶ آغاز شد . این سرمه
نه سعیت سعادت های دینی میان گذار رهان مالای حرب و در میان رهنس حرب خواه
پان پیافت به رخه تدبیر اینی در حزب متوجه شد و دعا که از این مهیج برآورده گشته و دفعه
مردمی گذشتند سود . این هرمس و جمعه‌ی دی سهان آن رهنسیان شنیدند شنیدند
رهبری حزب میان از اینها گزگره . پیرامون برخی ساند تاریخ حرب ما (شان دادگه
باریش دی رهنس در دریوی حرب گذشتند جهن در شهابیت ساروزد میان مشق مارگستن
و چهل مالکیت دین و ایوان امشق های این گذشتند و دما جراحتی دیدند و امداده .

دو قسم کنگره‌ی حزب گذشتند جهن (از ایشت ۱۳۲۶) نه عذری کامل شدی
که از این حرب و جمود آش رخداد استوار کارهای حزب و حرب میخواستند که بگزید رهبر
سرمه خواه ، نه کشند و نه اندادند . این گشته در استاندار پسروری خلی جهن رهبری
حرب گذشتند جهن سرمنهازی (ایشی و پیروزی) چه خد ضد داشتندش جهانی مرهه - تردد
که از این حادث شروع انتقام وظیع تاریخی خود پیر از پیروزی . یعنی برای سراسرام را -
رمان دیگر برای انتقام وظیع تاریخی خود پیر از پیروزی . یعنی برای سراسرام را -
نهیان اسلام رهیکانیه مردم جهن و استقرار دیلتن میقل از میکاریت و مخفی ، آنها همچو
بود . حزب گذشتند جهن در زیر رهبری مالک شنبه از استنگام آید شنیدن گوی زیارتی
من می خشمی . و بعد تی بیماریه در صفر خود و نهاد مشق عی صلح منظم نامه دادند .
حامده و اتفاقاً جهن و حا افتاده سرخورد از زیر سکه پشتیانی و اشتار مظمو لر میان
بود و های مردم جهن بدست آوردند سود .

سائبان سرمه حیگ اینلاسی داخلي

در روزیان آنکه حداده مرتضیه زاین بیان رسید ، ماضی با یگاهی آزاد شدند عن جمیعت می
میگشند سانع سرمه مژده بخرازد رهبرگرفت . شدند از سرمه اران ارشاد بیرون راند . هر فرمان داده
حرب گذشتند جهن ، که در پایان راه پیشانی طولانی نهضت سانع سرمه . مدریت شدند و همه
بند ملیون و دویست هزار تن رسیده بود و بخلافه بین ارد و میلیون شن افراد جهیز شدند و های
برخود بودند . اندیشی خدا میر تمد از شان اریش میانوں هر تجاوره بگردند . - ران زمانه .

هیل جمیں تجھے مالیوں اور خود را سارو بروید؛ یا شرات بھوڑی دو رجھ کے مذکور مفتہ وابس را
مرتھنے میں راحی بہر کردی کی جدا گاہچہ، کہ در طول حکم ہیچ کار بھبھی انجام نہ دے
بیو دے، دوز دے، داد پہنچانی نظامی قبول نہیں۔ ماشیت خود را مرسر اسرا جن گستاخانہ
جوں را رہنم تقریب رہا تھا گی، امسارت کہیں باری گھبھی اٹھدی رہا اسکے شرات را خنس
جوں خود برمید اٹھتے دو ربع مردانہ ہیں پہنچ رہر استین خود، حرب کوئی پیٹ کی جائیں،
سر اسرا میں خود را آزاد میکرے بیباہی ماحصلان جیں جسموں سے۔

اپن جیسی دو دو فرمانی تدریس اسرا، بیباہی ارخلاف نی کہ سر ٹھیڈ فائیم و سرای
آزاد دے، بھیں خود حکیم دے، دو دو بھیگام پایاں پاٹن حنگ حبیب اس دو دو بھوڑی سر
ماشیم سیں الفعلی رخود میت امتد، لیکن در آن ہشگام پتہ گرا بھر اپنے توبھستہ و مسنا
ریشکارانہ دو سیاری از احراب کیوں، تدریس جہاں پاگر مونہ بیو، بیوں اس گرا بھر سے
دلیل ایکے گویا پس ارساؤں دیا شاشیم سہ جھوں، بگرصلح و معاشر موانہد رفتے سا
بیو زار ر طبقات ارتھانی کھنڈ رہا، خود را دے اسرا دی پیش گرفتہ میخواستہ تصریں
بھوڑی سیاہ طعنن کارکم و تور، ہای کھنڈ خود راندھیم ارتھان کے، اپنے الجسم اپنے گما
کہ بعัก سماں اپنے بندہ، تہدار طیں، حنگ خریق سہیں نہ دید، حتیٰ فریت نہ دید، کندر ار
حرب کی فرمانی بھوڑی دیا، گراہی میخ و سر اسرا میں دو سر اسرا جہاں سراء اند اختیہ و
بیوہ اندھار شریوی رائی جھنڈ خاصی حد بھی نہیں پتہ میکرے، دوں اندھار شریوی سر هری
اس نائیں در آن رہا، ایک دو منٹا، سو سیماں سوتھیں دی پیش گھنٹہ نے قدر تک گرجھاٹیو جو ۷۵
سروہاری خلیج دی گراہی دو سر اسرا جہاں و دیوڑہ بار خود اری ار جھاہی، جنکھا ای سر اسما
و پیضتہ ہائی رہائی جھنڈ دی کھنڈ دی دوں سیم، کہ خلود پیش ریزی و بعد مایہ انی امیریا
لہت پتھار اگر فتہ جو ۷۵ سوچن شد امیریہ الیستھاہی امیریکائی دی میڈھ بشار رائے ماحصلانہ
ہائی رائے ارکن، اپن صالحہ هائی سر اسرا جہاں تو پیش را بھٹ خواستی گئی، آپن سر غصہ ب
شد کہ ناعیل خود را مرسر اسرا شاہی ترجیعیں دیا کہر کھنڈ ہائی خوش نزدیکی کیلے، سر عزم
آپن افشاری دو را اس اعڑا و سارہ سرای بگرس شاد رہا، حدتی ملیہاں
خود خلیج را بھڑاٹ احتد و حنگ جہاں تو پیش را بھٹ خواستی گئی، آپن سر غصہ ب
نہیں بد ات امیریہ الجسم امیریکاریکا اسٹریپسیاہی اندھان شد و پیغام سر اسماوں امکان
بھوڑی سہیت ہائی رہائی خلیج دوستھات و میتہ مستھرات امتدی اے اندھا، مرا اسرا
غصہ اس گرا بھر اپنے توبھستہ مر جھنڈ کوئی سن دا ہر اکھوں ہا، صعنو
کارکم، مرن اپن کھنڈ ہائی کھنڈیا، تو غصہ گرد ہائی سر ٹھیڈ بیویڑہ، دی ملٹا دی رکھر میا،
اپن اس خلیج دی کہ تو سف دیوں سے ساوکاری مفرصت ملکی، دی اپتے دی دو ریسرا امداد
و گھنڈا رکھ ارش ارجمن گرا شو بھوڑی مکرہ جس را دے اپنے دی دو ریسرا امداد
ساری میں دی بھوڑی اس دی رکھ ارش ارجمن گھنڈا رکھ اسلاخ ار کائیہ ای ارتھانی مسراں
امسٹھے سر اریز،

در اس اول دی ریز حرب کوئی پتہ جس سر جھنڈ ہائی میا، میا، دی اپنے دی دار
اس گرا بھر اپنے توبھستہ سی امیٹن ساری دھانستار اسرا شاہی دی اپنے دی دار

انقلاب در سر ارتهدید ات امیر بالیستهای امریکائی و عمالشان بید . اشخاص جنی لیو
شانلیوچی در حزب کومیسیون چین چنین سخنه سرمد اند که گویا " چین وارد موجحلی نوبه
صلح و دیگر اس شد " و با پای حزب کومیسیون چیا کایچک " با همکاری یک گروه را
سازند " وایکه حزب پایه در عوض است آفرود مشاغل و ظمامات در داخل حکومت
ارتجاعی و خاش کوینتال از هرچه خلق چین تا آمریان در مساطق آزاد شد " بدست
آفرود " بیدنگرد و آنها را شغول چیا کایچک و آرود سته اش بدهد .

ولی حزب کومیسیون فرماده شایسته ، ثابت فدم و ترسی چون مانوئسه دو
را شست و هیچ نیومنی نمیتواست حزب مانوئسه دو راهه چنین اسراف خطرناکی دارد
کند . مائورهمن آستانه تسلیم زاین متکرشد که " حقوق راک خلق بینک آورد " .
هرگز ناید مفت و مجانی از ستد اراده ، بلکه باید بازرس از آثارهای غار کرد " ۱ " چن سه
وچه به چیا کایچک عملی دارد ، چن ازان خلق چن است " . . . " سلاحهای خلق
هر قته نیش و هر دان نیش باید حقطه ازد ، باید آنها را تسلیم کرد " .

مائورهمن رمان در منیاس جهای سیز فاعلهای بر علیه آن گرایش امیربالیست
و سارشکاره برخاسته و در اشاره به صالحه های میان شرودی سوسیالیست و امیربالی-
لیستهای امریکائی و متحده پستان ، که دستاپیزی سرای فرصت طلبان گویاگون سرای توپجا-
ساش باز و لیستهای ارجاعی کشورهایشان شد بود ، متکرشد که " چنین صالحهای مرد
کشورهای جهان سرمایه داری را ملزم نمیگردند که ازان تعیت کرد و درین خود سا-
صالحه های مادرت وزنده " . مودم این کشورهای سلطنتی شرایط گویاگون خودشان بدهد
زدن سارزرات گویاگون اد اه خواهد دارد " . مائورهمن حال به انشای امیربالی-

امیرکارا عاب اتنی آن برد اخته خاطر شان کرد که مترجمین امریکائی ، سب اتنی شان و
همه مرتعجهین جهان سرگادی اند و ساید ار آنها ترسید ، بلکه مرم سراسر جهان
" ساید متحده شد " بر علیه چشمها مرتعجهین امریکا و گرایشان دراین کشورها " ، یعنی
کشورهایی که هدف اتنی های توسعه خلیج امریکا فرار گرفته بودند " ، صارزه گند :

در چین ، چیا کایچک که ارسوی امیربالیستهای امریکائی حمایت میشند از یکست
سروهای خود ایرانی سروش همه جایه بستاقن آزاد شد " تجهیز و آماده میگرد و از سوی
دیگردم از صلح و صفا میزد و میگردید تا خلق چن را مایه های دروغین خود راچی
به صلح و احترار از جنگ داخلی فربار اد و حزب کومیسیون خود را واد از سه تسلیم گند
ولی هریار عالمی های ای راجع به صلح سارمزایی روپریگشت و سرانجام تاب سیاره ،
جنگ همه حاشه ای را بر علیه حزب کومیسیون چن و مساطق آزاد شده آغاز مود . حزب
کومیسیون چن سرهی مانوکه اینش وفع چن جگی را بیش میگرد و بسانجام سیرا
به مقابله شنامت . میرا مانو بعنوان رهبر حزب و ارتش رهایی سخن خلق چن فرمان نا-
ریخن و سهایی انقلاب مودم چن را صادر گردی " چیا کایچک را سرگون گند ، چن را
آزاد گردانند " .

در این زمان ، مایو بثایفل سرد از زنگ خلق چن معمیعنه عطیات طایی ارتش

رهانی بخش خلق چن راطی نقش نظامی پیشین شده ای متنقیاً هدایت میگرد . در این دیره سیاست ارضی حزب منی بر تقلیل سیزده مالکانه نیز نفعمنگرد . نایابدی کامل شفید الیم و اصلاحات ارضی در سراسر روسیه ای آزاد شده چن درسته کار قوار گرفت . ماثو شی عومنی و سیاست های مطبق با مرحله دینین راستوان انقلابه مو به گرانیک توره های مردم بر هری برویتاریا برای نایابدی امیر بالیم ، شفید الیم و سرسایه داری بروگرانیک طرح کرد و اجرای آنرا درسته کارگرد ارد . جنانکه ماثو گفت " مطهر جامع کیم این دشمن شارت " بود " از زیم ارتیاع گومیانگ چیانکاچک " بیس ساله دی مرکزی انقلاب سراند اخت این روزم بود . طی کنواره سال ، داریسته چیانکاچک و حکومت پوشالی بشان در هنین جمهه هایانگشت مواجه شد ، ارتش هشت میلو نی چیانکاچک که با تجهیزات و سلاحهای مدرن امریکانی سجهز بود متلاشی و نایابد شد و سراسر سرزمین بهایوچی ، ساستان جزیره تایوان و جند جزیره کوچند دیگر ، آزاد شد .

نهیم سپتمبر سال ۱۲۴۸ حمیری خلق چن پا به عرصه هستی گذارد .
* خلو چین جما ایشاد * (مائو)

سالهای گذاریه سوسیالیسم

پیروزی انقلاب کسرچین و نایابیں حمیری خلق چن معنای پایان مرحله انقلاب دیگرانیک تور آغاز مرحله نیون انقلاب ، مرحله انقلاب سوسیالیست سود ، ماثو در آستانه پیروزی سراسرگشیری درد و مین نشست هلتیش گمیشی مرکزی حزب گمیشی چن (اسفند ۱۲۴۷) باد آفرینش بود که تضاد عدیه را خلی چانمیشی چن بس از رهانی کسر تعداد میان بیرونی و طبقه کارگر خواهد بود . ماثو رهین شست ، ساده ات اساسی حزب را پس از پیروزی انقلاب در سراسرگشیریش کرد ، که بطور خلاصه عارض بید از گذاریت کسرگشایزی بهش گشیر صفت و از چانمیشی دیگر اسی نیزه حاسنه سوسیالیست . این گذاریتین منابع که تمام سرمایه های امیر بالیست و بیرونی گرایش روتی مصارعه شده از واحد های نولند سرمایه داری پیشین به واحد های نولند سوسیالیستی نند بل شوید ، انتصار برانک نوند هفقاتی و نولند خود بای پیشش . بیزی کام به نولند دسته حمی ، که ابتدا را رای خلی نیمه سوسیالیست و پیشش در امکان عالیتر خود دارای خلی نیمه سوسیالیستی است . دیگر کوئی گردش ، نایرگسی و امیر میوطه بازار شریح نیست دیلت افتند و غیره . سلاوه ، سیاست دیلت جد پد دیگر خود ره سرمایه ای خصوصی طی عبارت میشد از سیاست مدد و کردن آن یگنترش . طمارت دیلت برآ و مقطوع کرد . میزان سود ، نند بل واحد های نولندی متعلق به سرمایه داران شی سه واحد هایی که دیلت ره سرمایه ، ایان مشترکاً آرا . حین مانگست دیانته ره مشترکاً میگرد اند و سراخام نند بل آنهاه واحد های دیلت سوسیالیست . عمارت دیگر ، دیلت ره گشایی دیگر ایشاد خلو بر هری برویتارها با پیروزی انقلاب دی

ساده رتیزیده و سکله اش در حاره د مرحله ر ملکر اسی بود . جنگ مائیمود ها
پاد آلوی کرد ؟ تها سوسایلیم میزان جن راجات بخشد .
بس از تشكیل جمهوری نوده ای جن تمام سرمایه های ملکر ایند و حاره
شامل . بجز صایعه طور پیش مداره گشت، جنیش نوده ای در روز استهای جن حیره و
ذینات نایه ای گرونه اصل احیاء ارضی در هند جنیه ای رسیده کنان اریوده ای و میعنی سر
عهد قد استقلالیور رمال دشمن که گفت هجیان به خراسانکار خود بوده بجهان
تخت و همراه با آنها جنیش مفارست در رابر تجاور امریکار گفت سه گزمه سیز هراه اوبن اد .
بران جنیش احیاء رسیده که در رسال ۱۳۲۱ جنگ میان حکومت د مششانه بون گزره
حبیب و حمهیری بملکر ایند خانز کره در گرفته و امیر یا بیشان امریکانی سرای تحساوز
نه خانک جمهوری بملکر ایند خانز کره و سایدی این حمهیری بونیانه در راه که لشگر
پیاده کرد . آیان در رفع رسیده روی خود در کره نشاند تعاویه جن راسیده رسرو مسی .
در اند د . هنگامکه سری پیش شدن تجاورگاران امریکانی بملکر سه مره های جنین در رحله
سپاهی ای رسیده . جنین نوده ای شجاعانه بر طیه امریکانی اعلام حسک کرد . فریاهزه ایان د اوه
طلب جنیش برای شرکت در حمله کرد . که درست رفاقت همراهان خود در گزنه : مالی وارد پیکار
نمود و همراه ساخته کرد ازین تجاورگار امریکان ارامه های تحسیش شده بیشین عقیق
شاند د . در آنها آتش سی انعلام شد .

در پرشاوه چیز ، مارهه مان خیفده کارگزه سریزدازی در دیوان گد ارد سریا .
لیسم برون سکله ایکه جن که ام راه راه سوسایلیمی شاره سرایه د ای راد رسیده
ملکر متغیر کشد . ماش گفت ؟ تها سوسایلیم میزانه حس راجات بخشد . لیکن
حراب گمیست جنین برای در پیش گرفتن راه سوسایلیمی ارهمان ایت اه تها بسا
تلخه سه سوچاند سریزدازی د هفتمان شروع شده و ریشه کران آیه ای حملکری از تحول
سوسایلیست جنین روز رو میود بگه در د داخل هرچه سری ۱۳۲۱ ایانه ایانه میانه عاصم
سطح و این توییت که در رسال این تلاش سریزدازی سرمهه مایه د ای رخنیو پیش ریروی
استقلال سوسایلیست سه سیانه اختند ادر گریسیده . در همان د رئاسیه جمهوری
ملو جنین پیکار ایش هر قصد ششانه راست ، که اشناهان جنین سیوشان جن و هر دار ایش
آرام اید کی میکرد . تحت ای عداون که جن هنوزه ایان سوسایلیم آماده بیت سا
راه سوسایلیستی در جن سعادت میمود . لیشانه ترجی در همان سالهای اون تشكیل
جمهوری خود جنین این شماره ای مطرح میکرد که " نظام د ملکر ایند . حرات حکم کمیست ای
حال آنکه مادر در همان آستانه بیرونی سراسرگهی د تاکید کرد . بود که میشون معامل
ما" گند از ای جامعه د ملکر اس سوت حامعه سوسایلیست " ای . . . یعنی سه حکم خدمت
د ملکر اس سه آظر که نیو شانجه و ایور توییت های رامه مطرح میداشت .
در رسال ۱۳۲۲ ، مالو مشنی عموی این دیرهن گد ار اند بین صورت تعیین کرد :
" کام د گام ر طن سه دیرهن سه شناسی سیمیش کیان سوسایلیست حبی و د گزه .

گوی سیاست‌خواهان کشاورزی، صنایع و معدن و صنایع و سازگاری سرمایه ایران نویسنده‌دند
که در تحقیق رهبری، ازان بسیار خوب بوده در ساختار سیاست‌خواهان شهر
آغاز شده، سیاست‌خواهان به سرمایه‌داری خصوص ملی و سپس تشکیل شاهدانی مشترک
در باشند - خصوص و سراسار مال خرید اموال بزرگواری گام شکم داده بودند اجراء شده
روستاها، حشت‌تمایلی کردند (با تکمیل اینها کردند) کشاورزی که در پیش از رهایی حس
در پیش خود ملک ملک از تکمیل جمهوری خود جزو نیمه مدد و
نشانه کردند و ناسان ۱۳۲۵ مالکیت دسته جمعی یا تکه برای اینها سر برداشتم
روستاها را جین غنه کردند، همین دلگذگی سر برداشتم راه سرمهایه داری ناچار گذاشت
که گذگی سر برداشتم بجزی راه سرمهایه داری را در پیش اینها که نه
گذگی سر برداشتم تولید مریط می‌شد ناسان ۱۳۲۵ اساساً حل گردید.

همسا در حق این حدت، حرب که بیشتر جین سرهی مالک نباشد تراحت است
این مالک این پیکرها ضد حرس سپرکرد که کاشیکار و جانشیشی را درین اتفاقه را
نام بسازد و مالکیت‌های خود خوب آنها را از اینجا ۱۳۲۶ مارس ۱۹۴۵ میلادی می‌شوند
گزاری که بیان این کشند و حرب (کمالاً در این کند)، این گزده از خود بروانند خاصه، اما این
کمیت حرب نداشتند بلکه در عین قبول ظاهری سرمهاین حرب بیکاری تهیه نداشتند
روشی از تراحت این گزده در گفتگوی این انتداب این احتمال و فدرات را بدست گذشتند، از روی
هایی می‌دمد میان شایسته‌سازی، فرقه‌بازی، جمع گردش هواداری بگذشتند، خود از طرف پسر
رشید بزرگ از این روش ایشان را خود ایشان اخفاضاً و کادر رهای حرب رساند آنها بودند، همچنان
در پیش از این جمعیت کردند کشاورزی و تشکیل تعاونی های رفقاء در روستاهای
جین پیکر ایشان محاوطه کار این را ساختند، که لبیت‌التجی و صادری چون از این گذگی شر
می‌گردند در درون حرب سیروس زدند، محاوطه کاران راسته ایشان را در سیاست
لیستی راه ریشه گذشتند انتداب نداشتند و در عمل نیز به حراستگاری در جنگ مشغول شدند که اینها در
روستاها حاسته نداشتند اندزیباری از تعاونی های تولیدی را حقاً رامحل گردند و در این عصی
شدند که دسته جمعیت کردند کشاورزی باید با همکاری آنها نسبتی نداشته باشند
کشور ایشان را پادند، آنها تسریع فرمایند که بزرگ‌ترین کشور ایشانی در
اقدام بحرب می‌گذشتند، ارجمند لبیت‌التجی سیاست‌سازان را می‌شوند، مکنیزه کردند پیش از
دسته جمعیت کردند "راطیت می‌گرد رخواهان آزادگان اشناز رهایان سر برداشتم" بسط
انتهای خود، بعضی می‌بسط انتداب سرمایه داری زدند، تمام اینها اندزه خود را داشتند
را و بیهوده جمیع و می‌سازند تحریف ساختن سیاست‌خواهان سرمایه دار اندزه شریعتی و بخواهان ایشان و
ایشانیم با هیچ‌جای سیحوانند، در رفاقت سیاست‌خواهان سرمایه دار اندزه مستعکفی همان طبقه‌ی
کارگر شدند و ای اندزه ساره اشتد و این اندزه از اندزه از رشراطیت پس از رهایش که خود را باید
پاکش اندزه از این دشمن ایشان را بزرگ‌ترین سر برداشتم ای اندزه شریعتی می‌گردند و
روستاهای جین فوت شاهزادگان می‌گرفتند، ای اندزه بیشی را این اندزه شریعتی دادند
روستاها را جین فوت شاهزادگان می‌گرفتند، ای اندزه بیشی را این اندزه شریعتی دادند
روستاها را جین فوت شاهزادگان می‌گرفتند، ای اندزه بیشی را این اندزه شریعتی دادند

و ماطق خود مختار موسیم به "در مارین مسلسله کنیز اسون کشاورزی" ، نظرات معادله کاران راست و مفکره های لیو شانوچین و داریزید سه اش را باد اشتغالگردن و سیاست و طرز پیشتر جنگ کنیز اتوبوی رامعین ساخت . وی خاطرنشان کرد که "آنجه امروزه در رو و سنامه بود است مالکیت سرمایه داری د هنمان مرغه و در بیانی بهنایی از مالکیت خصوصی د هنمان حد آنکه میانند ... در مطالب اخیر سوچه های خود روی سرمایه داری د روزه سیاست و مفکره های در حال رشد بود " اند در هنمان شرطمند در رهه جا بدید باز گشته اند و بسیاری از د هنمان میانه حال مرغه میکنند از هنمان شرطمند شوند . ایسوی دیگر ، بسیاری از د هنمان فتوی علیت ندان ای وسائل علیبه کافی در فقرس بربره برش مفروض و برشی در گزینشان رامیغزشند یا با جاره و اگذار میکنند . جانجه این گرایش لامانع از این پاک ظب بندی در روستا بطری اجتاب ناید بزیری روزبری خیتر خواهد شد " . مانع براین یا به شیجه گرفت که ساربان " هج راه حلی ماین بیست مگر اساس خدید . و آن همین تحقیق گام بگام دیگر گزین سوسیالیستی تمام کشاورزی همزمان ماتحقق شد رهیسی صنعتی گردش سوسیالیستی و دیگر گزین سوسیالیستی صناعع مستی و صنعتی بازگشایی سرمایه داری ... این تعباره تحکیم اتحاد کارگری د هنمان است . در غیرها پنجه را این اتحاد در خطروه انسی گشیختی خواهد بود " . بخلافه ، مانع این نظریه را که نیویورک دهندا مان یعنی در گزینی سوسیالیستی آماده بیستدرگرد . در طی زمستان ۱۲۴۱ تا ربع اول سال ۱۲۵۵ میلیونه هنمان فتوی میانه حال فتوی انسه خود ره سازمانه اند کنیز اتوبو ها رخاسته در این اتحاد کارگری خواهد شد . همین بود که مانع آنرا " برخاست سوسیالیستی در روستا چین " نوشته ای از مانو با همین عنوان (خواست) خواست .

مالیات مازده ساریزی و رویزونیسم و حیثیت نیگ به پیش

سال ۱۲۵۵ اسالیست که رویزونیست های خوشبختی ، که داشته مان پس از درگذشت استالین تمام ارگان های حزب کمیسیون و دیلات اتحاد جما هنریشی را در دست خود فضله گردید و اکنون وضع خود را محکم می شمردند ، کارزار و سیع خود را رسانیده مارکسیم . لیمیم و استلاپ بیرونی در کنگره میست حزب کمیسیون اتحاد شوروی آغاز کردند . دشام و تهیت های گهی تیرانه بسته استالین و لحن مال گردش دیانتی که تحت رهیسی مارکسیست - لینینیست استالین سوسیالیسم در شوروی باید گذاری میشدند درست کار رویزونیست های خوشبختی فوارگردن ، در همان حال ، خوشبختی دار و درست کار رویزونیست های خوشبختی فوارگردن ، در همان حال ، خوشبختی دار و دسته این اصول اساسی لینینیم را بدرا انکده اریکسون نیلیخ " هیستی سالت آمیز " میان خنها و امیریالیسم . نیلیخ راهی های هنگاری طبقاتی میان برولتاریا و میتواری در گشته های سرمایه داری و نیلیخ هنگاری سین العلی میان امریکا هنری و جیت نیلیخ و هکرانی سرجهان بود اخته وارسی دیگر راه نحریب سوسیالیسم در اتحاد شوروی و احیا سرمایه داری و نشانیل دیگنایی برولتاریا در شوروی به بکار گشته های سیزدهان د

سیاست و ادب

و فاشیستی گام گذاشت . چندی نگذشت که خروشجف و هد ستاره رسانا اعلام کردند که درین حزب و دیکتاتوری برمیثاریاد راسخان شوروی دیگر سربرده و از این بن آجیه وجود را در حزب تمام خلیق و دلتن تمام خلیق است و در سال ۱۹۴۴ نیز نامعنه اهمیات تمام و کمال سرمایه باری را مغلوب و معور اجران را زدند .

در همان سال ۱۹۲۵ در همان روزهایی که چهارمین وانعی خروشجف و دار و دسته روزنیستی و نازه افشا شد ، مائوتیه دون نوجه کمونیستهای چین را فراخواهی ماهیت اعمال و تزهای روزنیستی خروشجف و شرکا جلب کرد و طبقی نظری در ۲۴ آبان ۱۹۲۵ مشترک شد که خروشجف و دار و دسته امن " دوشیزه " برمیثاریا بیک لین و دیگری استالین " را بیک بس از دیگری بدیرافکه و از راه انقلاب اکتسبر منحصربه شدند . وی همانجا با خاطرنشان کرد که " در گزارش خروشجف به سیستم کنگره حزب کمونیست اتحاد شو . روی گفت میشود که میتوان از راه پارلمانی فدرات سپاپس را تصرف کرد ، این مدان معاشر را که سایر کشورهای مختتمه از این راه که از انقلاب اکتسبر سایزد . مخصوص اینکه این در سازند ، ایسمیم طورگلی بدیرانداخته گردید . " بدینسان مایو نقیبا از همان ابتدا به مقاصه سار و بیشتر بیش خروشجفی سرخاست و در سار عن خطرا و امداد خد لینیست خروشجفیستها هشتاد و دو آن .

سال بعد ، در آبان ۱۹۲۶ ، مالویرای شرکت درشت شریتی سایدگان اهل کمونیست و کارگری سکریت و در اعشاری شیعه روزنیستهای خروشجی و هد ستاره را در یک کشورها ، که مردم هزار اعماق این امپراتوری امپراتوری خطربروز رهگش جهان نراسد " راه سالم جوانی و تسلیم طفای راشنیون میکردند . گفت : مانند همیش مترجمین نمیگذر امپراتوری امریکا هم یک برگاندی است " اویزیمزگل خواهد شد . " مانوچند روز قبل از آن نیز طبقی معاشرت میباشد . سایر اندیشان را در مکانیک کرد که " عذر . سرگم تلاشها مترجمین درباره اینست خوکت چیخ تاریخ ، اندیشید بر باره شعله میافسریز وند و نمودید به پیروزی میباشد " و تهدید این وحشی امپراتوریستهای نیزی میباشد که بر اینها سخواهند اشت ، زمزمه " پس از رهگش جهانی اول انقلاب اکتسبر سپاپا لینستی در روسیه بیانشده ، پس از رهگش جهانی دوم در اریپای شرقی و شرق زمین انقلابیان را پیروی عیون پیشاند . جانبه " پهلوان " امپراتوریست مصمم به برآورده این رهگش جهانی سوم شد ، همچو جیز دیگر سریع احمدلار کامل سیستم سرمایه باری جهانی عینان سخواهند شد .

موقعیت گیوی مائوتیه دون بر طبقه روزنیستی خروشجی و ایستاره ای گردیده ای که حزب کمونیست چیز تحت رهبری مائوتیه در ایران را برمیش بناشاند روزنیستهای خروشجی میباشند . رهگشی تحمل سطرات خطرات اسحاقی و حد هر یکی خود را احراز کمونیست و کارگری سراسر جهان نشان داد . پاکستانی یه دفع جانباش مانکار اصلی مارکیزم - لیسمیم و انتـ . سایه پاپا لیسم برمیشند ، اهمیت زیگی سرای خدمت کارگر و خدمتیهای سراسر جهان را داشت . اهمیت آن این بود که غریم شکست سریع برمیشان را در اتحاد شوروی و سرچشیهای دیگر کشاند اند روزنیستی را جاری شدند . مردم جهان مدد که جس نوده ای ۲۰۰ میلیون

سوسیالیستی پیشین، همچنان در راه سوسیالیسم است و راین را به شوره و ایکتے
گرفتند و امر رهایی برولوتاریا و بشریت استدیدند، همچنان ارثیه گاه استوار و سیگنیتی جو
جن مرجحه از پیشاند.

تاسان ۱۳۴۱، ماشروع حزب کردیسته جمی همراه ارمنی امروز حدود حزب کار
آشامی داشتم، کسبت نسبت های راستی، احمد پیر، گلشیده داشته باشد
اسونو، و هند راهای رانی هود، روز بیرونیه های شریعه هندستان و دستور اشان
را لواه اسرافی و حاشیه شان مصرف و برآمد راسته است گفت، ولی «جی حرب خوب» خساب
شده شناس مرد، آنان سوارونه هر یار بالجاجهی مشترک در آن خود مشغله روز بیرونیست
پنهان اتفاقاً خود اور تدبیری روش خاشانی خود را رساند فتن کارگر گاهی و چشمهاي
رهای محظی در گشته های مختلف و در پیشبرده مدنی زد رست رهم آغوشی بالميرالیسم امریکا
زمینجیم گردانگن، اصرار و زیدند، آنان شناس دادند که مشترک مرد آن اصلاح ناید برند
نهادهای دنیاواری هستند که آزادهای از این دند بیطنق مفتش ای ازیش آماده شده اند، سرای
ایرانی مارکیسم، لیبیسم، سرگون سازی دینکاتری های پروندهای در گشته های میتوانند

البته، خلقه سازی سهند های آزادی خدمتا و سرمه، سازی مردم گذشتگاهی خسوب و
گاه رهای دنیاگردانگند، عرضه روز بیرونیسته سویه سازجه باش واقعیت که قدرت د ر
شیوه روز بیرونیسته چون انداد شیریزی، جنگ روز بیرونیسته افتخاره سو، خطرس گسی
آن کردیسم و انقلاب جهانی متصور میشند، درایه ایجاد که د روح روز بیرونیست جیس و
آشامی، حزب مائوتیسته ون و خبر اسر جووجه، بگو د رشق و بگو د رعرع، افسوس
ایمن را صادر کردند، پیر د هارا را بردند و افشا شیوه اعلی روز بیرونیسم معاصر روز بیرونی افشا شدند
و زندگان خطرناک روز بیرونیسته های شیریزی را تلاش کردند، مانور طی نظری در ۱۰۰ سهی
نهاده، که رئیسیتی جیس اطمینان دارند که «گنجه رهبری حرب و دولت شیریزی

شیوه روز بیرونیسته اعتصب شدند و این «سیاست روز بیرونیسته د بیرونیسته افتخاره دند»،
و ایکتے شیوه عالمی های روز بیرونیسم، این ایکتے زمانه داشت اند این د رجهه ایان
نیابت مارکیسم، نیکیم میارت سایه برآمدند، نیزه های مردم بین المذاهب هزارا
کردند، انقلاب جهانی سراسر ای ای روز بیرونی دست میآمدند باشد.

بروی ارلد رسال ۱۳۴۱، حرب کردیسته جیس اسلامی و زیرنظارت مائو
حرض علی سوک خود را در افشار روز بیرونیسم متصوره از دسته های روز بیرونیسته حاکم
جزای گویانگون آغاز گردند، پن اواپن سالنیان ۱۳۴۰، حرب کردیسته جیس دسررات
مدد دند که در ره و افشا شیوه اخراج اسد مارکیسمی د آرود سنه های روز بیرونیسته حاکم
اجزا شیریزی، فراسته، اینالبا، زاین، ای ایا نه منحده، حمده رضوه مسخر گردند و در آنها
سمل مرد احتلال را تخلیه دهنی توصیح، از د در مصروفه ای ای کردیسته از اندلسیون
یا ای سهاد، د راین سیان، مشارکیون ایت نولویگن و سیاسی همه جایه و منصب حزب
ریسته جیس روز بیرونیسته ای حرب ایشانی ایکه شما می داشت اساسی د ویان مارک رسرا

لپه بمقایص روابط دولتی و اجتماعی و حقوقی عدیه‌دانی کهنه نمی‌شود. متنسای این تقدیر عقل این بود که در چن سویاالیسم زیاده از احمد رشد کرد و داکون سایه برگشت و سرمهایه را از داده دارد.

مانند رهمن زمان ساد رستی وضه مارکسبستی بودن این تزهار ایجاد آور شد و در

امتداد ۲۲۵ اثر معمول خود درباره راه حل صلح نخانه های درون خلق "راسرا" پاسخگوئی به مسائل طرح شده بعی جدید را حل‌گلاب سویاالیستی چن انتشار دارد. مانع در این اثرباره ای خاطرشنان ساخت که: "در چن، اگرچه تحول سویاالیستی در میان مالکیت اساساً اقسام یافته... ولی بظایای طبقات سرگون شده مالکان ارضی وکبراء- ریوه‌ها هنوز موجود نیست، عدیه‌دانی هنوز رحالت خود را درحال تحول است" از ابرویستوان ساره‌ی طبقاتی را فیله یافته شفی کرد، بلکه بالعكس: مالکیت عده‌شنانی سین برویلتراریا بیزیواری، ساره‌ی طبقاتی سین سروهای سیاسی گویان و ساره‌ی طبقاتی سین برویلتراریا و عدیه‌دانی در زمین ایده تولیویک هوس‌ساره ای طبلانی و بجهد خواهند بود و حقیقت گاه سیار حدت خواهد یافت. "لذا" این مطلع که کدام برویز مشدید، سویاالیستیم یا سرمایه داری، هموزرا تعلماً حکم شده است تا مدعی پسان مالکیت عده‌شنانی برویزیست را که گویا ساره‌ی طبقاتی پس از تحول سویاالیستی در زمین ایده مالکیت و مسائل زندگی ازین صورت - مفاطمه ای که در آن‌زمان توسط روبرویستهای خوشچشمی بیز و سیما شانع شده و تزهاری ضد لشیم خود را راجع به دویلت و خوب برایان آن شد و من میگردید - گیاره بصری‌داره گردید.

در واقع در همان سال، مطلع پور اند ای از سوی عنایم راست برویزیاری سر علیه ساختن سویاالیسم و دیگران تیری برویلتراریا، بروطیه برویزیستی و تجمعیت حزب کویست، خط مشی عمومی و سیاست‌های حزب را گرفت، که بر طیه خود هستش شد، ای وحدت‌ها و مشاهرا و سیمی را در زمین ایده تولیویکی و سیاسی سراجیخت. این راست‌های برویزیاری عده‌ای از روشنگران و خاصه‌ست راست مخالف فرهنگی، آموزشی، علمی و فنی را تشکیل مده اند، که مدیوحانه در رابرتعییرات سویاالیستی و تحدیت ایده تولیویکی خود معاویه می‌کنند و شلا مطرح مده اشتد که گویا مالکی اصلی "کارشناس" بودن است و کویستی و کیانی که به راه سویاالیستی موس هستند ملکه این "کارشناسان" و کیانی که تحد حوده ای در میانه عادی کاره اند هستند که با پر همی کار را بدست گیرند. این راست‌های برویزیاری ایکه از سوی روبرویست‌ها و عامل برویزیاری در درون حزب جوی لیو شانجه میزد حمایت فراگرفته و گستاخی هاشان تشوییح می‌شوند راستی را یا یعنی اجتماعی دارند متنده روبرویستی لیو شانجه و در این سنته های طبیعته ند و توسط این دارند سنته مدنون ایزاری سر علیه برویلتراریا و سویاالیسم و سرای احیای سرمایه داری گلار معرفتند مانع در همان ریاض طنی طنی در گیره اس کسری حزب کویست جس در ساره‌ی کارشناسدا نی به خطرانه امات و محتواه تعلیلات این دسته از روشنگران راست و برویزیست اشاره کرد، هنند از داد که آنها "دویلت ما، یعنی دیگران تیری برویلتراریاران دست نه ارد و هم

جامده کهن را میخورد . آن هر زمان که فرعش پیدا کرد و قصه سرگیون کرن حزب کمپیست و احیای چین کهن کرد . « مانو همچند در همن طبق مهم خود به ماهیت اقدامات و خط رویز بیویستها ، که سیاسی رشد نولید پیشمرد علی و فتنی بسازدی طبقاتی سرعتی سوزی و ازی را داشتند که این کاره دشمنی و تخصیصی هری امور ابد است فناصر است و خند سوسایلیست می سپردند این راه اختر شان کرد که روز بیویستها غافل های میان سوسایلیسم و سرمایه داری ، میان نیکان - تیری برویتار باور بگذارند سوزی و ازی را اسلامیکند . آنچه آن را در مردمه هندرانش را نه مش سوسایلیست بلکه شی سرمایه داری است . »

در سال ۱۴۲۷ ، مائیوس پایی جمعیندی از تحریر ناگفته نداشت آمد و در سال هشتاد و هشت ساختمان خط مشی عمومی « حرکت ساختام شروع ، هدف گیری بالا و درست یافتنی به نتایج بیشتر ، سریعتر ، بینهای و باصره دستور ساختام ساخت همان سوسایلیسم را طرح کرد و حزب تحت رهبری مانو « جهش سریع به پیش در ساختام سوسایلیسم و جنت شوده ای برای ایجاد گوشیان خلو که شکل غالبی از مانع جمعی سوسایلیست داردستا - های چین بیانند ای اسلامیکرد . همین مانیدر همس سال پنجم رئیسه سیاست هائی برای رشد همه جایه ، ممتازی و سریع افتخار می زیریند ای عوی « راه رفت مزوی دنیا » - به معنای رشد هر زمان صنایع و کشاورزی ، صنایع مرکزی و صنایع ناچاهه ای ، صنایع سریع و متوجه و گوجک ، صنایع منگین و صنایع سبک ، بکار ره هر زمان ریشهای تولید نوبن و ریشهای تولید میوی و غیره - شخی و ریشه - که مانع رهیله کرد و این رهیله ها وسایر رهیله هایی که مانو طلب این سالها (از ۱۴۲۵ سعد) طرح کرد هه تهای اوضاع و شرایط خاص ساختام سوسایلیسم در چین میخواند بلکه در خود شکل برویں راه رشیزی و تزهای لبس و استالیس راجع به ساختام سوسایلیسم حمل میگرد .

وی پیشروی چیزی را میسایلیسم و جنت شوده ای برای ایجاد گوشیان خلق در برستا های رجه ای که یامیگرد مخالفت و تلاش خد اغلان عاصم است بینهای او نهاد میگشت ای از حرب و دلایل برگزینیه خود براگشیت . راست های سوزی و این عاصم فرستاد طلب درین هر سایه سود جویی ای پیکر پقدار شوارهای پیش آمد « در طرقی « جهش سریع به پیش » ، دشوارهایی که همیشه در آغاز هر ایام سریع و اغلان - جهش وار - پیش میباشد ، و همچینی سایه استاده ای خراکارهای روز بیویستهای خوشیشی در اقتصاد چین و سه سال مبتلا شد ای چین به لایاب غیبی سرتلذخ خود حبیت تعییر خط مشی عوی حزب افزوید . آن ها سریشترینهای سهی که سریع نیزه و اختراقات و اقدامات در این زمان صورت گرفته بودند چشم فریسته ، شکلات و سارمانیها را بزرگ شرایع جلد و راهه و ایجاد گوشیان خلو و تحولات جدیده - صنایع و کشاورزی - چن مخالفت می شریزدند ، برغم آن گروه همچنین آن صحت ها راجع به سارمن طبقاتی و اقدامات آن سوزی های و ماضی در سراسر این اتفاقات اقتصادی چین بوده و ریشه ایسته صراحتا این ایام اینسته ایست - حال بروی ندارد که افرادی نویشه به عرض خود سرمایه - ای صیرت گمپرس

سالهای انقلاب فرهنگی پرولتاژی

بریانچو این تحلیل های پیشنهاد مانو جمیش تحریث سوسیالیستی در شهر و روستا، عنوان شیوه ای برای مطالعه با خطر و بیرونیسم و مارزه باشون اید نولزکی و فرهنگی سیزدهم و شیوه آنها، تعت رهبری حزب کمونیست چن آغاز گردید . جمیش تحریث سیالیستی مارزه ای بود طبقاتی در شام عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کار سازمانی حزب و دولت و آموزش طبقاتی نوده های مردم و نیز تجدید به تحریث رشتکران را در نظر می داشت . در طی آن سخت های بزرگی در زمینه های فلسفه، اقتصاد سیاسی، نا ریخ، هنرداری بهایت و غیره نیز، که بارناس از مارزه اید نولزکی میان مارکسیستها و روزیرویستها، عاصم پرولتاری و مدنی و اندی سود، در مطبوعات چین و در روزنامه های دیواری در گرفت و تعدادی از فیلمها و سایش هایی که عرضه میشد ساد استقرار گرفته شدند، مانو در همین زمان شحصا وارد سخت راجع به آثار ادبی - هنری شد و ارجاعه در سارهون شعبان ادبی و هنری تحت کنترل روزیرویست ها، که مورد حمایت لیوشانلوچی بودند، گفت که آنها " ناچال تحت حکومت " مرد گان " بوده اند "، و همین خبر در ارتخاء های فرهنگی و سبد اشت را سینما عاظم روزشان از نوده های وسیع مردم و نیازمند بیان ساد استقاده کرد . در جریان این حین، لیوشانلوچی یگرمه اینکه ارظاعات حرب و دولتی را درست راهنمایی و از خط شی دیگری، از خط منع روی روزیرویستی « پهلوی میکردند » مانو چند سال بعد در زمان اوح انقلاب فرهنگی پرولتاژی چین - ملاس برپارند وضع در کارخانه یعنی سالهای قل از انقلاب فرهنگی پرولتاژی چین - ملاس برپارند وضع در کارخانه ها گفت : بنابراین شاهد اند من، میتوسم که درست اکثریت از کارخانجات - مظالم همها با اکثریت قاطع نیست - رهبری درست مارکسیست های رافضی و تبدیل های کارگر را بود ، نه ایکه اشخاص خوبی در رهبری کارخانجات نبودند ، بودند ... ولی از آن شی لیوشانلوچی پهلوی میکردند . فقط به اینگریز مادی بناه میآورد - سود را در فرمای هی قرار میدارد ، و بجای سالاری مفام سیاست پرولتاژی می توزیع باد اش و عیار می برد اختند .

در همان سال ۱۹۴۳، پالنگنکه های متعددی در اشای روزیرویسم مذاصر ارزیابی از اقدام خد مارکسیست دارند مبنی روزیرویستی رهبری حرب و دیانت شنیده روی سیزدهم آورد ، او متوجه شد که " بعد روز ریuben روزیرویسم معمای مددت رسیده سیزدهم ایست " و آنچه اکنون در اتحاد شوروی اعمال میشود ریکتاتوری پرولتاژیا نسیده اد پیکنکیتی سیزدهم ایست، عین گفته مایلیک از مصالحه ۲۱ آرد یهشت ۱۹۴۳ او میانه چن ایست ؟ اکنون در اتحاد شوروی ریکنکنکیتی سیزدهم ایست میشود و ریکنکنکیتی سیزدهم ایست سریک ، ریکنکنکیتی سیزدهم ایست ایتما ، ریکنکنکیتی سیزدهم هست . " اکنون ریگر را اعیان

صحت این دایری مانور از رسانید ماهیت علماتی و طرز عمل حکمت روز بیوپست ها در اتحاد شوروی شان را دارد است. مانور آن زمان ارگیسترا جمیع نهایح خطرناک ها-
صله از روی کارآمد روز بیوپست ها در اتحاد شوروی مود جهان راه حفظ هشماری
بود فراموشاند از دست دیگر سوی از وضع جس روزه اند ماجمه آمیزی در اتحاد شوروی
در سهای لازمه رابرای جلیگوی از سکاراش در چن اخذ میکرد . مانور رهای سالها
باتوجه به نایح شیوه حکمت روز بیوپست در شیوه از یکسو پنهان و تشریش نعمالت
راست ها روز بیوپست های خودی در چین ارسوی دیگریه گوپست های چین و نیامی
حزب هشت ارد ارد که اگر مازده طبقاتی و دیکتاتوری برولشاریار است فراموشی سبزه
و سه خط روز بیوپست دیگر بیوپست های خودی خواهد پانده که " حزب مارکیست
لیستی بدین شک بیک حزب روز بیوپستی با بیک حزب ناشیست مدل خواهد گشت و
 تمام چین رنگ خود را عوض خواهد گرد . رهای خواستم مگر گهیه زمع چقدر خطرناک خواه
هد شد " *

در چین شرایطی بود که مانور رسال ۱۲۴۲ لئو شیره چون جنگ شریعت بود .
سالیستی راستیهاسته گریه روز بیوپستی درین حزب گرد و صراحتاً اعلام را داشت :
" آماج عدد علی جنتن کوئی حساسان طور اند درین حزب گه سرمایه ای در بیش
زیسته اند میانند " *

جنگ این دنره وحدت های وضع رهایی که در گفت و سیز دعوت اخیر به گز
مانور را غافل نه از حرکت ها و خبر شهای اخلاقی چون اسایه ای بود که گست از دو سال
بعد بنام انقلاب بزرگ فرهنگی برولشاریائی برای افتخار و اگر شبا حرقه ای میخواست
که نا آتششان آغاز گردد .

در آیا ۱۲۴۴ و نوامبر ۱۹۶۵ ، مانور یا استناد از سایشانه ای راسام
های زیوی از مقام غزل شد " ، که معاشر شهید اریک آرابیسته بید ، بیاناخت .
بیوپسته در سایشانه صریح رهبر دهن یک نشیبه تاریخی وضع عزل بین نه - هوله روز بیوپ
ر فاع سایه جن را ، که " ای سایشانش ما خط مش عیوب حرب ر حراکاری " جنتن
زیسته بیشتر و تشکیل کیم های حل از مقام عزل شده بید ، بیش کشیده در ساره آن
مانور واقع ام درست گفتگوی حرب ر امید خطه قرار بید . در استفاده سایشانه
مردمی فرامانه ای سوشه شده و سایه اشاره آشیان شد ، نیش گفتگوی حیس شهر پک که
بعد ظارت و گسترش نیوشا اوجی بید از جایی از اشاره ای مطالعه گه روز بیوپست های پک
حیزکوی گرد . در این رعن مانور تھاصمانه ارگفت راهی شاشهای مشهود و آواره آسا
نه جای سرمهان . درین آن مرگ ۲۶ آوریل سیست سال ۱۲۴۵ ، کمیته مرکزی حزب گمود
ست چین سارا همانی و زیرنظر مانو مخفامان معرفت خود را اعاده ریکنده که در آن سه
زهود " عابده گا بیوپزایی گه سه روز حزب حکمت ، ارمنی یعنی عرقه های فرهنگ
حرمه ای " اشاره شده ر توجه حرب سه هزار استناده و نفع آن از زدیدن با استفاده
نشان بیعاصب ر گز ، طلب شده است . در سایشانه اشاره ای اعدام مبتور که آشان

سراسار می راجست از این دو و بمناسبتی بروشناخته های شناختی خودواری تئه بیل
خواهند گرد . در مذکور شده تمامی حزب و رسانه و حوزه ای شد احمدی از فناش خروشید
.. که همراه شنیده باشد . اند بیان داشته شده است . نتایج دو بحث شماش
میشون . که در این غیر از مردم اتفاقاً خصم مرهمگی چنین بود . متن گفته اصلی و سیاست
دان اساس اخلاق و هشگی نهیں و سراوی پیشورد آن که نیست این در دربرگشتن سرگشتهای
حرس پس از آن گذشت . اخلاق مرهمگی تمسیح میشود . بیان گذشت مرگی حرث نیز همبار و
خر قدرات هی ماشی هرب دو مردم را اند اخلاق مرهمگی بخوب میگزد .

حش ایست از این اشیاه یک آغاز شده و محنت . درین ایام داداری و پیاسخ شست
بد عورت گذشت مرگی حرث بالا رفته . درین آن حزکت نود دان رسیعی . راجحا و خرس
چند چنعت از رس افسر گذشت پامیشش . یعنی در زمانه شاه دیباری و ش helyan و سیع دو
آمده اند از آن گذشتی سخنواری . مهران و اعمال رویزدیست در مردم سات آمریشی . هسری
. مس سویمهای آن که نیشی دی و ساپر . آزمایشی از گذشتی را شد و از خواست نود ای ارگان
ها و رهه ایس که از این اخلاق را دیده اند . گذشتی . پنهانی و مروگر اتمی گذشتی
درود و پیاسخ رویزدیستی و اخلاق را در عرائض خوشی داده اند . میزدند این دین خبرمیت
باشد . در این زمان گروههای پیشناه ارخوانان ساده باده ایان سرخ (پا . قولی) کارهای
مزدهی ساختند . میگزد این اخلاق همچنان که ایشان بخوبی به خلاص ساختند .

د از زد سختی ایله . ایشان رسانی کار و آشنا که ایشان گذشتی حزکت نوده ای مر .
دو ز رانقان روانیه بر اینهای از جویزیتیم و سایده کان آن بروجش اند و داشته در رهمن
ش ای کارتابه پیاره داده است . از مقامهای نهی خودیس کرد . حش نوده ای سر -
حاستند . لبیک ایشان شخصاً دسترسی رکزد . دستاخیانی ایشان بکن را اداره میکند .
. سان آن مانو مویون میشود که ماحب اکثریت کی داشته اند . گذشتی مرگی حرث در
درود از سال ۱۴۵ خلیلی حزکت داده است . این سرگزش ایلی بیویشانی دارآمد و دو رس ایز
باز از نویش اش " فرار ۱۶ ماده ای " مسروك گذشتی هرگز حرث را در رسانه ای اخلاقی
بگزی برگذشتارهایی چنین متدویب رساند . در فرار ۱۷ مادرانی اخلاق راضیه مرهمگی
. رذشارهایی چنی بخوان آنار " مرخف سوس " در اخلاق موسیمالیتی خیز بخواهی
خلاق عصیانی که " دوح روان اسماهان ایشان مید هد " بمریض شده است . همه چیز در
فرار سامده دلگذی میشود که " اخلاق عین مرده گزی " رذشارهایی بخود میگذشتی برای
نشد و نکامل سیورهای مرده در احتمالی کشید " سود و درمانی موسیمالیتیم " درین تئی الکتی
. از این اخلاق ناید و داشته ایشان . مه ایشان شکاگزد . آنرا چهراسته
برگذشت و به استکار ایشان ایح سهاد . باید گذاش ناید و ها خود را آغوش دهد و خود

مشتیش اصلی سعاد . عصیان مرهمگی برگزارهایی چنی ماید همین ابعاد است .

و تعیین دستاوردهای انقلاب فرهنگی سنتامی مراجح حزب داد و لیست سلطنت را داشت، اما در این بود که حزب رکنیت ساجدی انتشاری مسئلیتی جنگلشی هر یعنی هر یعنی آماده گردیده جانشینی نسل انقلابیان انقلابیان برولتاری پاسخی ماسب نداشت، مانو خود در سال ۱۲۴۲ در سر شماری در سهای تاریخی طهدی روزیگریم در پیش روی (متحده هر هزاری) گویند که کاذب خوشبختی و در سهای تاریخی آن رای جهان^۳) از حله ناکنده گردید که "سای خصمین اینکه حزب رکنیت مارکت خود را عرض نکند، مایا به نه تنها صلح و میاستهای صحیحی داشته باشیم لئکه مایا به میتوسها جانشین که امراض انقلاب برولتاری را داشته خواهد دارد" - بیت و آماده سازیم.^۴ مانو همچنین در رجایی متذکر شده بود که "جانشین امراض اعلایی برولتاریا در جهان مبارزات نموده ای پدیده آمده و در رفاهیان بزرگ انقلاب آمد پدیده می شوند".^۵ اگر انقلاب عظیم فرهنگی برولتاریائی چنین جهان مبارزاتی و چنین عوام میتواند بود، ولذا کوشنر آگاهانه برای سرگشیدن و ایجاد زمینی ماسب جهت استقال شعار و آموغه های نسل انقلابیان کهین به نسل انقلابیان حوان اهیت خاصی میافتد.

مرحله ای سرگون ساختن مراجع روزنیگریستی در درس اسرائیل از زمان قیام شاگردان تشکیل کتبه های انقلابی درست و مین جهان در شهریور سال ۱۲۴۸ (سبتمبر ۱۹۶۹) شدت پیکال و سه ماه طول انجامید. غنی این مدت مبارزات طلاقی شدید و قزوں العاده فخریجی، که در خلال آنها شناور میان دوست و دشمن با گفتگون مانو آیین اشخاص مرتب استانهای آپه بولیزیک با اشخاص که خدار بین ما و آشیانه ای خدار های بین ما و دشمن است^۶ سخت تغیر اراده نداشت، در همه حاره رگفت. سویه در رناستان سال ۱۲۴۶ و سهارسال ۱۲۴۷ جهانهای راست و "جب" امراضی گرد و رخاکهای عظیم شاگرد شد و حشی کوشهیدند تا این ایجتنم سختی از مردم سرطانی بخشنود بگردید که اینها امراض را باشکست مواجه سازند. این توطئه ها و غرفه ایکیها سریعه در میان اشخوبیان و کارگران باشند، در این سی مانو طبقه کارگر را افراد احراء که رامان رهبری گهه امور امور است شیر و و بد نیال آن نخستین گروههای کارگران کارخانه ای دارند و میتوانند این را اشغال به و تمام عراگری که ریشه کارگران خسرو را استندند و رمام امور را استندند.

بالهای کتبه های انتقامی درس اسریجن، وظیفه تحکیم آنها و اسام و ظایی که مانو مرحله "مارزه - استفاده - اصلاح" نامیده بود را سخن کار فرار گرفت. مثلا در مرید جنگلشی انجام وظایف این مرحله در بیان مانو چنین گفت: "شکننند که کمبئی اعلایی هدایت یک، برای این اخشن استفاده و تفعیج نموده ای، پاک کردن صدوف علاقه ای، تحکیم سارمان حرس و ساده گردیده را میگاهند ای اوری، تفسیر قواند و معمرات ساده گول و فرستاده کارگران اداری به مطبای کار". صبا سیاستهای نیکی هر زد ریز منعه چنگلشی سرحدود به ریشه کران بروزیده کادر رهاییکه خطأ گردیده بودند این خود سه رانی بروهای و فرهنگیان بروزداشته توسط مانو شدند که خسرو کی "شند به شریعت" و در آمریش آنها را از حمکشان دور نظر فوار نداشتند. مانو مخالف آن بود که همه اشخاص رای هسته کارگر از اینه نمودند و آنکه از شرکت اش در اعلای سوسیالیستی و ساختهای سوسیالیسم حمیگری نداشتند. سلکه -

سطر مانو» سایه از طبقی تربیت به افراد گشته کرد و دامنه حله رانگ گردید.^{۱۰}

در فروردین ماه ۱۳۴۸، نهمن کنگره حزب کمونیست چین به بروز مرد امیرگزار شد و در آن تجربیات انقلاب فرهنگی برپا شد. یکتاپری، برپا شد، که انقلاب فرهنگی برپا شد و نظرات ماقوشه در راجح به ادامه انقلاب تبدیل پکنگی برپا شد. این اتفاق راهنمای حزب و نکامل نویس در مارکسیسم - نهیم عرضه گشت. در آن بود، بعنوان راهنمای حزب و نکامل نویس در مارکسیسم - نهیم عرضه گشت. در اساسی حزب صوب سهمی کنگره کشوری حزب کمونیست چین در اشاره به تضادها و مازه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی و خطرا احیا سرمایه را از داخل و تنه پد و خواز امیرپالیس از خارج میخوایم؟ این تضادها میتواند با انتقام از شوری مارکسیستی انقلاب مدوم و برای تک تحتمت هدایت آن حل شود.^{۱۱}

شوری ادامه انقلاب تحتمت پکنگی برپا شد. یکتاپری برپا شد، که بر اساس تحلیل رفیق مانو از تضادها و مازه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی، جمهوری اسلامی ادامه ساره طبقاتی در دیوان گذار و خطرا احیا سرمایه را طرح نمود. سهیمی آن بود که مسئله خود را در شعبانی در شعبانی دیوان گذار از جامعه سرمایه را دری به جامعه سی-طبقاتی کوییستی ملل اسلامی است و اینکه برپا شد. این تضادها بین شوری اندیلانی و تحکیم فرهنگی خود در تمام عرصه های جامعه از جمله در روزنامه هدایت سیاسی و سلطه و تحکیم فرهنگی خود می ازدیکی گذار از جامعه طبقاتی سرمایه را ری به جامعه می اشد. این شوری صراحتاً طرح می ازدیکی گذار که در روزنامه هدایت اندیلانی این معنا که دنگنی-سی انقلابی روابط تولیدی و اجتماعی کهنه به روابط تولیدی و اجتماعی سو و همراه با آن-که-گویی انقلابی همچنین زمینه های رسانی که در حد توزیع ایجاد می شون تاریخی این فرایند است، بلکه همچنین درین معنا که این دنگنی-سی خود شوام باشد چه که حرکت انقلابی توده ای است. فقط بضریت اصلاحات صیرت گرفته رهبر محله از نکامل خود پیامده است. همچنان به پیش و حل تضادها طبقاتی و استفاده و طرد بقاها و مواربت حامیانی که پس شوری اندیلانی و توزیع ای مزموم سیاست بدین معنی تاریخی فرمول «انقلاب کیمی و تولید را به پیش رانید» را طرح کرد، که در آن مشخصاً بر ضریب ادامه انقلاب سیا لیستی جهت تعطیلی را در منابع تولیدی سارشید سرو های مولده عن جامعه تاکید شده است.

انقلاب عظیم فرهنگی برپا شد. یکتاپری که شوط شخون مانو آغاز و تا پیروزی سیاست رهبری گردید تحتم علی شخون ادامه انقلاب سوسیالیستی در تحت پکنگی برپا شد. ریا بود و سوئیتی بر جسته ای از شکل و شیوه ای این اجرام آزاد است می بود. ما تصور همان اول انقلاب فرهنگی و درین ماه میان ۱۳۴۵ (فروردین ۱۹۶۷) و ۱۳۴۶ (خرداد ۱۹۶۸) این اهداف این شکل و شیوه بود. یکتاپری می تجربیات گذشتند گفت: ما را که شسته در روزنامه اند کارخانه های سیاست و معاشر فرهنگی دست سماره را در بخش تربیت سوسیالیستی برداختیم. ولی سلسله لا پس از ماند، زیرا اما میگذرد و شیوه ای بده اگر چه که دو سیاست آن سوابم توءه های دوستی

لیمه، این این شش و پنجم مصوب دست امداد بود و اس همان آنقدر برخی هر دوست
رباشه بود، ساراگخش میتوسها توههای کارگری و زحمتکش جیب سای امداد اندی
ظرف از خود، انداد، افتاد، در راه اند اعشن بجههای سرمه، کارگری و دوسته های دیواری
و راهنمایی آنها که خود حیر را از ساخت، مارکیسم را از روزبردیسم، شناخته دارد و سر
علمه امندادات روزبردیست، سوی ریکانیسم و مرادسوس که نرساند سخنی را سخط شدگان
جیرو اشتغال دسته اند صادر کند، در این حربیان آنها هم سپاس خود را املا برداشتند
تفصیل جامعه بدست خود حربیش را میز از پیش این شد ها گزند است.

درینی خان مالو، همان زمان مطرح کرد که اغلب مرهگن گوش همه
جیز سکاره حل خواهد شد و هر چند سال پکتارها سرمه اندس جیب افلامی سیامی
خواهد انداد، دسته اندو سلسله بیرونی نهایت سرمه اندس را بد بیوری اغلب در هیا
نهانی مرسوط گردید در پانزده ۱۳۴۷ و اکتبر ۱۹۶۸ آمدند گردند؛ با هم بیوری بزرگی، داشتند
آمدند ایم ولی چند مطلب پاره هم بدست و پاره سیامی مدرسانه خواهد بود احمد، اس
در راه هنوز همچنان این طبقه هنر سرجون است، از پیش ما نمیتوانیم از بیوری سیامی
نهاد بر کشم، حتی تا اینجا سال دیگرهم سمت اس ایم صحبت کیم، از بد کاه لسیم
بیوری سیامی پاک گشته سلسله ایستی نه تنها سترم گردنیست، از پروتشاریا و توده های
و پیچه هردم آن گذشت اند سکه به بیوری اغلب همای و همچین به سوی نظام بیوری متشو
مرد از فرد در سراسر گرفت زین که به آزاد شدن تمام بشریت سحر مشوره، نیز وابسته
است، لذا اگر این مهداد، بیوری سیامی اندلاع گشتمان صحبت شود، ناد رست و مختار
مالیتیم است و سارانه هم وفق ندارد.

در حربیان اندلاع عظیم فرهنگی پروتشاریا اید شولزیکی جامعه
تعولا شد امداد ای روزی داد، اد سیات و هنر برتری رواج گرفتند و در مقابل آثار اندس
و هنری بیوری ایشان که ارتدگی و صاریعه زحمتکشان جدا اندوز راحی سرگزیدن فیبر سیام
خود از سیام نزد های رسم ستابش شخصیت های بیوری از سخایا، احلاقیات و عراحتی،
ماهیت اند نزد های بیوری ای بیوری ای و خرد بیوری ای میرد اختند، تحریدی بیس رامده است
آرمان پروتشاریا و وظیفه ساختن انسان نوی سیامیست میرند و از تکاری راه ایشان
هنری بزرگ گردد و تا هم آنود سالنهای داریانی؛ پاکسازی و اشتبانه توهیم آمیزیم ر
که دنیاد ایها و درباریان جمیں کم انداده میگردند، هیله از اشتار پیشین خود انداده
برهگی جامعه و تحویل تعییرات زیری شد و امکان وعاء ای بیوری ای کاره گیری را نشکن.
آن و از جمله کارگران سدانه همی و من از معاشرت و در آمیزش ساکارگران و دهقانان و
آمیزش ای تحریفات نیزه ها و درین حال برس آنچه های خود ایمان نزد های و نزد های
ای کردن آیها، همه ضریعه سخت خودند.

در همین زمان موسسات آموزشی برآسیان این آموزش مانو که تعلیم و ترمیم
ساید نه سیاست پروتشاریا خد سه کرد و ساکار نزدیکی ترتیب شود، و جار بشد تحبس

المخلص شدند . اینکه انتخاب نمودند که برای پیروز مرزبان رژیم انتگرال شمیر و دو بیویسات آمریش و راهنمایی شده بجهت روش ترکیب آموزش ساکار تولیدی و رفاقت محصلی و عاصم رزند . همچنان سرای کاره رکاراد احداث راهنمای و زندگانی و آموزش امنیت و همچو شرکت فعال در مبارزه با طبقاتی و استفانه و مبارزه بر عینه سازمانی و دیگر بیویسات امنیت مرزی علیاً خود اتفاق نداشت . مالو در در همود ۱۳۷۳ پیشنهاد دادند که ممکن است مارسنه رفتش سایه کنند اند شدود تعقیب ره ترسیمه ، اید اتفاقی نیز دادند . پیگرد آنند و مبارزه برسانگران یعنی برش ایام و راه اشکه های این تحمل شدید . پسند از نسلگر جامعه میتوانند منشی و پایه اند کارگران منی ای اری و شیره گفتند مادرساید هد سرخ رهم کاره ای داشتند . همچو راه ایامی ال گام سرمه ایاد و همچنان کاره ایام میتوانند اینمی را مبارزه و دیگر خود سهاره گردند . بعد این میتوانند راه ایام اختیار نداشند قراره هد و درین حالت از نظرات و تحریرهای باغی میتوانند که پیراگه هنر نداشند . های برای ارتقا سطح مهارت و فن سرپاسی ایستی بجهه تگزی گند .

اشلاق فرهنگی را پیره احتن سفره هنگ و خن و خوی مامعده و سایر ایام ختنس افتخاره به نفس و اشتکار عفن ندوه ها و بند ارساری بند ایام طبقاتی رنجهران و ساره و نجفی قدر نیزه ایام بجز بیویسات این ختنش دشمن رزیز بیویسات در اعلو نیاید چو سارمان نویندی کوافت . در تیخته همکاری سرمه یکی میان کارگران . کار رهان جون و کارگران منی و اند ایام سرمه ایام دندانه ایام کارگران ندوه پیره این ایام رکارگران ایام کارگران ندوه ندان رکت کرده و فرازد و مقررات گهیه و رامد فعل حذف شدند . دندانه ایام کارگران ندوه و کارگران سیالیستی و شیر و شرق ندوه های برای ایام سارمان سرپاسی ایام بجهه شاهزاده کارگران .

بهترین گنے ایام اقلاب فرهنگی بروزتارهایی ایام ایام سیگردن کردن روی ایام مکرری و اید شورنیزیکی جامد . رحمتگران چین را به رطبه ایام تقدیر ایام خود در تعبین سریزدشت خامسند سرپاسی ایستی بیه (رمز و آگاهش ساخته) . ایام شیره ایام بجز بیویسات را بیان ندوه های سیبیوس سرمه نای سمتقاته شرکه ایام مارکیسم راستی را ای مارکیسم ندوه بیویسات ایام شیره کارگران ندوه ایام سارمان ایام ندان شاهزاده کارگران ندوه های دهدان نکشاند شاهزاده کارگران بباهاه طبقه خود را پکشانندی خود در ایام ایام بمعنی سطحی بع اعمال گند و سا هر دستیاری و آگاهن بیشتری در سارمان رزیز بیویسات و دارند شد های ندانگاری جون خویزشجف و همد سناش رزیز بیویسات .

عملاره ایمار حسره هم ایخدا در هشتم رجیس ناشنگنکار . همه خواهیگی ندر ملیا مده بیان را شد و ایمداده کنن و گیعنی جنس مارکیستی - سیمیستی را در هند گذاشتند که این روزه بیویسات مدادر صریحه محسن گردند و بیویسات روزه بیویسات را بیش از بیش در پیش بیماری می اشتاره ایست . غلاره بر گردیدندندی . ندوه بیویسات ایام ریسمی ایام ریسمی ایام . جنبه ای رهانیت خود را رازها . آفریدن و آفریدن کارگران لاش سه چین ندوه ای ره جیس که از درون گرفتند اندلاع غصه فرهنگی بروزتارهایی بیویسات آنها بیویسات را مخدش خودا گرفتندند ره ره جند رجیس گردید ایتمام بخشن ایام شد . ایتمانه همچنان ره ایام جس ندوه ای ره مارکیسم . سیمیستی - سیمیستی ره ایام ره ایام ره ایام ره ایام ره ایام .

در جریان انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی، حزب کمونیست چین سرهنگی مالی
با بیان پیشتر دو عدد ایت جنبش عظیم انقلابی در جن مارکس انقلاب اعیان عظیم را ایجاد
علیه روپرتوسیم معاصر سرکردگی دارد و سنه روپرتوسیت شوروی در مقیام اجهای ملی
سرد و رهبری کرد، در آن زمان دارد و سنه روپرتوسیت گوگن شی خوشبود را دین شحص
خوشبود تاحد امثال یک حکومت سوسیال - فاشیستی در داخل اتحاد شوروی و اتحاد
سیاستهای سوسیال امپریالیستی در مقیاس جهانی تعیین خشیده و در راه همکاری ورقا -
بستهای امپریالیستهای آمریکایی در رهیه با کام برداشتند. روپرتوسیت گوگن شی وی در همه
جا بد اد امپریالیستها و مرتعین کشورهای گرگان رسیده از یکسو خلقهای ازدست زدن
به انقلاب برخورده افتاد و ازوی دیگر به ریشهای ارجاعی در سرگوب شفتهای استله -
س خلی کش کردند. گفتش مایوی ارود سنه روپرتوسیت اتحاد شوروی ۱۹۴۰ جاگران د
هدستان امپریالیسم اند که در سراسر سخاک افتاده اند. میرای میان سیاست زیربایه
روپرتوسیت گوگن شی وی در فال حکم عادلانه خلو و شام رو شبه شعار امپریالیسم آمریکا
شال ساری بود. خسما حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۷ ادراشاره به رضایت خمی و
پشتیایی تاریخی روپرتوسیت گوگن شی از حد نخواز کاراند آمریکا در ریتم و در
مقابل رضایت خمی و پشتیایی تاریخی امپریالیستهای آمریکایی از اشغال نظامی چکلدا -
کی غیط ارتیش شوروی، مذکور شد که گونه امپریالیسم آمریکا و روپرتوسیم شی وی هر دو
درین تقسیم مبددا جهان میان خود به تانی و رفاقت میان یک پسر خاسته و به دار است -
های کمپ سیاسی سرمیخیزند. مایوی رهیمن سالهای است که متوجه به طبقه روپرتوسیم تو -
سعه طلب و امپریالیستی در گشودنی گویی چین اتحاد شوروی و داد رنظر گرفتن سر روبه اد -
های جهانی که همه بنحوی خلقها را باشناختند اند اتحاد امپریالیستهای آمریکایی و
روپرتوسیت گوگن شی وی روپرتوسیت گوگن شی وی تاریخی بونین مارکزه سلطیه امپریالیسم
آمریکا و روپرتوسیم شی وی دیگر آغاز شده است.

اگون سا گاهو به نکامل روپرتوسیت گوگن شی وی این حکم تاریخی از
سوی مایویه دین میان این حکم سه تینیان متفق شد. بر این پیش اتحاد شوروی به
جهود امپریالیسم جهانی تضادهای میان گروههای بیان امپریالیست سازهم مشترک شد
باشد. امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شی وی که نسبت به سازهای امپریالیستی
از قدرت اقتصادی و نظامی پیشتری سرخورد ارسیده و هستند. در صحن سیاست جن العلو
هراء نایکه گر یکه نار مده آن شدند رهه تیبا و حمل دیزیهای سیطره خوبیه پیشان
سراسر جهان گسترش باشد. در هیمال مارکزی خدا امپریالیست خلقهای رهیمان جهان
در میان بعدی خود رکیار اند امات نخواز کاراند آمریکا هرچه پیشتر انتباش اند اقلال -
سو، سور جریانه و اسارتگان اتحاد شوروی روپرتوسیت گوگن امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریا -
نیم شی وی پیشتر گذا نفع خواستگر نظام سردگی امپریالیست را سرعته هرگفت و در این میان
بکه تاری و مارکزی سیطره خوباند هر دو به سراسر جهان سلطیه باشد. هنین است دنیا
بونین که دیگر آغاز شده است.

در سال ۱۴۶۹ میلادی واقعه در رججهان گشته شد از آمریکا در پیشام، به کامیون و سایر خودرویی مسلح اخراج کامیون سرطیه تجاوز آمریکا و عمال - و می آن بود . خیز نوبتی در مازاری خلفهای هد و جن بدباد آمد و سه جنگ رهائیسته و پیشام، کامیون و لاموش سرطیه تجاوز آمریکا وارد اتحاد عمل شدند . در این زمان شوری ریزبومستی سه مخالفت با جنگ عاد لاسو خلق کامیون سرخاسته باد از دست سه هاشن لان نول، که تو سط امیر بالیستهای آمریکائی و از راه پک کودتای ارتضاعی شوری کار آمد . بودند وارد همکاری شد . لیکن چن مانیسته دون از همان آغاز بد فاعل و پشتیانی همه جایه از خلق قهرمان کامیون و مازره اش سرطیه امیر بالیست آمریکا و ریزبوم پوشالی دست شاده اش سرخاسته و مالو شخصا در ۳۰ آرد پیشست ۱۴۶۹ بسیاره ای در پیغام از کامیون انتقام صادر گردید . مالو ضماد راین بسیاره رفع کی مین الطی را بطری خلاصه چنین تعریف کرد : « خطر حنک حیانی سینه همجان وجود دارد و مردم همی کشیده هاید آماد شوند . ولی امروز انقلاب روئند عده در رججهان است . » این تعریف کی در رفاقت نکار حکم بود که رفیع مالو شده دین هشتمان سفر خود به اتحاد شوروی در سال ۱۴۶۶ در طاله پاشنهای پاشیست و خاندانی ریزبوم پیشنهای خوشبختی و در از پیغام از ارضاع جهانی شد . مالو در آن هشتمان چنین گفت بود : « من معتقد که پک از مشحات ارضاع گیری جهان چیزی ساده از سردار ساخته است . » مالو نایر شریعت رشید ۱۴۶۷ شکار گردید که چنان کی ارضاع کیوسی جهان چیزی باد خارج بر سردار ساخته است . مظیر مالو در آن هشتمان از ساده خارج سویا بسیم و همه سروهای متعدد آن در مقام این حکم بکی از این مرجعین تکیده های گزینگی بود . اکنون نکار این حکم کی در سال ۱۴۶۸ اینسان مید اد که طوفون پیشتن اتحاد شوروی سه جنگ امیر بالیست جهانی و فربیانیست کی از وگاه سویا بسیم تغییری اساس دارد . روند عده در رججهان « که همانا گزین جهانی شوروی های انقلاب سروهای متعدد اخلاق جهانیست . » روی نداده است . در هماحال مالو در آن سانجاها متذکر شده بود که همه اینسته خطر وقوع جنگ جهانی سوم سز موحد است و در این مورد مایا بد از لاحاظ رواش آماده سائمه و درین حال سپاهی خدا از طبقه تعلیمی سرخورد کشید . این شکر مالو سیار در ریاضیتی مانندسته درین سر ۲۰ آرد پیشست ۱۴۶۹ شکار شد . و خدما حفظ هنیکار و آماده ساختن خود را خوانده شده است .

مانندسته درین غنی شاعر اس سانجا که ریزبومستهای شوروی رهه سناشان خدما را سپاهی خنیا اخترای آنچه حکم جهانی سوم سرانشمنه برآید این اعدامات از اخلاق گزین سرحدیده . این آمارا از وقوع حکم جهانی میتوانسته باشد . این اعدامات را نهندیده ساررا اعدامی خود . مراجعتات روز ۱۴۶۹ روزهای مرحومات ریزبومستی باد آن ری گزید که « در این میتوانسته این اعدامات از حد خدیشی میکند . » ساررا پیش باشد آمریکا اعدام میشود . دشمنی این اعدامات از حد خدیشی میکند . ساررا پیش باشد آمریکا عالم ریاضیت خدمهای رهبر حاصل میشود . گویا این اعدامات را آشنا که عصر رهایی شدیگری از وقوع سیاست خست . رهایی شدیگری انسان سارسا این اعدامات هست . باشد که امسال اس خدیشی را فراهم نداشت

مردم را در سراسر ایران می‌سازد و می‌نماید. می‌توانند می‌خواهند
نه ای "گار طرف هر این را بایستیم و با سیاست امیری بایم" مردم جهان را به اتحاد در آخونده
این پیام را دارند که "جهانیه جهان چیزی نیست" و اینها را سراسر جهان ناید. می‌خواهند
الخلیق، جستاخانه کارهای ایران را ازدی و باید از هم آگوش خود را در ایران آمدند سارند.
مالک سلطنه عصی اندکام و رهبری دنیا عربی و ساریه اوضاع جهانی را ساخته
و رهبری های منحصر نیز نیست. می‌توانند جیش شوده ای تعبیر کرد. می‌دانند بر همود
مشترکهای شکوفه امیری است که در ایران چنگ آمده باشد. در ایران از پایه می‌شون آنها داده
باشند. و همه حداز ایران مردم ادامه دهد. آنها می‌شون صریحت آمادگی جهانی در ایران
تمایز خارج از اشاره نمی‌دانند. باز غذا مفروض است که جیش شوده ای در عربی فرم است
منطقی درین گفتگو بیرون از این سیاستهای اندکان حیان ناید. سرانه ساخته شده است
شکل و شناور امیری است. سریزه عربیه نشانه است. سپاهه خوبی امیری که ایجاد می‌شون
امیری بیشم شروعی. که جهان را به سر زدن جذب کنند. ایشان توپی نیه به بدینگشت. ایشان می‌شون
جذب کنند. و این را ایشان دهد. مشتغل رکوری در این میان همان پیشنهادیان به رویار�ان اتفاق
جوانان ایشانها از نیام سه شنبه دارند. میان این اندکان حلقه ای پیشنهادیان ای ای ای ای ای
دایر تمام و تمام است. چنانکه ماذ نیمه داد. همچنان در ایران ریش جس در فرمال حته همای
که ایشان خود را آشنا. آفریدا ر آفریدا کان لاش کیست. مردم جس بیرونی داد. ای ای ای ای ای ای
مشتی هر دو آمیا. آفریدا ر آفریدا کان لاش را بیرونی خود شان سپهوارت را راتسانی
در ایشان ایشان ایشان و حد است می‌شان ساگری هواز ای و پشتیان می‌گفت.

سالهای پیش

در پیشین گفتگوی حزب گویند. جس. من پیش از زیارت می‌باشم
جزء که طی سالهای اخلاق برهنگی ریغه علویان ماره سانه روزی طلبیستی که از این روزی چون تو استه
در ایران خود و عواملش سرما پیش سیاسی سان گویی هم ایشانه و دعوه دن ریان ریان دیده داد.
رد و داد. گفتگوی حزب بفرمود. موافق شد سام خود را بیش از "هر چه مرد بیث" را. خلاشی
ایشانه نیوں در گردید. حتی در ایشانه حرس. حیانه. وی در این گفتگو گزارش سیاسی
آنچنان مرگوی حزب را احراء نمی‌کند. آنچنانکارشند ماهیت گزید ایشانه های او د
شیخ خانی می‌شکل اثیر از جمله مانند که کوئی در گفتگوی پادشاه حواس استار ای ایه گسوار سر
شکری و طبع پر و خوش این بیننا غصه دیگر هم نیست. ایشان داد. که سایه ران حکم
امان پاشه دیوان ماریزه دینه قاتی و ترمیه صرف نه تولیده داد. دینه است. تا پیش
این پیاوی که بیرونی نهائی برخیاری را بیرونی چند گانه خود را بخزید. بـ سعادت عالی
ت ایه میگرفته تصریح میکرد. حالا که نامداییست صدر و جانشی ملاطف مالک خود را ملاطفه
اگر مجاہلی سراوی می‌سازند می‌خواهی بـ میگذاری نیز. و ایه سه ایه بـ خود را می‌سازند
دوسته. پهله ایه بـ گزگیها مصالحه دـ میگذاری نیز. و دـ ایه سه ایه بـ خود را می‌سازند
که ایه خود شان می‌روند.

لین پیاوو بکی ارشحهیت‌باد - و رو ره‌هیجین در اتفاق فرهنگ سود که میکوشید تا
در سرمه نزد های چیز که سنجیره ای نهاده خال و دل بیدیرا و شیفتند رهبر سرگ خورد
مالکیت‌سده دوی سود و وی راسته‌تگ آهن می‌شدند و اضافه‌واره از اینه شخص مالک و حفظ میشی
پروتئین از سرای سوده هزار از معن کند و از این رهگر راهی پیشتره مقابه جماد
خانه‌های خود بگشاید . از جمله های وقایت سود که وی آمریت‌شیان مانعه دوی را نسبه
محصل امداد خلاقانه مارکیسم - سیسیم پرشرایط خامنه و ایجاد و احوال دیگران
کیوس سه محصل سیسیم را جمیعتی از سرمه نزد های مردم بلکه رانیه لف "معن داشت"
و گیفتند عیسی در شیخ ماکو خود میدار که دست یافش و دست آنها گیریا ماحصل سود و وصاف
ساید شیوه مردمی - میکنند خانه های جمیں کمیس حملات از آهارا از برگرد "ونکی کراهه
خس آهه اعمل گرد ... نایند که خس پیاوو ، تبا کسیکار فواره راز اند بدند های و اشر
بین سرمه ، آمد و سرمیت قدر شست سهمی شیوه کوکوکه هرجده گفت از برگرد و سخن
آهه شد - گفت ددم هم رسایرد . حملات از ناش ایکه "هر جهه از صدر مادر مایند ایش
و از ده هزار حملات عادی هشتادون دارد" ، که تو سلطان این پیاوو و احترم شد گایش پرگردیده
و در پرسنی سرتختات آن دران اعکاس یافته . همه این شیرگ را در رهی میدارند
برغم لین پیاوو ، ملان "سه اثر" ماکو جیان "مه جره آسا" و "حرانگیز" هستند که گیر سما
گوییستها و نیزه های جن لارم سیسته بگزینه مذکوی این آثار دیگر ماکو . که از تهدی رسای
هم پرساندن سرای احمدیت تاریخی و عرض پیشتری سرای مارکی خلقانی و اجهادی میباشد
شند . پیاوو ارد .

سعلاده لین پیاوو همه سنان خانه ساروی به تبا این ترها می دارند و
خود از طبقه آثار ماکو جلدیست . که رانوار این مالکیت دوی در پرسنی سایر آنها
تارا سرگ پردازشای خواندن کلاسیکه‌ای حاریش آن مارکیسم راعی ضری خود را داده است
این شان بد تحمیل گوتیستها و کارگران میکشیدند . پس از اتفاق فرهنگ ، سرمه از زبان
سنهای ۱۳۶۹ میشهار و پسر ره‌سعود ماکو کمیفتند مرکزی حرب بردن مطالعه ایان
کلاسیکهای مارکیسم ، آثار مارکیم ، اگر ، لین و استاری همراه با مالکیت آثار ، ایش
ناکید خاص شده و درین آن حشی سرای طائمه و سخت آهاد رعنی و طول جن سراه
اوئلدار . این درست حدaf پاره گزینیا و سیمی سود که سب پیاوو دارند ای میکشند
محرب و مردم جن شان دهند . این شان دار که هر چیزی من در آن دی لین پیاوو
جه خده دیوار آهورشیان ماکو سود . در روابع مخفر نیم پیاوو ره‌اصری جون اوازاس هر دیها
مگر من اضمار ساخت شخصیت . کسر مالکیت دوی ، من اضمار ساخت آهورشیان او ، من اضمار
ساخت مارکیسم - سیسیم میتوانست اشد و سید سعلاده این حرفه اشان . داد که
لین پیاوو همه سنان سرای نزد های مردم که داید حومه را میگشند .
سیار اندیزید از در خود را رهای ساره . پس ملارس مانک چستند .

مارکیسم می‌آمیزد که نزد های رهای حربیان مارکی خلقانی . ده تهدیت پرشرایط مارکی
رساند . حید رسخانه را آن دید و در حربیان آن رهای رهای حربیان . میگردند .

لیں پیاوو شیار ای جین او جنیں میٹھے بکر کے گئے بے اسلاں گرد نہ رہتے سنید ۱۔
زید، پیمنی دشمن طبقاتی را بحال خوندگار دشمنیوی رپاٹت گئیں کبھی پلچری را
درد روند خود جستجو کیا۔ ازد رفائلی «جیہاً همان مزخرفات اباده الیست لیوشاکوچی را
میں سرا یکے گیریتھا بے خود ساری و ریاضت نشسته و دست از دیگریوں ایں دیایا جائے
گی و رسیدن سے آرمان کوئیسم بد ارد، باطراف سیراکند و ایں آموزش اساس مانوئے۔
رون را کے ۷۰۰ ہفت کیعی مبارزات انقلابی درجهان کسب درت سیاس و تحکیم آئت
لئی میکر۔ ۲

لین پیاوو داریو سته ایں کے ہئی مکروہ گرشنان دست یافتہ به ظام و فدرت
سید، دو رشتہ کمیٹی مركی حزب دنیاستان ۱۴۶۹ (اوت ۱۹۷۰) کوئی دن تا منام
رپاٹ جمهوری را، کہ از زمان سرافشاد لیوشاکوچی خالی ماند ہوئے دیوارہ احیا کئے۔
تصد آنام ایں سوکھ لین پیاوو شیخ ہمہر شد، واز آن پیاواخیالی راحتہ تحکیم نہ ر
خوب و سکار گزاریں عوامل خود سیرد ازد، ولی آنام درایم شستہ با محال فشیدہ مانو
و سایر کوئیتھا واقعی روپیزد ۳۔ دستا لین پیاوو دیوار ارائی درایم شستہ رامع
ہے شیخی «سامعہ» و «مجزہ» ساری خود، کہ مانی و آموزشہای مانو سخت درنیاد مید
و از ایمروں مخالفت و ماریعی مانو و کمیٹی مركی حزب را بالایگوئے سڑات برائیگیتے بید،
د ای د عالی ازیادی سراء ادا اختد۔ لین پیاوو داریو سته ایں بس ازد و زید و سیم شادیت و
پافشاری د ریپشنہارها و سطرات خود سراجام کارشنان سے میں سستہ ریپہ ای رہم شستہ
شند۔ آناء لین پیاوو شیخ ہمہر تیغہ گیر وی شہاراء را سراجام بکر کوئی نای طنامی و قشن
رمیں مانوئیتے دیں زید، بے میں مکروہ دست ۱۴۶۹ (مارس ۱۹۷۰) نیوٹھن صربوں پے
غمخ ۷۲۵ را سمجھت و سرای اخراج آن سے ۷۲۴ کیجھیخ ۱۴۵۰ دست بکار میتھیست۔
پیک، د رہڑیاں اخراج، یونٹہ نایاں ر سختہ را ب سیرد اس پیک از نیکت ایں نوائی رہماں
شند۔ آن سی پیاوو فرار را سر فرار تحریج راند، زیر ۷۲۶ شہریم ہمہانی سا ہرایپما
سیی اتحاد نیروی بڑاڑ میک، پیک نے رسی راه ر سریعنی میتھنیاں ہر ایسا جیں سفری کریں د
کئیتے بیدی۔ فوارلیں پیاوو سیوی اتحاد نیوی کیا داد کے ری بند نے خود گلار ر بک
مشتری مخفی سویاں۔ امریالیسم نیروی سید، ری ارٹوں سیم سیرم سارہا کوئیتے بید نا از
نشیعات حرب کیویست جیں سریعہ ریز چوپریسم و سویاں امریالیسم نیروی حرب گئی کرد ۴
ایکتے ت آسہا سکا ۵۔

پس از ماہریاں فراریں پیاوو سڑاپ سیاس و اورہاٹی کے لیں نہ سریمہردا
داس میکر، و ملاحظہ میتھی کے ری نہ رہ متوجھ مخاں حاضرات خود سطراوی کامسلا
راست و ص اندلاس را مسخر ست ایشہ است، مثلاً ری نہ ارس تربیت کا ر ۷۰۰ مہ را کہ سا
ہے رہمود مانو گاہرها میانعدی مارکیسم۔ سیم را سانرکت د رکارتویہ ن ھسرا ۱
میکر کے ہمیوں اصلاح اور راه گل احصاری سریگی سریپیتے ۶ معرفی مکر، زعس اندھو
اعرام مخصوص و راشدیاں را ہے رہستاها ر سماشتریا نہ ہمیاں سیساں سکاریتہا
میکر کے، صما ری ارزو د است کے پیار غصہ صرف از حادیاں علی خود نہ رہ ماس ساخت

نمای خود را به پیش که از قرار معلوم مثل خود نی "بابنه" میدانست، بارت گهارد، نامی این نظرات و اعمال لین بپوشاند از زمانه ای ماهیت عمیقاً ارتضای و راست بود.
در مشهور ۱۲۵۲ ده همین گنگوی حزب کویوبیست چین پیروزیه اند گشوده اند.
برگزاری این گنگوی روسی کیپده شدن درستان حضرتان بین روسی و ایلی بوشاوهوجی زلین بپوشاند روز در رفاقت درستگی دستاوردهای همین گنگوی حزب و پکن گام پیروزیست اسے ای دیگری سه پیش برد، در این گنگوی روسی چون لای همراه راست ماشوگارش ساس کمیه مرکزی خزب را خواهد و در آن پرسه اگر روی مقاصد و اعمال لین بپایلوی خان، دود و روزه سان و جاء طلب وسان توطکه گر و غصه خسی اوسراسته و ماهیت این توصیم راست افزایش آن را افتاد کرد. در همین گنگارش، چون لای در اشاره به تحریعی راه مازه ای عذری دو منی در درین حزب کویوبیست چین و از جمله مبارزه با منی این توصیم دارید مستعد شد خسی لین بپاشو این آموزش سیار مهم رفیق ماشیته دین را پار آفرید گرد که؛ واجب است توجه کشم که یك گنگوی گنگوی را میتوشاد. آشایه در توضیح این پار آفرید مهم جنین مثال از دستگان گزینه گرفت: "مثاله سا این توصیم راست چن - توسو که همه انتقام، هیچ مازه را سنجی مکرر این توصیم 'چیز' واس میخواهد این را که همه مازه، هیچ اندان را شلیع میگردند پوشاند. تصحیح احوال 'چیز' واس میخواهد این اخراج راست چن توسو را پوشاند. مازه سرطبه روپیزی توصیم بوشاوهوجی و روپیزی توصیم لین بپایلو را پوشاند. سویه های سیاری در گذشت بود که یك گنگوی گنگوی را میتوشاد. در مانکه خربی خیز میگرفت. اکثریت در سال آن مرفتند، حال آنکه شها اندکی دار بر اینتر این دستگان میمیسدند. "تیخد آنکه تیرما لارست گویشیم جناب گنگویان را سمعون شد چیز داند و تصحیح کشم. وزمانیکه بث گرایش دارست چون خربیان سرگش سویهان خیز مرفتند، ما پایان از اخراج ستریم و ساید حراث کشیم برخلاف خربیان رفتند و در این راست در هشت گوییم. صدر مانو میگردند "سرغلاف خربیان رفتن بک اصل عارکیست - تیختی است."

نظرات مكتب خانه ای و ایده آنچیتی و سعی تکری متخط و پرسیه می لین بپاشو در ای رشد های عین طبقی - تاریخی در غیر گنگوی روح رحس کهی بود، طرز گنگوی که سه هزار میل سیاه ته خورد را مردم روز شاهی گشیمیم، حکم ارتضای کهنه جس، مهیا شد، این آمیزشها در طیز گنگوی شده های متولی دند و شده های چون فسر خوانند و اساس نفعیم و نوجوان مکتب خانه های جن کهنه و همچیزی در رخواب و های جپور فوارگرفته بود. گنگوی اساسی در این آمیزشها که حدیث مذهبی "خون گرفته ز شیط طغیت ارتضای هست. یاسها شده طغای. منه، همان سرزم عیون ب توده ها در میان خود از سیاست حاکم، اعدام و مادر ای و نیشی می خون و جرا از سرمار آن بود. وظیفه این بست نیوده - در سار افت ارساسی سا راضیخان غیره بسته فرموده در میان افت ارساسی را با حاده احمد ای) بود، در سار افت ارساسی رنگر شد و همه همراه با افت ارساسی داشتی، که ناصندریج حدایق از مردمی ها را سه یاره را مزبه، می ایده و بده آشنا هست - هسی مید ای، سعیم گام ار نهاد فته ای - بد رسانالاری؛ ای سیزیگی حاکم بر حاسمهن جس را

تکنیک میله اردست. سایه آموزشیای کفرسیوس و شاگرد اش فرماتروایان از خود و داشتن
(مسن) در خود را رد حال آنکه تردد های سخن در زاد است و این تفاوت بین مدرس و مدرس
ابد و گردد و لامست. که مدرسی بکی را برید گیری مقدار ساخته است، بر همین پایه نهاده
و فردان و زبان را بدین ترتیب فرماتروایان بپدران و شرهوای راهنمایی شدند، از اینها
و آنها ترتیب ایمان گذشتند که اینها تعبیت میاند و مطلع آینده هم گذشت. اینها باعظیان را
و نظریان ایمانیه بیرون رانه تکنیک میله اردست و همین رضوه و نظریان که اینی خود گهی هن داشتند و
را برو، سنه ایل میکنند تا نیازی شنی. سرعه زدن بیان اینها که کوکی اینچه خود مخوب را
هر داشتم اند. همین بودند بنده قصد آیان از وجود سایهای اینه تولید کردند کفرسیوس گزی درد هن
بردم سو، استفاده میکردند.

لین پیامبر بعد ستان او در سرمه ایل که این پیشه ندان نامی نداشتند و
اجلاضی از دستان کفرسیوس و گفتوسیوس گزی خود که در مردمه میگذشتند جهان میپرس
علی مارکسیسم. به سه راز درون نایخواه گفت. علم را در مراتب سیلاید، توره های درد م
جهی و رسد و ماروه قدرت را غصب کند و جیغ نایخواه را برد. فریاد ایل، این پیام
خود میزد اگر میزد. گزی انتقاد میله اشت و حقی بقایا در اشاره داشتند که از پیغمبران مسروط
کفرسیوس سام نیز هیچ شو، که در ارجح دریان، که کفرسیوس گزی در دریان فشارد اینهی
جهی و جنگی نه هیچ و البته دادن بد آن نکن. نایخواه اینها کردند سو، گفته بود: «آن دم
ایستگه هر یک از شیما یار خواهید گرفت که بدین جن شو، انتید!» بد پیمار کشید.
سیزدهمین سو، حربیک اینهی کی جهی طبقات اجتماعی. اکنون جریان این شیوه میگن نین
پیغمبر و داده نوشته گزی او سو،

ما شنیده نه این راهنماییات بود که مانند نمودن باره پیشگار عمل و نزد گستری
در گزی شان دار، کهسته مرکزی حزب تحت رهبری پاره مصطفی امداد و نفع نزد نه ای از
لین پیامبر و اسطو ایل مکنند را با گوشش سرایی س اشاره خواهی را ماروه سایایی ایل پیشه
های و مزادات پیشنهاد گفتوسیوس در نایخواه میزد و پیزدند ایل اندیسان کارزاره بروند
زیکی و ساییم واحدی بر علیه هردو برادر امداد. حسنه عظم انتداد از لین پیامبر و کفرسیوس
اد امنی اعداء. به عرضیکی بر زنشاریا شی حس و این اینضی ضری آن سو، و مرنی - خسروی
سایی ایل شوی میگن. داده اجتماعی و شهادتی، ایزوج - نهاده از خصمه هنگز و همراه داده
ان انداد و مهدی داده ایل اینهی اینهی مارکسیسم. تنبیه سرایی تمحک دیگرانشند و پیمارها
و پیشرفت پیوره استهی ساخته ایل ساییم، رجیم. اینهیست قبور الداده داده است.

حتف روی کار آیان عناصری جن ایل پیامبر حمد ساخته سرای موسسه ایل هم در جن
ایل بود که آیان سرای ایل مایه ساده سویز ایل خود و تحکم داگذشت خود خواه سا خواه
مکنند شده نایخواهی را در حمام و سریزه ایل بزیره مکنند، گارند ایل ایل و میزدند
کار خاصه ایل مایه ایل، که سطح آنجه در شیوه و بیوی داده ایل امکان اینهی شان سه نویسه
برزی ایلی سریه شان ایل زده هایار. سار امداده مکنند و حاده اینهی راهنمای ایل شان حمده. نای
امداده خواه بزیره بزیره داده که کاره در ایل ایل مگرد استه، ایل همان کاره سر، که سویه ایل هم

و گزئیم دست فراموشی میبرند، خیریت می‌اشت.

در اینجا بود که پک جریان اسرافی راست مباردگر از درون حزب گذشت،
سروں زده و سه مخالفت با مشی حزب در زمینه ساختمان سوسیالیسم و تکرار اساطیل گذشت،
که در زمان انقلاب عظیم مردمگی برپا شد و طرد شد بود، پرسید، با رامن
گرفتن چنین ظالمی شدی و در یکتاپری برپا شد و افزایش آگاهی و درستیجه اشتیاقی و
فشار رحمتکاران چنین مخدود کردن خودی سوزوکشی و اعمال همه جانبه دستاورد -
های انقلاب فرهنگی، مقاومت جریان اسرافی راست و نهادهای اصلی آن شیوه بین
نیز شد به ترشید .

از دید شیوه بین و هوارد ارش تمام این حرفا راجع به مارکس طبقاتی و
مسئلی تجدید به حقوق سوزوکشی و غیره اتفاق وقت و مانع در سراسر پیشرفت اقتصادی و
فنی چین و مدرنیزه کردن صنایع و کشاورزی بود، برای همین شیوه بین شایعی گشته
از رهبران حزب دولت در طی سالهای متواتی، هریار در بر اسرار تحولات انقلابی درجا -
می‌گردید چنین مشارکت شاند اند و به عاد آنها سخاسته بود، مثلثه وی ساجد شد و ای
برای دسته جمعی گردید کشاورزی و ساختگل کوئی های خلق به مخالفت رخاسته و همرا
با نیوشالوجی و چن بونا این تجزیه‌بیشست را که شناخت اصلی در چین نه تضاد بین
سوزوکشی و پرپلشاری، بلکه شناخت میان نظام پیشرفتی سوسیالیست و غلب مانعی سوزوکشی و
مولک است، وارد مخصوص هشتمنی گشته بود، در سال ۱۹۴۰، هنگامیکه چین موقت
گرفتاری لایه ای طبیعی و خواستگاری رویزجویستهای خوشجفی شده بود، این پیشنهاد
راست سرگردگی نیوشالوجی شناخته چاره اند پیش نظام سوسیالیست را میزد خطا
فرار از این غلب شیوه موضع سرمایه ای را طلب میکرد، در این زمان شیوه بین
برای همراهی با آنها این تجزیه آنرا که مصمم نیست که آنها این گزینه ای مفید است به
گردد ای سباء، هر گزینه ای که موثر شگرد کرده خوب است، آنها وی ساخته برای تزاری
میزد و هر گزینه ای که انتشار پیش طی میگردد، ملل را دچار خسارت طی کرد؟ چه نوع
روابط توییزی نیز بیهود است؟ سفر مورد که ما ماید این سرحرث را اشته مائیم؛ هریزو
را و در هر حالی انجان کند که مایه تسهیل احیا و ایکناف توییز میشود، وی سا همین
نمیتوان استلال برگاماییش به این شیوه مرسبد که سارماں گشته و کار فردی نزد مدار
میگردید افرادی در تولید تیور مدار است، بعارت در گزینه بین هیچ غفاری
نمیگرد که آناییں سرمایه ای است که رشد میگذید با سوسیالیسم، و آنها افرادی توییز افراد
توییز سعیت افتباط مدار است با معنی اگریت نیزه های چین، سوزوکشی ایست که تولید را
نه ایست میگذارد پرپلشاری، و خلاصه مادر کجا هستیم؛ هدف از تمام این انقلاب گزینه
چه بوده است، درستیجه تجزیه سباء و سفید ای خواه ناخواه با تعابرات قصرهای مرفنا
ر هنلی و حزب سوزوکشی، که آنیز احیا سرمایه ای را اشته سوزوکشی را -
نمیگرد توییز سرای توییز سریه ای مشهی میگذارد .

عن سیالو بین در اوائل انقلاب فرهنگی همراه با نیوشانیوجی و دارودسته اش
معمالدیدها این انقلاب و سرگوی حبس نموده ای سرخاست و سرای همین به زیر استقاد شد به
نوده های جس کشیده شد . آنکه این ازکرد می خود اظهار پیشگاهی کرد و دستبه انتقام
از خود روز و نجفت شناج انقلاب فرهنگی را بدین عرفته و هرگز زیارت آنها نخواهد زد . از اینروه سایه
مانور احمد هه کاسرهای را ازبرایکه سایه از طریق تربیت به افراد مستثنی گفت کرد و دامنه
خطه را شنک گردانید . و اینکه سایه آنها را سوئم آزاد کرد . و به کار مامی گماشت و شو
پیشان کرد که بعیان نموده ها رفته و جهان بین خود را نوسازی گند ، درینروه عن سیالو بین
نمود احراً شد . لیکن عن سیالو بین صورت آنکه دوباره بمقامات بالای حزبی و دولتشی رسیده
روزگرسخت های جدیدی از زبانه های رویزبونیست پیشین و خود همیزی از دسته انتقام
های انقلاب عظیم فرهنگی برولتاریائی جسی بود احتمل . باز انسان گیره سیاه و سفید و
سرای جانه ریس سا برولتاریا بیند ای آنکه دوباره نخادت گند از این میان سه رهسوسد مالو ، مسی
سرگروم طالعدهن دیگانویں برولتاریا و سارزه را رویزبونیسم ایرونی نامی شاشد و وحدت و
سرویم پیشراندن انتقام شن که میگشتند این خود را میگردانند . هرگز از دسته انتقام
بداخل بث گیمه ریخته و لزوم هتریش هر سه رهسوسد را بستاین خلفی گشیدی . در هر دوین
عرضه ها و کارهای انتقام را داشت . مانند در اشاره به این احراف رویزبونیست ، که علاوه مارزی کی
طبقاتی را همیطح با چیزهای ریگز و درستیجه فرمای آنها گرد ، تاگد کرد که "سارزه" دست
طبیقانی خلفی گشیدی . است و همه چیزیدان و لسته است . و در اشاره به این حرکت
تاریخ عن سیالو بین گفت : این شخص مادری طبقاتی را در کشیدن او و هرگزه این طبقه
گشید اشاره نکرده است . باز هم این داستان گیره سفید . گیره سیاه . همچ غاوی فائل
شده میان امیرپالایس و مارکگیم است .

حوالي ناسنیان میان ۱۲۵-۱۳۵ جریان احرافی را سیاه گرفت و نظرات رویزبونیست
عن سیالو بین سخن
عن سیالو بین سکار خود خوبناره ای زاده گرد و خان عطیی میگردید . عن سیالو بین و پیرزا
او بریضوان "شناسان اکشان صفتی" و "اصلاح" انتقامی به تحریف و تدویش شد
اصلی و سایه سنهای خود را میگفت ساختن موییلاییم بود احتمله . آن سیوه دسته
و زه های انقلاب فرهنگی را در رمهه های گویاگو شهیج گرفته ای بازه را هرگز کشید
گشید . اگرچه حقوق گذشتند سیوه .

سازمانی است جزو ای سرای ۱۲۵-۱۳۵ نویسنده مالو همیوشه شده بود . دویز شهری امیر
النادری را به جهان روپاچنی میان مقامات مرکزی و مقامات سخن ایجاد گرد که به استکار عمل
جزد و زمانی زیزه بروگر انتیم را نموده . مالو گفته بود "گذاره ساغنی کار پیشتری
را سخت سریعه بین مزکونی واحد سرمهده گیرد . "سا سعید مالو" حینی سهیز ای ایستکار
نه ایه و مصمم سرچشمه گبور نازیت میع "سیک عن سیالو بین در نوحه سیاستهای
حرث و رسمیه های مالوسره هو . و ماسو استعداده ای مقام حوت گوشیده نا نظام از اری دیگری

که بر سند غرفت نشست و خواست سوزن‌وارزی را اعمال می‌کند. سایر این لمحه شیوه اتفاقات
سویاالیستی درست متوجه اینان، درست متوجه هردوان سرمایه داری در درون حزب
گوییست می‌شد. ایناند که جنابه در آنچه در آنچه شوری و سرعی گشته‌های سویاالیستی سائی
ردیده شده با هرین بعثات بالا درست را صفت کرد و سراسیام گشته‌ای از اسوسیالیسم
به راه سرمایه داری می‌انشد و دیگنانوی سوزن‌وارزی را حاگزین نیکتا نموده باشد، پامیشند.
پس درست در درون حزب گویند است که باید سخت هوای سوزن‌وارزی را داشت.

باشد تکفیر چنین استفاده از حریق اخراجی راست و گذاره شدن لهدی
شیوه انتقاد نیو، ای سرطیه سرد در ازان آن در درون حزب گوییست، تن سیالویین و هوا-
در اینش نیز مذبوحانه دست بمعاونت مشکل رده گوشیده د تا سه‌اندی برگزاری باد سود
در گذشت رفیق چون لای تظاهرات سیاسی مشکلی را که هدف شمار آوردن سروی گمیته
مرگی حرب گوییست. چن و اشتماب آن احش در آن سود، هریا سازد. این تظاهرات در
۱۶ فروردین ۱۳۵۵ سا شرکت کنمایش رده هزار غیر دریان تن آن مبنی بکن سرگزارند، که
بعد تا حد هزار غرفه اطبی برای تاش آشیده سود اهوازی باشد. در میان تظاهرکنندگان
عدد ای که هدف نشان گویند رفیق مالویسه دوی سود فرباد می‌زند. که نصر چن شی هوا-
پایان یافتو از شن سیالویین پشتیانی می‌بیند. آنان از "مارکسیسم - لیویسم خلیفی"
در مردم رخوش خیال‌س اعلام می‌اشتند که با شن سیالویین در مصیولیت گارگیمه مرگی
مارزه به هژوونی تظیعی شامل شده است. در این میان، تعدادی از مسلط‌تیه بیزه
درست و سنجاق‌تند هری و ضد اقلایی به آتش گشته‌اند. در پنجه هانی خون شد-
و نیز گروهی از کارگران، گشایان و سریان ارتش خدی، که برای افغان دست بانداشت-
کنندگان آشده بودند، میزد مکه فوارگره که درخی شدند. ولی سراسیام تلاش افغان گرایه
حزب و سید اردلی موده چین کا بود راکد، تظاهرکنندگان شدند او نیلی کاشن مانند و
معد و بدی اخلاقگران اصلی ساره اشت شد-

دیگران کار تن سیالویین و هوان ارشت گرفت و سراسیام دیو و سیل ر ر
، همین سه همان سال به پیش‌باد ماند و نیز کمک‌دی برگزید هری از همن میان است-
هزین و سیلیت خوار محرر و سرگارگردید. این عصر همان روز، ۱۴ ابریل ۱۳۵۷، ناجت رزمندی
تظاهراتی جد ملیوتی سرمه از سوی موده بک و سراسیام در دفع از رضی مالوی
نه-ای. گمبه‌در مرگی شدت رهبری او را بکاره شد. توکل همان اخلاص چین دارمده دعا
ست اعلام شد: ای از هنر قهریان خود و رهبر گشته‌های سیالویین در سخاسته شمارها-
ای سه هوان از ای دیگنانوی پریشانهای و رهبری مادر و سر محکمیت شن سیالویین را اسعاره-
تکرار راست و ششات فرست طلبیه و ضد هری آن داشت-

پس از هری حزب گنویست، پیش از هری مالوی میانه، هری مالویه دریان فرموده شد: ای
رست و زیبیلیست شن سیالویین هری سرگی سرگی سرگی سرگی سرگی سرگی سرگی سرگی سرگی
ایم چنیست هری سرگی
نیو، ای را پیش‌بایان مطعن ایم همانی خوار رهبه گشته‌های ایم سیالویین همه همیسا-
اقلایی و سخ میانه-.

سال گذشت همانکه مانیورای آخرین باره روزنه‌گی خود حزب و مردم جمیں را برعلیه نشان سوپرالیسم درجس رهبری میکرد، در اشاره مباریای پس از شکست مجددی خلیج چن گفت: «پس از انقلاب دیگر اینکه کارگران و دهستان‌نشیون و میان‌حال عقیل بودند نکرد - آنها انقلاب میخواهند - از طرف دیگر، محمد امیری ای انصاری خوب نمیخواهد، هند پیش‌روت، سرخی شبکه‌گرد کرده ربا انقلاب مخالفت کرد - پس از روزها آنها مارک را بلند پایه نمودند و میخواهند صافع مادران بلند پایه را حفاظت کنند»، و اساد را آنده چه؟

«آیا حد سالی پس از این نیاز به انقلاب خواهد بود؟ آیا هزار سالی پس از این نیاز هم نیاز به انقلاب خواهد بود؟ همیشه به انقلاب نیاز است، همیشه شخصیاتی از مردم هستند که احساس متدهدگی میکند، مادران جزو داشجربیان، کارگران، دهستانی و سرداران بروند از این که گزینند، مادران آنهاست که اینستگه چرا انقلاب میخواهند، آنها صادق‌های خوار سال پس از این دیگر نیاز به مبارکه نداشتند؟ چرا نه؟ آنها سار هم دیدند خواهند شد».

اینست چشم آخرين عاليه‌دارين؟ همینه به این‌تر بپاراست! هر سمعي انسناها با انقلاب‌خواهها میتوان درهم شکست. این همین سفارشی انساب بجهود کارگران و شهروندان همیشده بدل جهیز که آزادی خود را بمحبته، آنهاست تها اکثر، بلکه حتی پس از رهانی خود، حتی مدد سار و هزاران مدد ارائه هم سایه آرام شسته به همیچ سنتگری احאר عی میتم کردند و هستند.

اگرین ریگ نایم‌شده‌یون بیست، روح‌مندان چن و مه‌سپاهیان آیا، سکه رحمتند کشان سراسر جهان را همیشنه های سنه بده او که برای زهادی خوبیش پیکار میکند، آیینگار و رهبریزگی را از دست آورده است. این ایگن آیین‌نشیانی مادران، اندیشه و نظر ای رهبانی سخن او، همچنان ریگ است رهگر از دست نخواهند رفت، ریگی سراسر اسلام ای، که تمام وقف آزادی روح‌مندان چنی و همیشنه است بدگان عالم گشته، همیشه بمنه او خواهند کشید که عین اسلامیون و گنویسنهای رامشین همیار ارآل ساختند و آنرا سرمهشند و خود فرا میشدند.